

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۲۸ صفحه

پیکار

۸۵

سال دوم - دوشنبه ۲۴ آذر ۱۳۵۹ بهای ۳۰۰ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

- هاشمی رفسنجانی و ۴۰۰ میلیون تومان خرید از خارج! صفحه ۲۱
- تیرباران يك کمونیست دیگر در خوزستان صفحه ۸
- رفیق حسنعلی شهبازی نفعگرا انقلابی آزاد باید گردد صفحه ۲۶
- پاسداران سرمایه، "نورآباد" ممسنی را بخاک و خون کشیدند! صفحه ۱۲
- حزب دمکرات کردستان عراق و خیانت آن نسبت به خلق کرد صفحه ۵
- مبارزات دانش آموزان در آستارا صفحه ۷

وضع زحمتکشان
در جنگهای
عادلانه و انقلابی

صفحه ۱۷

رهنمود به هواداران داخل
و خارج از کشور
در مورد مبارزه در جهت
آزادی زندانیان
سیاسی انقلابی

صفحه ۲۷

پیشمرگان انقلابی
سازمان پیکار ۱۴ مزدور
را بهلاکت رساندند

صفحه ۱۰

آقای باهنر،
عامل فرخ روپارسا،
وزیر جدید
آموزش و پرورش
جمهوری اسلامی

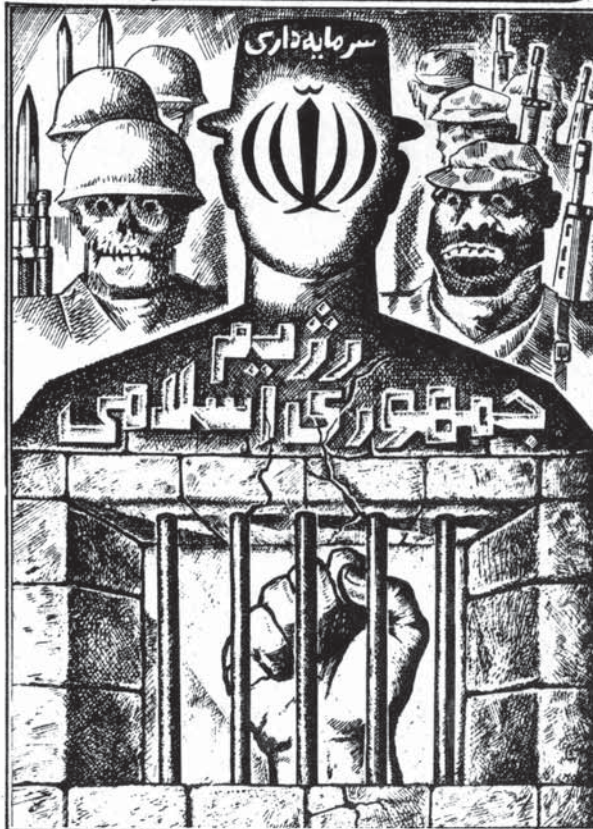
صفحه ۷

حقایق درون ارتش
و ادعاهای رژیم

صفحه ۲۲

انقلابیون در بند پرچم
مبارزه را در زندانهای
جمهوری اسلامی
برافراشته نگاه داشته اند!

صفحه ۱۵



درود بردلاوری و مقاومت زندانیان سیاسی انقلابی

چرا بیکاری آتش زیر خاکستر است

صفحه ۳

سرمقاله

به استقبال
جنبش
اوچگیرنده
نوده‌ها بنشاییم

۲۲ ماه از قیام شکوهمند خلقهای
قهرمان ایران میگذرد، این
قیام بدلیل خیانت و سازش
خرده بورژوازی مرفه‌سنجی و
بورژوازی لیبرال با امپریالیستها
و نبود صف مستقل ورهبرانی
پرولتاریا و کمونیستها برای
قیام، نتوانست به حاکمیت
پرولتاریا و زحمتکشان ونوده‌های
تحت ستم منجر گشته و به خواستهای
اساسی نوده‌ها تحقق بخشد. اما
این هیچگاه به معنی شکست قیام

بقیه در صفحه ۲

گزارشی از
اوضاع
سیاسی عراق

صفحه ۱۳

محاومه
مارکسیسم
در چین

صفحه ۱۸

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

سرمقاله ...

نمود، نوددهای زحمتکش ورنجدیده ما که در کام اول جنبش میلیونی خود در زیر شدیدترین نوع دیکتاتورهای جهان و با تقدیم هفتاد هزار شهید و بیش از صد هزار زخمی و زندانی موفقی شدند، رژیم سلطنتی شاه خائن این نماینده مزدور و کارگر را میریالیسم آمریکا را به زیاده دانی تاریخ بیا فکند، از آن به بعد نیز، علیرغم ضامی توهمات خود نسبت به هیات حاکمه جدید و علیرغم یکدوره افت جنبش توده‌ای، از مبارزه بخاطر خواسته‌های سیاسی و اقتصادی خود و لولوسا برد محدود و پانزده پستانده اند.

رژیم جمهوری اسلامی بنا بر ما هیت بورژوازی و ارتجاعی خود، نه تنها نتوانسته (و نخواهد توانست) بر بحران‌های که از اکتوبریست‌ها به پاره‌های وابسته بود فائق آید، بلکه هر روز که از عمر حکومت او میگذرد، این بحران در ابعاد وسیعتری افزایش مینماید و این خود، بنا بر فاشیستی توده‌ها را دامن زده و آنها را به عرصه مبارزه روانه میسازد.

کارگران آگاه و پیشرو، توده‌های وسیعی از خلق‌های تحت ستم نظیر خلق کرد و ترکمن ...، دانشجویان، دانش‌آموزان و معلمین رزمنده و انقلابی و ...، از همان فردای قیام، و توده‌های وسیع‌تر در فواصل بعدی، بتدریج دریا فتنه‌ور می‌یابند که این رژیم‌نمیخواهد و نه میتواند به خواسته‌های انقلابی و برحق آنها پاسخ دهد و از این رو برای حفظ دستاوردهای قیام خونین بهمین، به مبارزه خود به اشکال مختلف ادامه داده و میدهند. این مبارزات خود نمونه سرکوب رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را در تمامی مناطق: در کردستان و ترکمن صحرا، در خوزستان و دورود در کارخانه و روستا و در دانشگاه و مدرسه بدنیا می‌آورد و هزاران نفر از توده‌های شهرمان و انقلابیون کمونیست و غیر کمونیست کشته را و اقدام می‌شوند و زندانیان آنها هم‌اند زمان رژیم شاه از زندانیان سیاسی انقلابی آنها شسته شسته و زندانیان بعناوین مختلف تحت شدیدترین شکنجه‌های روانی و جسمی قرار میگیرند و هزاران نفر از کمونیست‌ها و انقلابیون از ادارات و مدارس به جرم دفاع از زحمتکشان و آزادی‌های دیکراتیک، اخراج میشوند.

رژیم جمهوری اسلامی، همانند تمامی رژیم‌های ارتجاعی در تاریخ، کور دلانده تصور میکند که میتواند، چرخ تاریخ را به عقب برگرداند و سوا اخراج و زندان، شکنجه و اعدام و سرکوب و کشتار جلومبارزه طبقاتی زحمتکشان و خلق‌های تحت ستم بازا بگیرد، غافل از اینکه خلق‌های شهرمان ما که از ما بیش‌تر خوسا رقیب بهمین را در پشت سر خود دارند و با انکار، به تحریکات مبارزات یک نفر از ما، بر علیه هر گونه ستم‌های سیاسی و اقتصادی و بر علیه سلطه میریالیست‌ها و پانداگان

سیاسی، بر ما بدداری و استبداد مبارزه سرخو احمد حواس و هما نگویند که رژیم شاه دوسما دستکاه سرکوب و کشتار نتوانست مدای حق للما بنده آنها را خاموش کند، سرکوب و کشتار رژیم جمهوری اسلامی نیز هیچگاه ما در بهمان بلایا آنها ننموده و تنها موجب کرده خوردن، مشت‌ها، ریا تر شدن و تیرا دها و برادر شدن تنگنا کشته است. کافسی است نگاهی به وضع جنبش توده‌ای بیندازیم تا ببینیم وضع از چه فرار است:

طبقه کارگر و بویژه کارگران مبارز صنعت نفت که در ماه‌های قبل از قیام و با اعتماد بسیار برداشته و کشته شده خود، ضریبات شکننده‌ای بر حیات اقتصادی و سیاسی رژیم شاه وارد آوردند و در زمان قیام (والیبتنه بصورت صف مستقل، بلکه در چارچوب دنباله‌روی از خرده بورژوازی و مواضع آن) حماسه‌ها آفریدند، در روزها و ماه‌های پس از قیام نیز به مبارزه خود جهت حفظ ویا تشکیل شوراهای کارگری (سندیکای سرخ) ادامه دادند و علیرغم ضعف رهبری و کوشش رژیم جهت نابود ساختن این شوراها و جایگزینی آن توسط شورا-های اسلامی، نتوانستند در بسیاری از کارخانجات این شوراها را حفظ کرده و یا بوجود آورند. علاوه در همین مقطع در کنار جنبش کارگران شاغل، جنبش کارگران بیکار نیز از سطح بالائی برخوردار رسیده، و هر روز تهران و شهرستان‌ها تا حدتظاهرات کارگران بیکار ریا شعارهای اساسا انقلابی و پرولتری و اکثرا تحت رهبری کمونیست‌ها بود. مبارزات کارگران شاغل و بیکار اگر چه بعدها تحت شرایط عینی و ذهنی کارمیر جنبش طبقه دچار افت گردید ولی هم‌اکنون با شدت بحران اقتصادی و سیاسی جامعه افزایش بیگاری (هم‌اکنون طبق آمارهای خود رژیم، ۴ میلیون بیکار در ایران وجود دارد) تورم و گرانی بخصوص در مناطق جنگ زده و در ارتباط با کار و فعالیت آگاهانه نسبتا وسیع کمونیست‌ها در میان کارگران، چشم‌انداز رشد و گسترش جنبش کارگری را در نقاط مختلف ایران و بخصوص در مناطق جنگ زده و نواحی صنعتی ایران منویسید میدهد.

خلق کرده‌ها از همان روز اولین بهار پس از قیام بخاطر مبارزه برای خودمختاری و حق تعیین سرنوشت خود مورد حمله و یورش صحت‌افکن‌های رژیم کارگزار گرفت، تاکنون علیرغم تمامی حیل‌ها و حیانت‌ها در صراحتا مدای دشمن، علیرغم شهادت هزاران نفر از زحمتکشان و انقلابیون در کردستان و علیرغم کشتار فوجی مهاجمان ارتزان، کودکان و سیر مردان (ا حال ی روستاهای فارس، خاندانان، اسدراش، صوفیان و ... و با لایحه علیرغم حمایت و سازش حشرب دیکرات و روریونیست‌های فداشی، همچنان با شور و شوق و صف‌ناشنی به مبارزه مسلحانه خود علیه رژیم جمهوری اسلامی و ارتش و پانداگان

سرمایه محکوم‌ها کنون توانستند است، علیرغم تمامی مشکلات، محدودیت‌ها و صعوبت‌ها، ضربات شکننده‌ای بر پیگردشمن وارد آورد.

به همین ترتیب خلق شهرمان ترکمن، مبارزه کسریه و مسلحانه خود را با زمینداران سرکوب و رژیم جمهوری اسلامی در چارچوب شورا-های انقلابی دهقانی تا بهار امسال ادامه داد که مناقشه‌های انت ریزیونیست‌های فداشی و سازش آنها با رژیم، موجب تا اساسی شکست این جنبش و نابودی دستاوردهای عظیم آن را که میتوانست به گسترش آن بویژه در منطقه شمال منجر شود، فراهم آورد. بدون تردید جنبش خلق ترکمن و اصولا جنبش دهقانی در منطقه شمال و سایر مناطق ایران، خواسته‌های اساسی خود را همچنان در پیش رودارد، خواسته‌هایی که هیچگاه رژیم جمهوری اسلامی قادر به پاسخگویی آن نبوده و نیست و این خود زمینه‌های را برای رشد و گسترش این جنبش در آینده فراهم میسازد.

دانشجویان و دانش‌آموزان انقلابی و مبارزه همواره در سرگردانگاه و مدرسه منادی حقوق زحمتکشان و آزادی‌های دیکراتیک بوده‌اند و بهمین خاطر هر روز و هر ساعت مورد ضرب و شتم و سرکوب و کشتار روحی و تنی با سازمان ارتجاع قرار گرفته و با روان‌زدن و شکنجه‌ها شده‌اند هم‌اکنون علیرغم بسته شدن دانشگاه‌ها و حاکمیت جوخفقان و سرکوب در مدارس، همچنان به مبارزه خویش در مدارس، در کوشش و ریا با ن و بر سر تفرقه و سواط فروش نشريات انقلابی، در کارخانه و مزرعه، در زندان و شکنجه‌گاه و در کارخانه‌های اعدا ما ادامه میدهند.

معلمین انقلابی و مبارز، بدون و اهما از اخراج و "پاک‌سازی" و بدون و اهما از زندان و تبعید، در کنار دانش‌آموزان انقلابی و کمونیست به مبارزه خود گسترش و شدت بیشتری بخشیده و هم‌اکنون موج اعتراض معلمین مبارزه و آکساده نسبت به جو پلیسی و خفقان و سرکوب در مدارس اخراج عناصر انقلابی، ضرب و شتم دانش‌آموزان و معلمین و زندانی کردن آنها، در مخالفت با فرهنگ نظام آموزشی مدارس، مناطق مختلف کشور را فرا گرفته است.

جنبش زندانیان سیاسی انقلابی و ارتجاعی اعتمادات غذای اخیر زندانیان سیاسی در تهران و حمایت و پشتیبانی نیروهای انقلابی و اقشار خلقی از آنها آتش دیگری را بر مبارزات دیکراتیک و مدای میریالیستی خلق ما براندازد. میگردد. اظهارات بنی صدر و دیگر لیبرال‌ها در هفته‌های اخیر راجع به زندان و شکنجه و یا صلاح تکرانی آیت‌الله خمینی از "تا بعد" شکنجه در زندانها و تعیس هستنی برای تحقیق در این بنا و وحشت و ستم آن! در عین حال که چیزی جز کوشش برای هربست توده‌ها و منحرف کردن افکار عمومی از جنایات زندانیان، شکنجه‌گران و بنده در صفحه ۲۱

مبارزه علیه جنگ و ابره‌می برای گسترش انقلاب بدل کنیم

جنبش کارگری



اجتماع کارکنان شرکت نفت بمنظور کسب حقوق پایمال شده شان

روزشنبه ۹/۸ کارکنان شرکت نفت در مناطق جنگ زده در شهر، تهران، شیراز و امفهان جهت دریافت حقوقشان اجتماع کردند اما مقامات طی اعلامیه‌ای پرداخت حقوق را به روزهای دیگر موکول کردند لذا در این اجتماعات نمایندگان کارکنان به افشای اعمال ضد مردمی رژیم مبنی بر محدودیت در پرداخت حقوق کارکنان (مثلا به کارگران بیش از ۲ هزار تومان نداده اند) و گذاشتن شرط و شروطی چون دریافت حقوق در مناطق جنگ زده و... پرداختند. قرار شد که روز سه شنبه ۹/۱۱ در اداره مرکزی شرکت نفت گردهم آیند.

در این روز حدود ۶۰۰ نفر از کارکنان در سالن اداره مرکزی شرکت نفت جمع شدند ۹ نفر نماینده کارکنان جنگ زده از شیراز، ۲ نفر نماینده کارکنان جنگ زده از امفهان و ۲ نفر نماینده از ما شهر نیز برای مطرح کردن خواست - های کارکنان آن مناطق در این جلسه شرکت داشتند. در این جلسه نمایندگان مختلف صحبت کردند و ضمن طرح خواسته‌های کارکنان، به افشای برخی از عملکردهای رژیم پرداختند. مثلا یکی از نمایندگان با ارائه سندی نشان بقیه در صفحه ۱۰

چرا بیکاری آتش زبرخا کستر است؟

از پیش بمباران رزمی بر علیه عامل اصلی این بیماری یعنی نظام سرمایه داری، گشاده می شوند، همان گونه که بعد از سالهای ۵۵ و ۵۶ در ایران چنین شد. از آنجائی که در رژیم جمهوری اسلامی بحران اقتصادی کماکان ادامه دارد، مشکل بیکاری نیز بشکل حاد بقوت خود باقیست. عوامل فزاینده - های رژیم جمهوری اسلامی نیز نتوانست و نمی توانند مانع مبارزات صدها هزار نفر کارگری بیکار شود. بعد از قیام مبهمن ماه ۵۹ بلافاصله بمباران رزمی کارگران بیکار را اوج گرفت و تا کنون علیرغم افشای و خیزهای آدامه داشته و در ضمن با سرکوب پاسداران رژیم نیز مواج گشته و میگردد.

مقامات رژیم، عاجز از هرگونه عملی که بتواند ولایت دنگی از شدت بیکاری بکاهد سعی در پنهان کردن مسئله و کوچک نمودن ابعاد داشته و دارند. ولی واقعیت آنست که در ضمن تهدیدی برای موجودیت رژیم نیز بود، آنان را واداشت که ضمن اعتراف به حاد بودن مشکل بیکاری، مذبحخانه در فکر "راه چاره‌ای" باشند. طبق بقیه در صفحه ۱۰

رجائی نخست وزیر جمهوری اسلامی در جلسه روز پنجشنبه ۵۹/۹/۱۳ در کنفرانس استانداران اعتراف میکند که:

"مسئله بیکاری بصورت آتش زبرخا کستر پنهان شده است. بنا بر این باید قیام آتشی بصورت راهیمائی عرض وجود کند و حالتیهای دیگری را پیدا کند، برای حل آنها راه حلهای مناسبی ارائه شود." (۳). برآستی چه عاملی باعث شده که مقامات رژیم اینچنین از وجود مسئله بیکاری بوحشت بپا فتند؟ و این آتشی که آقای رجائی از آن نام میبرد چیست؟ و در صورت خارج شدن آتش زبرخا کستر، چه کسانى را در شعله - های خود خواهد سوزاند؟

بیکاری یکی از عوارض جوامع سرمایه داری است که در شرایط بحران اقتصادی بشکل حادی بروز میکند. البته سرمایه داری همواره از وجود بیکاری برای پائین آوردن دستمزدها و استثمار هر چه بیشتر کارگران و زحمتکشان، حداکثر استفاده را میکنند. ولی زمانیکه بحران حاد میشود بیکاری گسترش میابد و توده ها بیش

کارگران روپزیونیستهای (اکثریتی) را از کارخانه اخراج می کنند

چندی پیش یکی از اعضای شورای کارخانه "خربا" که از هژداران روپزیونیستهای فدائی (اکثریت) بود، بوسیله کارگران از کارخانه اخراج میشود و دیگر ارباب کارخانه را نمیدهند در حالیکه کارفرما با این عمل مخالف بوده و در صدد بازگرداندن ارباب کارخانه است، ولی با مقاومت کارگران و فشاری آنها روی اخراج این "اکثریتی" مواج میگردد!

جریان از این قرار است که کارفرما مدت بکماه حقوق و مزایای کارگران را پرداخت نمیکنند و وعده و وعید و تظا هربه نشناختن پول (!) کارگران را سر میدواند. کارگران که از این عمل کارفرما بخشم آده بودند شورای کارخانه را تحت فشار قرار میدهند تا کارفرما را وادار به بقیه در صفحه ۹

اعتصاب در کارخانه ری - او - واگ قزوین

میشوند مدبرعامل را مجبور کنند به کارخانه بیاید و مابا رزهاشان را برای کسب حقوق حقه خود ادامه میدهند.

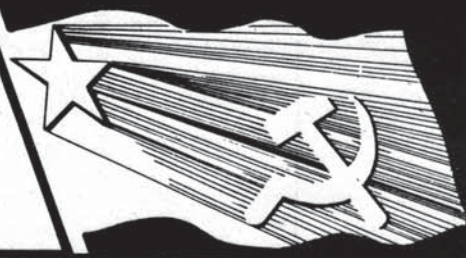
در اعلامیه‌ای که توسط کارگران در کارخانه پخش میشود، خواسته‌های کارگران بصورت زیر عنوان میگردد:

- ۱ - بپا بردن طرح طبقه بندی با نظارت کارگران و منافع کارگران
- ۲ - در حالیکه بپاده کردن طرح چندین روز طول میکشد، باید مبلغی (که مقدار آن با نظر همه تعیین میشود) بعنوان علی الحساب پرداخت کنند
- ۳ - تمهیدکنشی و تعیین یک مدت ۱۵ روزه برای بپاده کردن طرح.
- ۴ - مصممی و افرادی که هیچ مسئولیتی ندارند حق دخالت در کار کارگران را ندارند.

کارگران مبارز کارخانه ری - او - واگ که پس از چند ماهی کوشش برای بپاده کردن طرح طبقه بندی و گفتگو با به نتیجه ای نرسیده بودند، در تاریخ ۵۹/۹/۸ همگی دست از کار کشیدند و با جمع شدن در آنها رخوری خواستار بپاده شدن طرح طبقه بندی شدند. اعتراضات اتحاد کارگران این کارخانه شورای کارفرمایی را به تکاپو انداخت و آنرا مجبور کرد که با مدیرعامل خاش که در تهران است تماس بگیرد. اما مدیر سرمایه داری و جنان بیکار برای اینکه به کارخانه بپاید، میگوید: کارگران با بپاده اعتصاب خودشان را تمام میکنند در حالیکه کارگران مبارز، ری - او - واگ تصمیم میگیرند به زور مابا رزها و اعتصاب مدبرعامل را بیکارخانه بکشند و حقشان را از حلقوم کشیش بیرون بپا و روند. سرانجام کارگران موفق

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

وظایف عملی ما در قبال جنبش کارگری و توده‌های



تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم (۹)

که رژیم برای سرکوب خلق کرد متحمل می‌شود، فرار داد، بدین ترتیب کارگران درمی یابند که به قیمت استثمای بیشتر آنان، رژیم برای سرکوب توده‌ها اسلحه می‌خرد و یا مثلا برای نشان دادن دروغین بودن مبارزه ضد امپریالیستی رژیم، میتوان در کنار اذعان آنها، قرارداد های اقتصادی و یا وابستگیهای موجود اقتصادی را بجا پرساند و یا برای نشان دادن دشمنی رژیم با انقلابیون در کنار رخبرآزادی ساواکها و نوکران امپریالیسم، خریدستگیری با تیسر - باران کمونیستها و انقلابیون تبلیغ نمود.

۴- گستردگی تبلیغ

در قانون اول گفتیم که، تبلیغ با یستی روحیات تسلیم‌ورکودار در توده‌ها در هم کوید و ضم آکا‌های بخشیدن به توده‌ها، روحیات انقلابی را تقویت و هدایت کند. در قانون دوم گفتیم که تبلیغ با یستی به نیا زهای توده‌ها بموقع پاسخ گوید و اعتماد آنان را بسوی خود جلب نماید. در قانون سوم گفتیم که تبلیغ با یستی در پیوند با توده‌های وسیع انجام گیرد. بدین ترتیب مشخص گسترده بودن تبلیغ را از دل همه توانین تبلیغ و بخصوص قانون سوم میتوان بیرون کشید. این مشخصه در مضمون و محتوای تبلیغ، بلکه در طرق انجام آن است. کافی نیست که تبلیغ بر انگیزاننده و بموقع باشد و به درستی تضاد را عریان کرده یک ایده را به توده‌ها مشخص کند، بلکه با یستی حتما بصورتی گسترده انجام گیرد. اگر بهترین و مناسب ترین اوراق تبلیغی تهیه گردد. تا زمانیکه با تیرازی وسیع بمیان توده‌ها نرود و تا آخرین ورق در میسبان توده‌ها پخش نگردد، نمیتوان از پیشبرد مسرتبلیغ سخنی هم بمیان آورد.

بدین ترتیب وظیفه همه کمونیستهاست که تا آنجا شکی می توانند، نشریات تبلیغی کمونیستی را بمیان توده‌های هر چه وسیعتر بپسرنند، کیفیت و صحت مطالب مورد تبلیغ، بگونه قضیه است و پخش و اشاعه گسترده آن، وجه مهم دیگر، دوارگان تبلیغی را در نظر بگیرد که یکی با رعایت تمامي قوا عدم مشخصات تبلیغ انشاری می یابد، منتها با تیرازی مثلا ده هزار رودیگری را که آن پائین تراست منتها با تیراز صد هزار پخش میگردد. طبیعی است علیرغم گاستی - های دومی، تا تیران بر میا رزات طبقاتی بیشتر است. بدین ترتیب اگر وظیفه مرکزی و ارگان مرکزی، انتشار اوراق تبلیغی با بهترین کیفیات ممکن است، وظیفه تمامی اعضا و هواداران سازمان کمونیستی، اشاعه و گسترش روز افزون آن در میان توده‌هاست. با یستی کوشیدنا مرتب تیرا زارگان مرکزی را افزایش داد و اعلامیه‌ها و تراکت‌های بیشتری تکثیر و

بسیار کمتری را در بر میگیرد. روند شناخت توده‌ها از مسرتا‌های یافتن بر روی مسائل و واقعیات مشخص میگذرد و بقول لنین آکا‌های سیاسی و فعالیت انقلابی توده‌ها را با هیچ چیز نمی توان تربیت نمود "مگربوسله همین افشاگریها" (۴) و همین تبلیغ مظاهر مشخصی و واقعیات، توده‌ها با یستی از خلال تبلیغ جدا - کانه ایده‌های مشخص: "گرسنگی فرزندان نشان" "بیگاری ادواری شان"، "ستم پلیس بر توده‌های زحمتکش... شناخت همه جا نیه‌ای نسبت به سرمایه داری بیابند.

توضیح مکرر مظاهر مشخص سرمایه داری، توده‌های وسیعی را بدک همه جا نیه‌ای نسبت به سرمایه داری میرساند، در حالیکه ترویج سرمایه داری، یعنی توضیح یکباره چندین جنبه از آن تنها توده‌های کمتری را در بر میگیرد. تبلیغ مثلا سرمایه داری را با یستی از خلال همان رنجهای مشخص که توده‌ها میبرند نشان داد. چنین است که توده‌ها از معرفت به اشیا - پدیده های خاص، بتدریج پی به ماهیت عام سرمایه داری میبرند و در راه نابودی آن بسیج میگردند. در رابطه با این مشخصه مهم تبلیغ، دو انحراف میتوانند بروز کنند، یکی انحراف رویزیونیستی که در پشت سرها ایده دشمنان واقعی توده‌ها را نشان ندهد، از ایده گرسنگی سخن بگوید، بی آنکه مشخص کند عامل این گرسنگی کیست و دیگر انحراف روشنفکرانه، کلی گویی کردن، مدام از دشمنان توده‌ها سخن گفتن، بی آنکه مظاهر مشخص ستمگریهای آنها به توده‌ها نشان داده شود.

در پایان باید گفت تبلیغ یک ایده از دیدگاه کمونیستی مسادت به عریان ساختن یک تضاد مشخص است. مثلا از گرسنگی مردن با بددر نقطه مقابل سیاست تبلیغاتی رژیم یا ثروتهای محاز ثروتمندان تجار گیرد، یا بیگاری توده‌ها را در مقابل صنایع وابسته قرار دهد و جبری بودن بیگاری، گرسنگی و... را از دل سیستم حاکم بیرون کشیده، با عریان ساختن تضادهای موجود طبقاتی، توده‌ها آگاه سازد. مثلا تبلیغ ایده مشخص لغوسود ویژه با بدیدینگونه یا ندکه کارگران در یابند، این عمل تنها به استثمار بیشتر آنها و قدرت گیری بیشتر سرمایه داران منجر میشود. مثلا اعلامیه قطع سود ویژه از طرف رژیم را در کنار برنامہ تسلیحاتی رژیم و با مخاری

مشخصات تبلیغ (۲)

۳- در تبلیغ تنها، یک ایده بیان می‌گردد

"مروج (بروبا کاندیست)، ایده‌های متعدد را به یک با چند شخص میرساند، اما مبلغ فقط یک یا فقط چند ایده میدهد، ولی در عوض آنها را بتوده‌ای از اشخاص میرساند." (۱)
این مشخصه اساسی تبلیغ که بخوبی سر زان را با ترویج بیان میدارد، ریشه در کسدام قوانین تبلیغ دارد؛ آنچه موجب میشود که تبلیغ و ترویج از یکدیگر متمایز گردند، تاکید بر روی اصل سوم تبلیغ است. اصل سوم تبلیغ حکایت از پیوند با توده‌های وسیع دارد. درست است که با یستی در میان توده‌ها هم تبلیغ انجام بگیرد و هم ترویج و این ایده که ابتدا، با یستی تبلیغ کرد و سپس ترویج، دیدگاه انحرافی است، اما برای نفوذ در میان توده‌های وسیع با یستی به یک مسئله اساسی توجه کرد و آن سیرتوالی حرکت شناخت انسان است همانطور که رفیق مائوس می گوید:

"حرکت شناخت انسان پیوسته از طریق معرفت اشیا و پدیده‌های منفرد خاص بتدریج به معرفت بر اشیا و پدیده‌های عام رسد می یابد. انسان تنها پس از آن که ماهیت ویژه اشیا و پدیده‌های متنوع فراوان را با ز شناخت، می تواند به تعمیم دادن بپردازد و ماهیت مشترک اشیا و پدیده‌ها را با ز شناخت." (۲) بدین ترتیب، هرگاه بخوایم مثلا ماهیت ضد مردمی سرمایه داری را بتوده‌ها نشان دهیم:

"مبلغ... بر حسته ترین مثالی را میگیرد که همه شئون زندگی بخوبی از آن مسبوق باشند، مثلا از گرسنگی مردن خانسواده کارگر بیکار، روز افزون شدن فقر و فاقه و امثال آنرا، و شما مساعی خود را متوجه آن می سازد که با استفاده از این واقعیتی که بر همه و هر کس معلوم است بتوده یک ایده... بدهد." (۳)

با نشان دادن مظاهر مشخص و متعدد سرمایه داری و پس از یک مجموعه تبلیغ بر روی مظاهر مشخص این ستمگری، توده‌های وسیعی ماهیت ضد مردمی سرمایه داری را در پی میابند در حالیکه ترویج همه جا نیه ماهیت سرمایه داری، تسبوه

بقیه در صفحه ۲۲

۱ و ۳ - لنین چه یاد کرد.

۲ - مائوس در رابطه با آنها.

خلق ها و مسئله ملی



درد...!

درد بر پیشمرگان انقلابی کولمه
رفقای شهید کاک "شکرالله کلاه -
قوچی" و کاک "وفاساهی" که به
تاریخ ۱۳۵۹/۸/۱۷ در سرد
جاده سندج شهادت رسیدند .

اخباری از کردستان قهرمان

پیشمرگان انقلابی سازمان پیکار
۱۴مزدور ضد خلق را بهلاکت رساندند

کامیاران ۵۹/۸/۱۴

در این روز در جاده کا میاران بین دو
با یگا "مروا ریدو" مله که وو "در نزدیکی آبادی
"سوانه" یکدسته از پیشمرگان قهرمان سازمان
ما (دسته شهید مسعود) به کمین نیروهای دشمن
که پیوسته توده های زحمتکش کرد و پیشمرگان
انقلابی را مورد سرکوب قرار داده اند، نشستند.
در ساعت ۵/۵ در همان محل، پیشمرگان انقلابی
یک جیب فرماندهی ارتش را با ۵ سرتش
منهدم کردند. در همین اثنا یک لندور را مل ۹
جاش و پاسدار که بدینال حبس ارتشی در حرکت
بود توسط پیشمرگان متوقف شد. مزدوران ضد
خلق که راه فراری نداشتند، بطا هر تسلیم
پیشمرگان شدند، اما آنان که در پی آن برآمدند
تا به مقابله مسلحانه با پیشمرگان بپردازند،
هدف رکیبسی امان با پیشمرگان انقلابی قرار
گرفتند که در آن کلیه سرنشینان لندور
کشته و زخمی شدند. طی این دودرگیری ۱۰ نفر
از مزدوران کشته و بقیه بسختی مجروح شدند.
بعد از این حمله، پیشمرگان قهرمان با خواندن
سرود عقب نشینی کردند و همگی سالم به یگا
خود بازگشتند.

اقدام انقلابی رفقای پیشمرگه میان این
واقعیت است که رژیم می که در جنایت علیه خلق
کرد و روی رژیم شاه مزدور را سفید کرده است، با بدبطرز
انقلابی و قهرآمیز رفتار کرد. عوامل رژیم در
کردستان جنایتکارانی هستند که از کشتن بیمرمرد
تا پیرزن و بچه های بی دفاع نیز با ندارند.
آنان سرکوبگران جنش مقاومت میباشند.

گشت سیاسی پیشمرگان سازمان پیکار

کامیاران ۵۹/۸/۱۳

در این روز پیشمرگان سازمان ما دسته شهید
مسعود در آبا دنیهای اطراف کا میاران (اعظم آباد،

حزب دموکرات کردستان عراق و خیانت آن نسبت به خلق کرد

دموکرات کردستان عراق بر زمینه موجود در میان
توده ها و آما دکی انقلابی آنها با اعلام تشکیل
یک سازمان دفاع مسلح دست به مقاومت مسلحانه
زد و به این ترتیب جنش مقاومت در کردستان
عراق شکل گرفت.

حزب دموکرات کردستان عراق در زمان
تشکیل خود در مجموع منافع بورژوازی کرد را
نمایندگی میکرد، اما از همان ابتدا عناصر
فئودال و روسای عشایر از جمله ملامطقی در
رهبری آن شریک شدند و بلاخره بعد از مدتها
کشمکش در سال ۱۹۶۴ رهبری خود را بر آن تثبیت
نمودند که علت این امر با یستی اساسا در
ضعف اجتماعی - تاریخی بورژوازی کرد جستجو
کرد. جناح عسایری به رهبری ملامطقی با شیب
رهبری خود بر حزب و جنش از همان ابتدا جنش
را بسمت مواضع راستنرا گذشته کشاند و آن را
وارد در مناسبات مشکوک بین المللی ساخت.
امری که ناشی از ماهیت و سیاست نگر منافع طبقاتی
آن بود.

علیرغم ادرا بودن چنین رهبری ای، جنش
بدلیل خواست عمیق توده ها به تغییر وضعیت
خویش و کسب آنچه به آنها وعده داده شده بود ادامه
پیدا نمود و هر چه بیشتر کشتن بافت به ترتیبی
که در او اخر سالهای ۶۰ کنترل بخش اعظم
کردستان عراق در دست نیروهای پیشمرک
قرار داشت و دوره ۱۹۷۰ - ۱۹۷۴ عملا دوران
حکومت با رزانی و اطرافیان او بر این منطقه
بود. البته لازم به تذکرات است که مضمون کشتن
جنش هر قدر به جلوسامشامسوی کشتن نیرو -
های نظامی، قدرت آنها و ایجاد توسط دستگا ه -
های بوروکراتیک توسط رهبری آن میل پیدا
مینمود و از شرکت توده ها در زندگی و سرنوشت
جنش تپ میگشت. بصورتیکه در دوران ۷۴ - ۷۰
با رزانی و اطرافیان دستگا دولتی و سزهای
را برای خود در منطقه بوجود آورده بودند تا حدی
که یک سازمان جاسوسی (امنیتی) بنام "باراستن"
ایجاد کردید. این سازمان و تمام آن دستگا ه
دولتی "درواقع چیزی جز وسیله ای برای سرکوب
بشه در صفحه ۶

در اینجا ما قسمتی از مقاله "مخالفت
با وابستگی یا ضدیت با جنبش مقاومت خلق
کرد" مندرجه در پیکار کردستان "شماره ۲ را
میاوریم. اساس این مقاله در افشای سیاست
- های خائنه سازمان چریکهای فدائشی
(اکثریت) در قبال جنبش خلق کرد، میباشد.
اما بخشی از این مقاله به توضیح خط مشی
حزب دموکرات کردستان عراق و خیانت
عربان آن به خلق کرد اختصاص دارد. ما
درج این بخش از مقاله را در اینجا، از آن
جهت ضروری دیدیم تا زمینه ای با شجهت
شناخت روشتر نسبت به حرکت حزب دموکرات
ایران و اهداف خیانتکارانه ای که رهبری
آن در حال حاضر تعقیب میکند (۱) سازش -
های پنهانی حزب دموکرات ایران با رژیم
مرتجع بعث عراق نه تنها بیان مشی ضد
انقلابی حاکم بر حزب و ما هیت رهبری آن
میباشد، بلکه در عین حال هتداری است به
خلق کرد و تمام نیروهای کمونیستی و
انقلابی فعال در کردستان که در راه رها
شی زحمتکش و خلقهای تحت ستم ایران و از
جمله خلق دلاور کرد مبارزه میکنند:

شروع حرکتیکه در کردستان عراق بصورت
جنش گسترده در او اخر سالهای ۶۰ و اوایل
سالهای ۷۰ در آمد و تحت رهبری خانواده بارزانیها
در سال ۷۵ با انعقاد قرارداد میان رژیم شاه
و حکومت عراق فروریخت و به شکست انجامید، در
تابستان ۱۹۶۱ بود که رژیم عبدالکریم قاسم بر
خلافه وعده و وعیدهای اولیه و حتی قوانینی که
با روی کار آمدن خود او در مورد حقوق خلق کرد
در عراق به تصویب رسیده بودند، بعد از زمینه
چینیهای اولیه، شروع به پایمال نمودن دست -
آوردهای خلق کرد نمود. در مقابل جنبش حرکتی
بکسری نظ هرات و حرکات وسیع از جانب توده -
های مردم کرد علیه رژیم عبدالکریم قاسم شکل
گرفت. جواب رژیم عبدالکریم قاسم کسب ارتش
سوی کردستان عراق بود که با مقاومت پراکنده
مسلحانه روی برگردید، پس از چند ماه حـزب

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



آقای "با هنر" عامل فرخ رویارسا وزیر جدید آموزش و پرورش جمهوری اسلامی

با لاجرم پس از آنکه جناحهای مختلف هیئات حاکمه، مدتها بر سر تعیین چند وزیر با قیما نده کا بنیته رجا شی چانه زدند، آنها هنر "بعنوان وزیر جدید آموزش و پرورش معرفی شد.

بیشتر توده های انقلابی دانش آموز، آقای با هنر را خوب می شناسند. البته آنها اربیب با خبر بودند، وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی باید از تمام هنرها یک هنر را بخوبی داری با خود آن دفاع از آموزش و پرورش ارتجاعی، حفظ سلطه فرهنگ استعماری و توانائی سرکوب مبارزات انقلابی دانش آموزان است. آری توده های آگاه و مبارز دانش آموزی با ما همیت ارتجاعی جناب وزیر پرورشی آسان هستند و می دانند "با هنر" نحوی اش با نموده است تنها "هنری" را که در راست همان یک هنرنا میسرده میباشد.

آقای با هنر یکی از سرمایه داران شرکت "اهداف" است. خوب است بیاد آوریم این همان شرکتی است که تا کنون مردان "لابقی" چون بهشتی و رجائی را تحویل داده است! آری جناب وزیر قبلا امتحان نش را داده و رژیم حافظ سرمایه داری وابسته به امپریالیسم را مطمئن کرده است که فرد قابل اعتمادی جهت اجرای اهداف آنان است.

اما "شاه" کارهای جناب وزیر بسیار بیش از این است. ایشان مدتها دردمود ستگا هاشا هنشاهی در همین وزارت آموزش و پرورش، بعنوان عامل فرخ رویارسا خدمت کرده و تجربیات تازه ای در زمینه فرهنگ و آموزش ارتجاعی کسب کرده است.

دانش آموزانی که چه پیش از قیما ن تمام بهمین ماه و چه بعد از آن علیه آموزش و پرورش ارتجاعی رژیم دیکتاتور کوشیدند کتا بیای آریامهری را به زباله دان تاریخ سپارند، نباید داد زنده در صفحه اول کتابهای تعلیمات دینی رژیم شاه، نام آقای با هنر به عنوان نویسنده نقش بسته بود. کتابهای کتا همین امروز هم در مدارس

تدریس میشود!

البته عوامغریبان مرتجع که شب و روز در بوق و کرنا ی مبارزه "فدا میریالیستی" میدمند بروی مبارک خود نمیا وزند که ایادی مزدور امپریالیسم کتا بی که نما مکوشن تا ن تحمیق دانش آموزان و پرورش آنها. با آموزش و فرهنگ، ارتجاعی بود و کمر همت به سرکوب خواستهای انقلابی آنان بسته بودند، همین جناب وزیر جدید را بهترین مهره جهت تهیه کتا بیهای دور رسن تا ن تبلیغی داده بودند.

آیا انشاهی است که شوشنده موردا اعتماد کتابهای درسی رژیم مزدورنا ه، وزیرنا سبب آموزش و پرورش رژیم جمهوری اسلامی آرتب در میابد! و به عنوان وزیر انقلابی، همچون تحفای سبکش دانش آموزان میشود؟

آیا خود این واعتمیت، آشکارا نشان میدهد که چگونه هر دو رژیم دشمن انقلاب و فرهنگ انقلابی بودند و هستند تا جایی که حتی برخی از مهره هایشان یکی است؟

البته آقای وزیر، لیاقت خود را برای سه عهده گرفتن مقام وزارت از این هم بیشتر نشان داده است. ما فراموش نکرده ایم که پس از یورش جنایتکارانه رژیم به دا نشگاه و کشتار دا نشجویان انقلابی تحت نام "انقلاب فرهنگی" - که امر وز بسیاری در بافته اند چیزی نبوده جز برنا مه حساب شده رژیم جهت سرکوب جنبش انقلابی دانشو شی - یکی از افعای ستاد "انقلاب فرهنگی" همین جناب با هنر بوده و ایشان وظیفه به انجام رساندن "انقلاب فرهنگی" جمهوری اسلامی را به عهده گرفته اند!

از سوی دیگر ما حبه مطبوعاتی و ادیب و تلوویزیونی "با هنر" که بعنوان وزیر جدید ترتیب داده شد، بیش از پیش فاش ساخت که او دینی اجرای چه سیاست فدا انقلابی و کشفی است.

آقای با هنر... از کلیه دانش آموزان نقاضا نموده است که "نظم" را حفظ کنند یعنی آنکه دانش آموزان انقلابی دست از مبارزه حت طلبانه شان بشویند و نظم ارتجاعی جمهوری اسلامی و سلطه فرهنگ استعماری را بپذیرند، که با ید به ایشان گفت شتر در خواب ببیند پنبه دا نه... بهرحال توافق حزب جمهوری اسلامی و بنی صدر با وزارت با هنر، نشان میدهد که او منا سبتترین مهره ای است که کل رژیم قادر بود برای این مقام بیابد. اعمال ارتجاعی با هنر در آینده را بدیگر شهادت خواهد داد که چگونه در اصل سرکوب انقلاب همه جناحیهای هیات حاکمه توافق نظرو "وحدت کلمه" دارند. اما آقای با هنر بعنوان وزیر جدید بسزودی خواهد موقت که اگر تا کنون چه در دستگا ه آریامهری و چه در دستگا ه جمهوری اسلامی نشان داده است که بدیولافی در آموزش ارتجاعی دارد این بار توسط دانش آموزان و معلمین انقلابی است که به او و سیا موزند که کتا درس مبارزه و مقاومت انقلابی را موخته اند!

قسمتی از اعلامیه دانشجویان و دانش آموزان پیکار ۵۹/۹/۱۳

مبارزات دانش آموزان در آستارا

چهارشنبه دانش آموزان مبارز دبیرستانهای خمینی، مطهری، بالقانی، صدبهرنگی، حکیم - نظامی و صدبهرضایی با تعطیل کلاسها به خیابان هاربخنه تا صدای حق طلبانه خود را به گوش مردم برسانند. در این میان مدیران مرتجع بعضی از دبیرستانها درهای دبیرستان را می بندند تا نه خیال خودشان خلوی رخن دانش آموزان مبارز را بکیرند، که دانش آموزان سا بریدن از دیوارهای دبیرستان به خارج میروند دانش آموزان مبارز شروع به یک راهپیمایی اعتراضی بطرف میدان شهر نموده و با دادن شعارها شی نظیر "مردم به ما ملحق شوید" و "در دا درد شماست" از توده ها میخوا ستند که به آنها بیوندند. مردم مبارز که در ۲۵ ماه حکومت جمهوری اسلامی چیزی جز سرکوب، کشتار، گرانی، بیکاری، جنگ و ظلم و استمنا رنیده اند به صفا اعتراضی دانش آموزان مبارز بسوخته و عملا یک تظا هرات اعتراضی عظیم را بر علیه رژیم تا میدان شهر راه میاندازند در این تظا هرات مردم با صدای بلند شعار می دادند که "خون ۷۰ هزار کشته هنوز خشک نشده آزادی را از بسن میبرند" رژیم ارتش و جگبری بیشتر جنش توده ها به بهانه شروع امتحانات تمام می دبیرستانهای آستارا را تا آخر آذر ماه تعطیل نموده است.

قسمتی از اعلامیه هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - آستارا ۵۹/۹/۱۷

زاهدان: پیروزی تحصیل دانش آموزان انقلابی

روزه شنبه ۵۹/۹/۱۱ دانش آموزان کلاس دوم تجربی و دوم ریاضی دبیرستان زحم بخش رحیمی زاهدان بدنبال اعتراضات قبلی خود، به علت عدم صلاحیت آموزشی و اخلاقی دبیر فیزیک بنام "فلمچی" از سرمداران انجمن اسلامی دبیرستان در حیط مدرسه دست به تحمن زدند. سپس یکی از دانش آموزان انقلابی با بحث پیرامون شورا و وظایف نمایندگان دانش آموزان را به تشکیل شورای تحمن دعوت کرد. بدنبال آن دانش آموزان انقلابی شورای تحمن تشکیل دادند. پس از افشاکری و تبلیغات شورای تحمن نسیمی از دانش آموزان دبیرستان نیز به متحمنین پیوستند. بدنبال کسترش تحمن، شورای تحمن خواسته های دانش آموزان را بشرح زرمطرح نمود:

- ۱- برسمت شاخن شورای دانش آموزان بعنوان بالاترین ارکان تصمیم گیری در دبیرستان.
- ۲- اخراج "فلمچی" دبیر فیزیک.
- ۳- تهیه وسایل گرم کننده حرارتی برای کلاسها.

بنیبه در صفحه ۲۷



زینب (حوریه) محسنیان

- اهل مشهد و بهار آزادی و آموزشگاه بهاری این شهر .
- پیوستن به بخش منشعب از س م خ ا
در سال ۵۴
- ادامه مبارزه تا ۲۸ آذرماه ۵۵ که در یک درگیری خیابانی به شهادت رسید .



فاطمه تیفکچی

- دانشجوی زیست شناسی علوم تهران
- رفیق ضیو مجاهدین خلق بود سپس به بخش منشعب از آن پیوست
- ادامه مبارزه تا سال ۵۵ که طی یک درگیری مسلحانه در ۱۵ آذرماه به اسارت افتاد .
- شهادت در زهر شکنجه



احمد صادقی قهاره

- متولد ۱۳۳۰ قم دانشجوی پزشکی
- سماتیزان مجاهدین خلق و فعال در مبارزات صنفی سیاسی (سال ۵۴)
- پذیرش مارکسیسم و پیوستن به بخش منشعب از ۵۵ به بعد
- دستگیری در سال ۵۶
- شهادت در زهر شکنجه (احتلال در اواسط سال ۵۷)

تیرباران يك کمونیست دیگر در خوزستان جنگ زده

گران قهرمان در آغا جاری و آبادان (رفقای شهید محمد اشرفی، منوچهر نیک اندام و شکرالله دانشیار)، شیربایران رفیق شهید علیرضا همایون و هزاران نمونه چنانکه راننده دیگرازریمی سر - میزند که دگلکارانه خود را حاکمی مستضعفین جا میزند

ما با ذرفیق شهید علیرضا همایون و تمام انقلابیونی که خون سرخ خویش را و شقیه رها بی توده ها ساخته اند، گرامی داشته و سوگند می دهیم - کنیم که راه آنان را تا رهایی کامل گران و زحمتکشان ادامه دهیم .

"به نقل از خبرنامه جنگ" کمیته خوزستان "شماره ۸"

در تاریخ سوم آذرماه ۵۹ در اواز به حکمی - دادگاه جمهوری اسلامی، رفیق "علیرضا همایون - پری زاده" دانشجوی دانشگاه اواز و یکی از رفقای انقلابی هوادار سازمان ج ف (اقلیت) به جرم دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان به جوخه اعدام سپرده میشود .

اعدام انقلابیون طرفدار زحمتکشان بسیار دیگر چهره گریه هیئت حاکمه ضد خلقی را آشکارتر میسازد. هیئت حاکمه ضد خلقی علیرغم بیسوی فراوان در باره جنگ ارتجاعی ایران و عراق لحظه ای از سرکوب خلق و شکنجه و کشتار انقلابیون غافل نیست، چرا که آنها را دشمن اصلی منافع ضد خلقی خود میسازد. اعدام و تیرباران پیکار -

مطرح کرده ایم و معتقدیم کسانی که اگر منافع - شان ایجاب کند تقاضای هندسی را هم انکار خواهند کرد تحول مارکسیستی درون سازمان را نخواهند فهمید و آنرا همچنان بنام "پورتونیم چپ نما" خواهند نامید بی آنکه از این کلمه اساسا درک درستی داشته باشند. ما یکبار دیگر و برای همیشه علاقمندان را به نوشته ای که در سال گذشته در پیکار ۳۶ در مورد رفیق تیفکچی آوردیم مراجعه میدهیم

تصحیح و بوزش

در بررگداشت ما لگد قیام خلق آزادیجان (پیکار ۸۴)، سی و پنجمین سالگشت این قیام، به اشتباه "یکربع قرن" آمده است که بدینوسیله تصحیح میگردد.

توضیح

ادامه مقاله رزمندگان و راهکارگران از حرف تا عمل در شماره بعد درج خواهد شد.

در حاشیه سالگرد رفیق شهید فاطمه تیفکچی

یکبار دیگر، سازمان مجاهدین به بهانه سالگرد شهادت رفیق تیفکچی، در شماره ۹۹ مجاهد، به تحریف و اغیبات دست زده و این رفیق را مذهبی و جزو شهدای سازمان مجاهدین بشمار آورده است .

ما متأسفیم که تا کزیرم برای چندمین بار به پاشخوئی و افشای این موضعگیری مجاهدین سپرداریم، رهبری مجاهدین در رابطه با منافع خود محوریت نه اش (که مشخصا ناشی از ما هیست طبقه ای آن است) سیاست "چشم را ببند، دهان را بکشا" را دنبال میکنند و با شما نمخواهیم که در این سازمان را از دسترسی به واقعیتی که در این سازمان گذشته است دوردارد. این سبغ رهبری نیست که نوده ها بفهمند که ما رکیست شدنی اغیباتی سابق سازمان مجاهدین یک پیروسی طبیعی و انقلابی بوده است. برای رهبری این سازمان البته گران میآید که هواداران جوان بفهمند که تحریک ۷۰ درصد از اغیای تدیمی مجاهدین مارکسیست شده اند... ما با رها (هر چند با احتیاط) پیروسی تحول مارکسیستی درون سازمان مجاهدین را با همه جنبه های مثبت و منفی اش

زنده جاوید باد یاد شهیدان خلق

بقیه از صفحه ۳ کارگران ...

پرداخت حقوقشان کنند. لیکن شورا که تحت نفوذ اکثریتی مذکور بود، کاری برای کارگران انجام نمیدهد. فرد مذکور به پیروی از رهنمودهای سازمانش بقول خودش میخواد جلوی "اغتصاب" را در کارخانه بگیرد! و در مورد تولید بیشتر نیز به نوجه سرایش میپردازد. این عمل باعث خشم کارگران نسبت به این خدمتکار کارفرما میشود و لذا تصمیم میگیرند و راهی به کارخانه راه دهند و از روز ۳ آبان ماه جلوی ورودش را به کارخانه بگیرند.

این نمونه با ردیگرما هیت ضدکارگری رویزیونیستهای اکثریت را نشان میدهد اما نکته حائز اهمیت این است که کارگران رویزیونیست به هیت رویزیونیستها پی برده و بدستی جایگاه آنها را در کارخانه سرما به داران تشخیص میدهند. گرچه این فرد در کارخانه بعنوان "جیبی" معروف بود، ولی کارگران که علیرغم عدم شناخت کاملشان از کمونیستها، بنا بر تجربه طبقاتیشان، فرقی بین دوست و دشمن را درک میکنند او را "جیبی" طرفدار کارفرما (بخوان جیبی در حرف و طرفدار کارفرما در عمل، یعنی رویزیونیست) مینامند.

مقامات رژیم پرداخت حقوق قربانیان جنگ را به صدام حواله می کنند!

در تاریخ ۵۹/۹/۸ خانواده یکی از کارگران قربانی جنگ، بنام "حمید سعگریان" که بیست و پنج ساله در محل پتروشیمی آبادان براشتر اما بت ترکش خمپاره مجروح و سپس در بیمارستان شهید شده بود، برای دریافت حقوق مهرماه وی، در ماه شهری به یکی از مسئولین وزارت نفت بنام "جلیل شمیری" که رئیس بسیج وزارت نفت (و در واقع رئیس ساواک این اداره) بود، مراجعه میکنند. اما این مزدور سرما به با بیشرمی تمام برگه قوت کارگر شهید را تقلبی میخواند (!؟) و به خانواده این قربانی جنگ غیر عادلانه میگویی: "بروید آبادان و تا شهیدتان را بیابید". یکی از بستگان کارگر شهید، اعتراض کرده میگویی: اگر من رفتم و کشته شدم تا وقت چه کسی برای من تا شهید میگیری؟ "شمیری مرتجع در مقابل اصرار خانواده قربانی برای دریافت حقوق، با وقاحت تمام آنها را به صدام حواله کرده و میگویی: "بروید از صدام حسین حقوق بگیرید!" آری، رژیم جمهوری اسلامی، اینچنین با بازماندگان قربانیان جنگ برخورد میکنند. جنگی که بوسیله سرما به داران دور زیم راه افتاده از هر دو طرف، کارگران و زحمتکشانی را قربانی میکنند. دولت کارگران زحمتکش را مجبور کرده است که برای جلوگیری از قطع حقوق و اخراجشان، زیر گلوله های عراقی، در



مبارزات کارگران آلومینوم سازی اراک در حمایت از شورا

چندی پیش شورای کارخانه آلومینوم سازی اراک با توطئه "مدر" مدیرعامل سازمان گسترش و توسعه صنعتی اراک درگیر شد. این عناصر ضدکارگر، بیشرمی را با بنابر از حد گذرانده، و چند نفر از اعضای شورا را از کارخانه نیز اخراج کردند و این در حالی بود که دو نفر از اعضای اخراجی شورا، به واسطه خوشبختی و ریهایی که نسبت به این رژیم داشتند، در حربه جنگ بودند.

این توطئه با دستهای کثیف مدیرعامل دولتی جدید کارخانه آلومینوم سازی، منطوری و با کمک و همکاری انجمن اسلامی کارخانه آلومینوم سازی و کارخانه ماشین سازی و دادستان اراک به مرحله اجرا درآمد و آخرین شورای این منطقه اراک حاصل مبارزات شهروندان کارگران در روزهای تجمعی بود. بواسطه طرفداری اش از کارگران، در افتادن مدیرعامل ضدکارگر، تقلبی و انجمن اسلامی کارخانه، بررسی پرونده دزدیهای میلیونی که با همکاری اکثر روسا و اعضای انجمن اسلامی صورت گرفته بود، و بالاخره بعطرت زیر بار اعمال ضدکارگری نرفتن آنها از همپا شان نداشتند.

پس از آنکه کارکنان آلومینوم سازی به حمایت از شورایشان و اعضای آن دست به اعتصاب زدند، رژیم که به وحشت افتاده بود، با استدلال سرما به راه کارخانه فرستاد تا جلوی حرکت کارگران را بگیرد. با استدلال زمانیکه موقوف فشرده کارکنان اعتصابی را دیدند، از ترس اینکه بقول خودشان "وضع خارج از کنترل شود" نتوانستند کاری انجام دهند. مهدی سلطانی سرپرست کمیته (که بعد از قیام انقلابی "شده و در روزهای اعتصاب قبیل از قیام، فرهنگیان، معلمان و دانش آموزان بعد از یکماه اعتصاب او را به زور از سرکلاس درس بیرون کشیدند!)، به نما بندگی بقیه در صفحه ۱۰

ضدیت رژیم با شوراها در پالایشگاه اصفهان

اخیرا بخشنامه ای از طرف هیات رئیسه صنعت نفت توسط مهره سرسپرده آنها "علاقه بند" مسئول پالایشگاه اصفهان منتشر میشود که در آن کارکنان رژیونیست کارگران از ۱۲ ساعت به ۸ ساعت کاهش مییابند. در این بخشنامه قید میشود که اگر کارگران نظریا زنده ای داشته باشند، به آن ترتیب اتراده خواهد شد. در حالیکه این بخشنامه ضدکارگری بدون اطلاع و توافق شورای کارکنان انتشار مییابد. علاقه بند در زمان شاه خاشاک نیز از منافع سرما به داران دفاع میکرد و افراد ژاندارمری را و اردیالاینگا کرده بود و زور سرنیزه گارت شناسایی عده ای از کارکنان میا زور گرفته و از پالایشگاه اخراجشان کرده بود. و همچنین سه تن از کارکنان میا زور را به ساواک معرفی کرد و بدو که مورد شکنجه قرار گرفته بودند، این عنصر مزدور در راس پالایشگاه فرار گرفته و میانی که کارگران از او سوال میکنند که چرا نظرشورا را نبرسیده بودی؟ جواب میدهد که "شورا معنی نمیدهد!"

همچنین زمانی که راجائی نخست وزیر به همراه ظاهری اما جمعه اصفهان برای بررسی چگونگی حادثه آتش سوزی پالایشگاه به آنجا میروند، بجای تماس با کارکنان و شورایشان، با افرادی نظیر "علاقه بند در پشت درهای بسته به مذاکره میپردازند. وقتیکه شورا خواهان مذاکره با راجائی میشود، نخست وزیر میگویی: "من با شورا کاری ندارم و وقت این کار را نیندازم". این موارد بیروشنی نشان میدهد که تمامی سروصدای رژیم در مورد "شوراها" عوام فریبی نیست. و هر دو جناح رژیم (هم جناح بنی صدر که صحبت از "شورای بی شورا" کرد و هم جناح حزب جمهوری اسلامی و راجائی) بر سر مخالفت با قدرت شوراها، متفق القولند.

مناطق جنگ زده میمانند. اما حتی زمانیکه کارگران گوشت دستم سرمایه داران میکردند از پرداخت حقوقشان به خانواده قربانیان خودداری میکنند!

بقیه از صفحه ۳ اجتماع ...

داد که در ماه گذشته تعدادی از روسا ۲۰ هزار تومان برداخت شده و این در حالی است که رژیم به بهانه نداشتن پول و شرایط جنگی از برداخت حقوق کارگران به اشکال مختلف طفره میبرد. "ریخته گر"، رئیس پالایشگاه آبادان که در اجتماع حضور داشت، سعی میکرد که به مسایل مطرحه از جانب نمایندگان، پاسخ گوید و لسی در واقع حرفی برای گفتن نداشت و سرانجام مجبور شد که بگوید که راهی نیست و کاری نمی تواند بکند. پس از او نما سنده کارگران زبیر بوینی صحبت کرد. او ضمن اشاره به اینکه کارگران و کارکنان در کنار هم کار کرده و زحمت کشیده اند خواستار برداخت حقوق کارگران شد و از کارمندان خواست که از خواسته های کارگران حمایت کنند. سخنان وی با استقبال کارکنان مواجه گردید. در پایان قطعنامه ای به اتفاق آرا تصویب گردید و اجتماع بعدیشان را برای اطلاع از نتایج فعالیت نمایندگان روز پنجشنبه ۹/۱۳ اعلام نمودند. متن موافق قطعنامه به شرح زیر است:

- ۱- لغو تصویب نامه هیئت دولت (مندرج در کیهان ۲۴/۸/۵۹) که در آن تعیین تکلیف کارکنان جنگ زده را به آینده موکول مینماید. در صورتیکه کمیته بررسی مشکلات جنگ زدگان هنوز به قطعنامه ۵۹/۸/۱۰ خود را برخلاف تصویب نامه هیئت دولت معتبر می شمارد، باید آنرا رسماً اعلام نماید.
- ۲- کمیسیون بررسی و تجهیز نیروی انسانی باید با همه کارکنان جنگ زده یکسان رفتار نموده و معیار کار ریایی خود را که بر اساس تاریخ ترک آبادان میباید تلفو نماید. همچنین کلیه کارهای این کمیسیون باید تحت نظارت نمایندگان کارکنان باشد.
- ۳- با توجه به دریافت حقوق کامل کارکنان مشاغل در تهران و سایر شهرها، کارکنان جنگ زده که تمام هستی خود را در این جنگ از دست داده اند باید از اولویت بیشتری برخوردار بوده و میزان علی الحساب پرداختی به آنها بیشتر گردد.
- ۴- چون آواره بودن و جنگ زدگی در مورد همه یکسان میباید، لذا مبلغ پرداختی علی الحساب به کلیه کارکنان جنگ زده عملاً یکسان و کارگران زبیر پوشش باید یکسان باشد.
- ۵- کمیته بررسی مشکلات جنگ زدگان باید اقدام فوری و فاعلی در مورد تهیه مسکن و اسکان جنگ زدگان بعمل آورد تا آنها از آوارگی و در بدی نجات یابند. در غیر این صورت باید میلیتی به عنوان کمک هزینه مسکن به کارکنان جنگ زده پرداخت گردد.
- ۶- تأمین خوراک و وسوخت از نیازهای اولیه کارکنان جنگ زده است و باید اقدام فوری در این صورت گیرد.
- ۷- مزمه های که در مورد جدا کردن کارکنان زبیر پوشش از سایر کارکنان، شنیده میشود از نظر ما محکوم است و ما قویاً از آنها حمایت خواهیم کرد.

بقیه از صفحه ۳ چرا ...

اعتراف اقتصاددانان رژیم: "در حال حاضر بطور تقریبی میتوان گفت که در مدیسیکاری در بخش کتا ورزی بین ۱۰ تا ۳۰ درصد، در بخش صنعت بین مفرتا ۱۰ درصد، در بخش خدمات بین ۵ تا ۱۰ درصد و در بخش مزد و حقوق بگیران بخش عمومی در نوسانی بین منهای ۵ تا ۵ درصد، میباشد. با این حساب نرخ بیکاری را میتوان حول ۲۸ درصد تخمین زد، تقریباً رقمی نزدیک به سه میلیون نفر." (کیهان ۱۸ آذر ماه). این ارقام دولتی خود بهترین گواه عمق بحران و گستردگی مشکل بیکاری است. ولی چرا رژیم که همواره سعی در انکار این واقعیت داشت (و فی المثل تا همین چندی پیش رقم بیکاری را را تنها ۵۰۰ هزار نفر قلمداد میکرد)، اکنون بدان اعتراف میکند؟ پاسخ را روشنتر از هر جا در گفته های نخست وزیر میتوان یافت. او معتقد است که: "با بدقیبل از آنکه بصورت را همپایشی عرض وجود کند و حاکماتهای دیگری را پیدا کند برای حل آنها راه حل های مناسبی ارائه شود." "آری، قبیل از آنکه وجگیری چنین بیکاری را در کنار مبارزات سایر توده ها، بساط لرزان رژیم جمهوری اسلامی را فروریزد و قبیل از آنکه اشکال مبارزات توده ها (و از جمله بیکاریان)، تکامل یافته، "حاکماتهای دیگری پیدا کند، رژیم را در آتش خود بسوزاند، باید راه نجاتی یافت! این است گفته نخست وزیر عوام فریب رژیم، ولی آقای رجا شی یک چیز را نمیداند و آن هم این است که: رژیم جمهوری اسلامی بنا به ماهیت خود هرگز چنین راه حل هایی نخواهد یافت! گنبدیگسی سرمایه داری وابسته ایران بقدری است که رژیمهای مترزلی چون رژیم جمهوری اسلامی که در تلاش با زسازی این سیستم اند، هرگز موفق به حفظ آن ورهائی از شعله های انقلاب، نخواهند گردید. افزایش مشکلاتی نظیر بیکاری، گرانگی، بی مسکنی و... بعد از زوری کار آمدن رژیم، خود بهترین گواه زبونی و درماندگی حکومت کنندگان ارتجاعی فعلی در حل مشکلات است. بیکاری و مشکلاتی نظیر آن که از عوارض جوامع سرمایه داری میباید، تنها و تنها درجا معسوسیا لیستی برای همیشه نباشد و نخواهد شد، چرا که تولید درجا معسوسیا لیستی بر اساس برنامه ریزی نیازهای توده های زحمتکش صورت میگیرد و نه برای پرکردن جیب سرمایه داران. گسترش بیکاری در جامعه ما، خود جلوه ای از چشم انداز فلاکت آئنده است که دور جدیدی از مبارزات علیه رژیم را منتهی با ایجاد بسیار وسیع تر نماید.

(۸) - میزان ۱۵ آذر ماه ۱۳۵۹

۸- در مورد کارکنان حراست باید تصمیم عادلانه ای اتخاذ شود و ما از آن دسته از کارکنان حراست که به گفته مسئولین اخراج شده اند حمایت میکنیم. نمایندگان کارکنان جنگ زده

بقیه از صفحه ۹ مبارزات ...

از طرف دادستان با کارگران اعتصابی وارد مذاکره شد. آنها توانستند کارگران اعتصابی را با وعده رسیدگی به درخواستهاشان به سرکار بفرستند. شکل اعتصاب کارگران به این صورت بود که یک شیفت برای اینکه کارخانه نخواهد کار میکردند و شیفت دیگر به اعتراض خود ادا می دادند و اعتصاب را میکردند. این اعتصاب در روزهای دوشنبه ۱۹ و چهارشنبه ۲۱ آبان ماه صورت میگرفت.

دوستان کارگر!

اگر کارگران معترض آلومینوم سازی کاملاً لزوم و وحدت حمایت کردن از نمایندگان دوستان اخراجی را درک کرده بودند، و اگر اعضای شورای کارخانه میبویند دیگری با انتخاب کنندگان خود داشتند، کارگران بسادگی دست از اعتراض برنمی داشتند و تنه به مذاکره نمیدادند چرا که این نوع مذاکرات را فقط برای فریبکاری و شکستن روحیه مبارزاتی کارگران، راه می اندازند. همچنین کارگران نباید اجازه میدادند عناصر شناخته شده فدکا رگرمایانند "سهیلی" در کارهایشان مداخله کنند و میبایست او را از کارخانه بیرون می انداختند. اما هنوز هم دیر نشده، دوستان کارگر ما در آلومینوم سازی باید تا سرکار برگشتن اعضای اخراج شده شورا و دیگر همکاران نشان که بدون هیچ دلیلی اخراج شده اند، مبارزه متحدانه خود را ادامه داده و به مذاکراتی که برای فریب دادن آنها و منحرف کردن مبارزاتشان راه انداخته اند، اعتنائی نکنند. وظیفه ما کارگران سایر کارخانه ها است که با پشتیبانی از دوستان ما در کارخانه آلومینوم سازی، مشترک بودن در راهایمان را به نمایش بگذاریم تا در موقع لزوم آنها نیز از ما حمایت کنند.

(به نقل از "ماشین ساز" شماره ۱۱ نشریه عده - ای از کارگران مبارز ماشین سازی اراک)

اعتصاب در کارخانه کانادایی

روز ۱۰ آذر، کارگران این کارخانه که در جاده قدیم کرج واقع است، دست به اعتصاب می زنند. این اعتصاب منجر به آن میشود که در حدود ۱۰ ماشین ارتشی و پاسدار مسلح، کارخانه را محاصره کنند. پاسداران و ارتشها خواستار برسر کار ربا زگشتن کارگران میشوند، اما با مقاومت کارگران مواجه میگردد. در نتیجه مزدوران رژیم به تیراندازی هوایی دست میزنند که منجر به درگیری بین کارگران و پاسداران میشود.

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

درس‌هایی از جنبش کارگری

تجربیات مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر لهستان علیه سرمایه‌داری دولتی (۲)

در شماره گذشته به بررسی مبارزات کارگران لهستان پرداختیم و نشان دادیم که این مبارزات از یکسوی نشان‌دهنده یکپارچگی و قدرت طبقه کارگر است و از سوی دیگر بیابانگر بحران جهانی سرمایه‌داری و گسست‌های سرمایه‌داری دولتی در کشورهای تحت حاکمیت رویزیونیستها و وابسته به سوسیال امپریالیسم شوروی میباشند. جنبش اعتصابی کارگران لهستان دستاوردهای ویژه‌ای نیز به همراه داشته که تجربیات جنبش جهانی کارگری را غنا بخشیده و اندوخته‌آنها را پر بارتر نمود. بنا بر این سعی میکنیم مهمترین این تجربیات را مورد بررسی قرار دهیم:

ج - تجربیات آموختنی از اعتصابات

۱- اهمیت خواست ایجا دسندی‌کای آزاد: در کشورهای بی‌مانند لهستان که سرمایه‌داری دولتی حاکم است، قدرت طبقه سرمایه‌دار اما از طریق دولت اعمال میشود و بنا بر این تشکلات به ظاهر کارگری ای که سرمایه‌داران بمنظور کنترل مبارزات کارگران بوجود میآورند، در این کشورها دولتی هستند. رژیمهای رویزیونیستی این ممالک برای جلوگیری از انجام حرکات مستقل کارگران اجازه بوجود آمدن تشکلات آزاد کارگری را نمی‌دهد. بنا بر این خواست ایجا دسندی‌کای آزاد که از جانب کارگران لهستان مطرح گردید و نمیتوان عمده‌ترین خواستشان مورد تأکید قرار گرفت، واقع‌خواستی سیاسی و نوعی مبارزه برعلیه سیستم سرمایه‌داری دولتی حاکم بود. بیهوده نیست که آریبا با ن روسی دولت لهستان، صراحتاً با این خواست اساسی کارگران مخالفت کرده و آنرا خطری بر علیه نظام این کشور تلقی نمودند. در صورتیکه آموزگار رکیبر طبقه کارگر، لنین با دولتی کردن سندیکاها، حتی در کشور سوسیالیستی، مخالفت کرده میگوید: "... لیکن سندیکا یک سازمان دولتی نیست، یک دستگاه اجباری و لزماً نیست. هدف آن آموزش، تربیت و تعلیم است." (سندیکاها، اوضاع کنونی و اشتباهات تروتسکی، مجموعه آثار جلد ۲۲)

کارگران لهستان به اهمیت این خواست - نشان واقف بوده و برای دفاع از منافع خود بدرستی روی آن با فشاری کردند. بطوریکه در شرایطی که دولت حاضر شد، در صورت صرف نظر کردن کارگران از این خواست، سایر درخواستهاشان را قبول کند، کارگران جواب دندان

شکنی داده و نما بندگان اعلام میکنند: "ما حاضریم در زمینه اقتصادی عقب نشینی کنیم، حاضریم از ۲۰۰۰ زلوتی اضافه دستمزد نیز صرف نظر کنیم، لیکن در مورد سندیکا های آزاد تن به هیچ سازشی نخواهیم داد." این امر نشانگر قوی بودن جنبه سیاسی اعتصابات و تنفر عمیق کارگران از نظام حاکم بر آنهاست. البته باید متذکر شد که لیبرالها در این سندیکاها نفوذ داشته و کوشیده‌اند با سوء استفاده از خواستها و مبارزات بحق کارگران، جنبش اعتراضی کارگری را در جهت منافع خود سوق دهند.

۲- "اتحادیه همبستگی": تشکلات سراسری کارگران: زمانیکه دولت با خواستهای کارگران



کارخانه‌کشتی سازی لنین، موافقت نکرد، هتیت نما بندگان کارگران سا بر کارخانه‌ها نزدیک کارگران این کارخانه آمده و خواستار ادامه مبارزه تا تحقق خواستهای تمامی کارگران شدند. این درخواست با استقبال کارگران پیروز کارخانه‌کشتی سازی مواجه گردید و آنها جهت حفظ یکپارچگی طبقاتی خود و بمنظور کوبیده‌تر کردن ضرباتشان بر بورژوازی، کمیته‌ها همبستگی ایجا دکرده و با فشاری زیاده‌درونی حفظ همبستگی طبقه کارگر مبارزاتشان را ادامه دادند.

زمانیکه کارگران خواستهای را بر دولت تحمیل کردند و سندیکا های آزاد را پس ریزی نمودند، کمیته‌ها همبستگی مزبور تا حد اتحادیه مستقل کارگران سراسر لهستان، ارتقاء یافت که رهبری مبارزات کارگران از آن به بعد توسط این اتحادیه صورت میگرفت. این شکل صنفی - سیاسی "اتحادیه همبستگی" نام گرفت. لازم به تذکر است که این شکل اگر از یک سوی با خواست کارگران در متحد کردن صفوف خود در مقابل دولت سرمایه‌داری است از سوی دیگر همین این واقعت است که لیبرالها با نفوذ در رهبری این شکل کوشیده‌اند تا راه مبارزات را بر روی دولت حاکم تبدیل نمایند. بپرواضح است که در جریان این امر با بیست موضع دنیرویکی طبقه کارگر و دیگری بورژوازی

لیبرالها را از یکدیگر متمایز ساخته و در عین افشا لیبرالهای ضد انقلابی از مبارزات و خواستهای بحق کارگران دفاع نمود.

۳- مقیاس متحرک دستمزدها: سرمایه‌داری به علت گسست‌های زوال‌ناپذیر شما با بحرانهای متوالی روبروست، که یکی از نتایج آنها افزایش نرخ تورم با افزایش قیمتها و در نتیجه با بین آمدن سطح زندگی توده‌هاست. بنا بر این این طی یک مدت، ارزش پول کم میشود، در صورتی که دستمزدها ثابت میمانند. به همین دلیل در مبارزات کارگران، غالباً درخواست افزایش دستمزد وجود دارد. اما کارگران لهستان با طرح خواسته مقیاس متحرک دستمزدها، افزایش دستمزدها متناسب با افزایش نرخ تورم در نظر گرفته‌اند. یعنی هرگاه قیمتها افزایش یافت، خود بخود دستمزدها نیز افزایش خواهد یافت. این خواسته کارگران از طرفی مبارزات مبارز و اخلاقی آنهاست و از طرف دیگر نشانگر انحطاط سرمایه‌داری دولتی لهستان است که با شما دچار تورم و افزایش قیمتهاست.

۴- بخش زنده مذاکرات شما بندگان، جلوه -

ای از دموکراسی کارگری: رژیم ضد کارگری لهستان بمنظور سرکوب مبارزات کارگران، به هر حربه‌ای متوسل گردید که از آن جمله ما نسورا خبر مبارزاتی کارگران و جلوگیری از پیش آنها در مسانق کثرت کشور سراسر جهان بود. اما کارگران به اهمیت آگاهی و پشتیبانی سایر توده‌ها از مبارزاتشان واقف بودند، بمنظور ارتباط و نزدیکی هر چه بیشتر با توده‌ها، یکی از شروط مذاکره با دولت را برچیدن بسات مسانق قرار دادند و بدرستی روی این شرط با فشاری کردند علاوه بر این نما بندگان کارگران هنگام مذاکره با مقامات دولتی، بمنظور در جریان کامل قرار دادن توده‌های کارگر، با گذاشتن بلندگو در محوطه اجتماع کارگران، آنها را در جریان زنده جزئیات مذاکرات قرار داده و خواستار بخش آن از تلویزیون شدند. آنها بدینوسیله نمونه برجسته‌ای از اعمال دموکراسی کارگری را به نمایش گذارند. این امر تا می‌نهایت کثیف دولت مبنی بر انجام مذاکرات پشت پرده، و کوشش جهت تهدید و تحطیم نما بندگان انقلابی را نقش بر آب نمود.

۵- افشای توطئه‌های رژیم ویلا بوردن آگاهی کارگران: در تمامی طول اعتصابات، کارگران با برگزاری سخنرانی‌ها و میتینگهای آگاهانه، به افشای توطئه‌ها و عملکردهای ضد کارگری دولت میپرداختند. این عمل با

توجه به آنکه در اعتصابات طولانی و همگانی امکان موثر واقع شدن نبرتهای سرمایه‌داران لاقبل برای بخشی از توده‌های کارگر، وجود دارد، حاضر اهمیت فراوان است، چرا که بدینوسیله میتوان تداوم و استحکام مبارزه را تا حدود زیادی تضمین نمود. همچنین اعلام حمایت‌ساز توده‌ها از مبارزات کارگران، که در اجتماعات مذکور صورت می‌گرفت، جهت حفظ روحیه مبارزاتی آنها موثر واقع می‌شد.

کارگران برای خنثی کردن توطئه‌های رژیم برخی شرایط را به دولت تحمیل کردند، از جمله گرفتن تضمینی برای مبنی‌گس از پایان اعتصاب و در مدت اعتصاب مقامات پلیس حق نداشتند معترض هیچ اعتصاب‌کننده‌ای بشوند کارگران بدینوسیله راه اقدامات سرکوبگرانه دولت (دستگیری و اذیت و آزار کارگران) را بعد از خاتمه اعتصاب بسته و دبیرناجیه‌ای حزب رویزیونیست حاکم را وارد نمودند تا کتبا چنین تعهدی را متقبل گردد.

این موارد بسیاری موارد دیگر، بی‌انگیز عظمت جنبش کارگری اخیر در لهستان است که بنوع خود تجریبات ارزنده و پرباری برای کارگران جهان و از جمله ایران، داشته است. اما متأسفانه این حرکت بزرگ کارگری دچار ضعفها و انحرافات بزرگی نیز بوده و میباید که در صورت تداوم، میتواند جنبش را بطور کلی از مسیر منافع کارگران منحرف نماید.

بنابراین اگر بخواهیم به بررسی و درس آموختن از این جنبش کارگری، درست و واقعی باشد، تا کزیریم که ضعفهای آنرا هم مورد بررسی قرار داده و از آنها نیز درس آموزی کنیم.

د- ضعفها و انحرافات ناشی از خودبخودی بودن جنبش و فقدان رهبری کمونیستی

گرچه جنبش کنونی کارگران، ضربات کوبنده‌ای بر پیکر سرمایه‌داری دولتی این کشور وارد آورده است، اما از آنجا شبکه این جنبش خودبخودی و فاقد رهبری انقلابی و واقعی خویش است، بسیاری از آسیب‌پذیر می‌باشد. ضعف جنبش بین‌المللی کمونیستی و غلبه رویزیونیسم بر آن از طرفی، و کاهش کمیت سرکوبگرانه رژیم‌ها کم‌بر لهستان و نیز ضعف و انحرافات نیروهای کمونیستی در لهستان از طرف دیگر، موجب گردید که نیروهای کمونیستی و انقلابی این کشور نتوانند در مناسبت‌ها شتابان شوند و بنا بر این زمانیکه جنبشی به این عظمت رخ می‌دهد، از رهبری واقعی و کمونیستی حویین محروم میگردد. خودبخودی بودن جنبش را مبنی‌گس از یکسود در طرح خواسته‌های کارگران (که با صرفا رفاه‌اندوین جنبه سیاسی آنها به نسبت عظمت جنبش، بسیار پائین است)، مشاهده نمود، از سوی دیگر در عدم وجود تشکیلات سیاسی (حزب طبقه کارگر) نیرومندی که بتواند این جنبش

خودبخودی را سمت‌وسوی مشخصی در جهت سرنگونی رژیم‌ها کم‌بودست گرفتن قدرت توسط طبقه کارگر، بدهد. این بزرگترین ضعف جنبش کارگران لهستان است. علاوه بر این به علت پائین بودن آگاهی عمومی و طبقاتی کارگران باره‌ای درخواستهای بورژوازی در میمان خواسته‌های کارگران بچشم می‌خورد، مانند خواست آزادی مذهب و حمایت از مخالفین لیبرال و تمایل به غرب دولت، که موجب سوءاستفاده امپریالیستهای غربی جهت بهره‌برداری تبلیغاتی به نفع خودشان گردید و مرنج بزرگی چون "باب" را بر آن داشت که در صدد انحراف کشاندن مبارزات کارگران برآید. در این میان دولت مدکارگری لهستان نیز از فرصت استفاده کرده و با توسل به کشتن (و از جمله آوردن یک وزیر کار تولید کرد دولت) سعی در تطهیر خود و "آرام کردن کارگران نمود. همچنین عدم مرزبندی کارگران با لیبرالهای مخالف دولت، بخصوص در طرح خواسته‌هایی چون سندیکا‌های آزاد، موجب مخدوش شدن مرز بین خواست انقلابی کارگران و خواست ضدانقلابی بورژوازی - لیبرالها (که به بیانه "سندیکا‌های آزاد" خواسته‌های ضد سوسیالیستی خود را طرح کردند)، گردید، این کونه سوءاستفاده‌ها که از جانب نیروهای ارتجاعی مخالف دولت صورت می‌گیرد، توسط عناصر سازشکاری چون "لش والسا" که دشمنی در مهار کردن جنبش و جلوگیری از قهرآمیز شدن دارند، تقویت میگردد. اعمالی چون فرستادن پیام‌تبریک (!) برای رینگان که از جانب رهبران سازشکار "اتحادیه همبستگی"، صورت گرفت، در واقع خیانتی بود به جنبش کارگران لهستان که موجب تبلیغات شدید امپریالیست‌های غربی را فراهم نمود تا سوسیالیسم و کمونیسم (یعنی تنها راه نجات طبقه کارگر از استثمار و بندگی) را مورد حمله قرار دهند. از این گذشته اینگونه اعمال توهمات لیبرالی را در میان توده‌های کارگران تقویت کرده و آنها را از مسیر انقلابی مبارزه با زمیندار، در این ضعفها و انحرافات که خطری جدی برای جنبش کارگری لهستان در بردارد، هشداری است

به کمونیستهای راستین این کشور که با بی‌شمار آرزیش به افشای توطئه‌های بورژوازی دولتی، لیبرالها و محافظ ارتجاعی وابسته به غرب امپریالیستهای غربی و سوسیال‌امپریالیسم شوروی، پرداخته و با افشای شعارها و خواهشهای انحرافی، به سیاسی تر نمودن جنبش و تبلیغ تنها راه‌هایی طبقه کارگری یعنی سوسیالیسم بپردازند. کمونیستها و انقلابیون لهستان نمی‌توانند با جمع‌بندی مبارزات اخیر طبقه کارگران این کشور، درس‌هایی بس گرانبها را در اختیار جنبش کارگری جهان قرار داده و حمایت و پشتیبانی کارگران سراسر جهان را جلب نمایند. اهمیت این وظایف با توجه به اینکه ضعف عمده جنبش کارگری اخیر لهستان، ضعف سازماندهی و فقدان رهبری و سیاست انقلابی است، و هر آن خطر کنترل کامل آن توسط بورژوازی وجود دارد، بیشتر و بیشتر میگردد.

وظیفه کمونیستها و کارگران انقلابی سایر کشورهای است که با برآوردن اتحادین اعتصابات و نظرات به پشتیبانی برادران طبقاتی خود در لهستان بشتابند. با بدیخا طرداشت که این جنبش عظیم اگر از رهبری واقعی و انقلابی برخوردار گردد، میتواند سرنگونی رژیم رویزیونیستی حاکم و برقراری حکومت کارگران و زحمتکشان، ادا نماید. در آن صورت روشن است که ضربه‌ای که بر پیکر گندیده امپریالیسم جهانی و بویژه سوسیال‌امپریالیسم شوروی و اقماریش وارد می‌آید، تا چه حد مرکب را کوکوب کننده می‌گردد. به هر صورت این جنبش عظیم کارگری نویدبخش و جگگیری مبارزات طبقه کارگر در سراسر جهان بوده و خیر از زبونی و فساد سرمایه‌داری جهانی میدهد. او جگگیری مبارزه طبقاتی در کلیه کشورهای بخصوص کشورهای تحت سلطه امپریالیسم آثارش را در همه جا: در لهستان، ایران، کشورهای آمریکای لاتین، آفریقا، آسیا و... مشاهده می‌کنیم، چون نسیمی است که خیر از طوفانهای عظیم میدهد، طوفانی که نبرد روی کارگران و خلقهای تحت ستم بر علیه سرمایه‌داری و امپریالیسم را برپا خواهد نمود و وجدنبا آن افسان سرخ سوسیالیسم پدیدار گشته و روشنگر راه زحمتکشان جهان بسوی رهائی از بندگی و استثمار خواهد بود.



گزارشی از اوضاع سیاسی عراق (۱)

آنچه در زیر میخوانید بخش اول از گزارشی است که از طرف حزب کمونیست عراق (رهبری مرکزی) در ژوئیه سال ۱۹۷۷ منتشر شده است ترجمه و آوردن این گزارش در پیکار، تکلیفی است بر مقالات متعددی که درباره عراق، پیش از این، منتشر کرده ایم.

در اینجا با بدخاطر نشان کنیم که ما از مواضع کنونی حزب کمونیست عراق (رهبری مرکزی) و تحولات درونی آن اطلاع جدید و دقیقی بیش از آنچه در شما های ۷۸ تا ۸۰ آورده ایم در دست نداریم، ولی این گزارش نظریک سازمان - ملل راجع به بورژوازی حاکم بر عراق را بر ما عرضه میدارد و جوابی ناگفته را برای ما بازگو میکند. همچنین انتشار این مقاله، الزاما به معنی موافقت ما با کلیه مواضع و اصطلاحات موجود در این مقاله نیست. ضمنا در برابر حزب کمونیست عراق (رهبری مرکزی)، حزب رویزیونیستی عراق بنا هم حزب کمونیست عراق (کمیته مرکزی) نامیده میشود، (پیکار)

پیش پسوی توده های خلق

رژیم فاشیستی عراق بر سر یک چند راهی قرار دارد. سیاستهای جدید قابل اجرای این رژیم در چارچوب یک بحران عمومی که بعد از توافق ۶ مارس ۷۵ با ایران و بدستال سرکوب جنبش رها شدی بخش مسلحانه خلق کرد شروع شده بود، قابل بررسی است. رژیم عراق از زمانیکه قدرت را بدست گرفته تا کنون چندین بحران را از سر گذرانده است ولی این بحران، اساسا با دیگر بحرانهای گذشته تفاوت دارد. منشا این تفاوت را در محتوای بحران جدید باید جستجو نمود، محتوایی که از ماهیت توده های طبقاتی و نسیله ای و عمیق تر و گسترده تر از هر زمان دیگر پایه گرفته در شرایط عربی و بین المللی کنونی ظهور میکند.

مرحله نوین در مبارزه علیه فاشیسم

شاید بتوان دومر حله اساسی را در تاریخ رژیم فاشیستی عراق از زمان کودتای سفید "۱۷ - ژوئیه ۱۹۶۸ شخص نمود. اولین مرحله، خیزش فاشیسم و تحکیم آن میباشد. در حال حاضر ما وارد دومین مرحله می شویم، که ویژگی آن سر آغاز انحطاط و افت فاشیسم میباشد. در بین این دو مرحله، توافق ایران و عراق و بنا بودی جنبش رها شدی بخش مسلحانه خلق کرد در مارس ۱۹۷۵ قرار دارد.

اولین مرحله، با موفقیت رژیم بعثی در تحکیم خود که به انکاء سرکوب نیروهای ملی یکی پس از دیگری بوسیله ما سوره های داخلی و خارجی و بهره گرفتن از نمادهای بین المللی و منخته - ای متحرکه تثبیت قدرت خود بر کشور کشید مشخص میشود. از بین ما سوره ها و نوطه ها شیکه بوسیله رژیم بعثی عراق پس از کسب قدرت، با کمک شرکت های انحصاری امریکائی و انگلیسی بکار گرفته شده میتوان نمونه های زیر را یاد - آوری نمود.

- به اجرا گذاشتن قانون ۸۰ (۱) برای یک مدت نامحدود.

- توافق ۱۱ مارس ۷۰ با رهبران با سونالیست کرد (۲)

- رقابت با ایران جهت تسلط بر خلیج ازرمانی که نیروهای استعماری انگلیس از منطقه خارج شدند. این چیزی است که به رژیم بعثی عراق اجازه داد ادعا کند که با رژیم ایران مخالفت میکند. این سیاست به شکست آنها منجر به رژیم عراق از آن پس در مقابل سلطه ایران بر خلیج سکوت نمود

- نزدیکی با اتحاد شوروی با برقراری مجدد "اتحاد استراتژیک" با آن و شماره داخلی این اتحاد که "جبهه ملی و مترقی (۳) نام گرفت.

- استفاده از بارافتن قیمت نفت در سال ۱۹۷۳ - و بالاخره شروع جنگ در سال ۱۹۷۴ علیه خلق کرد که شکست نظامی رژیم و راهبای جان نوردن - های خیانتکارانه ۶ مارس ۱۹۷۵ با ایران، زیر حمایت امپریالیسم آمریکا، گشاید.

کلیه این عوامل باعث شد که رژیم در اوج خود از یک طرف و سراسیمه خطوط از طرف دیگر قرار گیرد. خله دو طرفه دارد و طرفی که از آن بیالا میرویم و طرفی که از آن پایین میآیم. ویژگی اساسی دوره اول تحریف شعارهای ملی بوسیله رژیم بعثی شد رژیم خود را در زیر پرچم "سوسالسم" و "انقلاب" مبارزه علیه استعمار مخفی نمود تا بتواند نوطه های نابودی نیروها و عناصر میهن پرست را بهتر بنیاید. رژیم فاشیستی از پشتیبانی رویزیونیستهای شوروی و عراقی در جهت کسب اعتبار در سطح ملی و بین المللی برای فریب توده های خلق و کمراه کردن بخشی از آنان برای مدتی، استفاده نمود. در این دوران رژیم از کلیه ابزارهای سرکوب خود برای از بین بردن اراده خلق در راه کسب آزادی و دمکراسی بهره گرفت. رژیم بوسیله برنامه های حساب شده گوش نمود که روحیه تحقیر و تحمق را در مردم ایجاد کرده و شرافت و از خود کدشتکی که

یکی از حلقه های خلق مساندرا رین برید در این دوران و محتوای این از لاریس نیست لغت که با لاریس جنبشها را بدستال داشت. تعبیرات مهم و سربع در آرایش احتمالی عراق رخ داد. این تعبیرات بر اساس کسرتن شهرها در مقابل از بین رفتن دهات و افزایش عمده ی طبقه کارگر، اهمیت روزافزون نقش آن و تعبیر ترکیب طبقه کارگر (تعبیر ترکیب به معنای افزایش برولنا رای صنعتی مساند)، فشرتر شدن کارمندان جز، بالارفتن لحظه ای درآمد بعضی لایه های بورژوازی متوسط، رشد فعلی سریع و بسیار مهم درآمدیک تحرانگلی، فشرتری که مرکب از تعدادی بحاصان شرکت های خدمات عمومی و رهبران فاشیستی دستکاه حزب بعث و دستکاه سرکوب، احاطه گرفتن ما می این عوامل یک کراسی به مصرف وضع شدن لحظه ای روحیه مترقیانه ی ما از طبقه ای و پیکرانی تحمل شده بوسیله رویزیونیسم و فاشیسم را با خود همراه داشت. حزب ما کلیه میهن پرستان و دمکراتها متحد - سور شدند برای سرکوب حراتها از یک طرف و بحاصان موجودیستان با برافراشته نگا هدایتن برجم مبارزه و حفظ رابطه با انشار خلقی که از نظر سیاسی از همه مهمتر بودند از طرف دیگر، به یک عقب نشینی تن در دهد. حزب ما و کلیه دمکراتها از این طریق بغرت خلق و ردا طع او را در مقابل هر نوع در یوزکی و دنساله روی ارز ریزیونیسم را بیان داشتند بدین خاطر حزب ما و جنبش دمکراتیک عراق محصور به فداکاریهای ستمانی گشت.

حکمی که بوسیله رژیم علیه خلق در سال ۱۹۷۴ آغاز شد این واقعیت را آرام - آرام معسر میداد. با وجود اینکه رژیم بعثی عراق سواست آخرین حریف بی رحمت و مسلح خود را در عراق با - بودکند، ولی! این موفقیت را نسبتا از طریق معامله با امپریالیسم و به نفعی اردست دادن حاکمیت ملی و منافع خلق عراقی، حیک آورد. رژیم عراق با کام میهای در این راه کار بردن کلیه برده های شبه مترقیانه که خود را ستان محفسی

بصده در صفحه ۱۴

(۱) قانون ۸۰ قانون ملی کردن نفت است که بوسیله عبدالکریم قاسم به نوبت و تمدنیهای اول آن برداشته شد.

(۲) منظور حزب دمکرات کردستان عراق سه رهبری ملا مصطفی بارزانی است.

(۳) این اصطلاح "جبهه ملی و مترقی" نسبتا رهبری حزب بعث و فشار رکت حزب رویزیونیست عراق، حزب دمکرات کردستان (به رهبری مصطفی بارزانی) بوجود آمد. کردها از سال ۱۹۷۴ از جبهه خارج شدند و رویزیونیستها غیرمفیدار - های که به آنها وارد آمد همه همچنان ظاهرا به ماندن و نوسری خوردن "از بعث مشغولند.

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق

پاسداران سرمایه نورا باد ممسنی را پخاک و خون کشیدند

د ریورث پاسداران وفلا تزهابه تظا هرات ۲۵۰۰ نفره مردم درشتیانی از معلمین ۱ کارگر ۱۰۰ برزگرو ۳ معلم شهید شدند صد ها نفر زخمی شدند

می آوردند: "مرک بریا سدار" و... و مرگ بر رهران جمهوری اسلامی ...

صبح یکشنبه (۹ آذر) مردم ممسنی تشییع جنازه با شکوهی برقرار میکنند. آنها جلوسرد - خانه بیمارستان "هلال احمر" تجمع کرده علیه رژیم و پاسداران چهل و سرما به شعار میدهند و به اقتضای کرمی می پردازند. مردم شعار میدادند "میگشتم، میگشتم آنکه برادرم گشت"، "این سنجنا بی ارتجاع است ... بر در بد بیمارستان شعاری به رنگ سرخ: "جلادان فرزندان ما اعدا ما یاد کردند" خواسته مردم را منعکس میکرد پس از تشییع جنازه، مردم زحمتکش و دانش آموزان انقلابی بده های "تل قلی"، "مالچی" و "ایکان عشایر" محل اقامت کشاورز شهید، کارگر شهید نادعلی احمدی رفته و با شعار مرگ بر سدار و "موسوی و رضوانی اعدا ما یاد کردند" (موسوی رئیس پاسداران) خواهان مجازات مرتکبین اصلی جنایت هولناک میشوند. در محل اقامت دوشهید دیگر بعلت دوری راه، اهالی منطقه خود را با به افشاکرمی می پردازند. برخی از مقامات محلی گوش میمانند که خون شهیدان خلق را و شیقه اختلافات درونی خود بنما بیدولتی سرخورد آگاهانه مردم چینیان اجازهای به آنها نمیدهند. ارتجاع یک لیست ۱۲۰ نفره جهت دستگیری تهیه نموده است. روزنامه "کیهان" (۱۹ - آذر - ۵۹) تحت عنوان "درگیری موافقان و مخالفان رئیس

درا و آخر با نماه در بی انتصاب فردی مرتجع بنام ظاهری (از "حزب جمهوری اسلامی") - سه ریاست آموزش و پرورش و مرتجع دیگری بنام انصاری (که حتی کارمند آموزش و پرورش هم نیست) به معاونت وی، این مرتجعین با انتصاب با برما به اقدامات سرکوبگرانه ای را در مورد معلمین متعهد و مبارز در پیش گرفته و به شدید ترین وجهی دست به تفتیش عقاید، فرستادن جاسوس به مدارس، اخراج معلمین انقلابی می زند که بحق با اعتراض فرهنگیان مبارز و آگاه مواجه میشود.

معلمین مبارز با مراجعه به مسئولین استان و اعزام نما بنده خواستار تعویض رئیس مرتجع و رفع تبعیض از فرهنگیان و... میشوند که چون همیشه با پاسخ منفی مقامات رژیم مواجه میشوند معلمین مبارز تصمیم میگیرند با مرتجع را از اداره آموزش و پرورش بیرون برانند. معلمین مبارز به ظاهری و یانش تا ۵ آذر مهلت میدهند که اداره را ترک نما بیدولتی او سربچی منماید تا اینکه روز چهارشنبه معلمین آنها را اخراج میکنند ولی با دخالت پاسداران، معلمین مبارز را در آرم آموزش و پرورش متحصن میشوند ظاهری حدود ۴۰ نفر از او باش جزبی را بطرفداری از خود به تظا هرات و امیدارد که سریعاً بر اکنده میشوند. شب هنگام پاسداران معلمین را بزروار اداره اخراج کرده و آنها تا صبح جلوی اداره سیر می برند.

روز پنجشنبه دانش آموزان به طرفداری از معلمین شان تظا هرات میکنند. فردای آنروز رضوانی نامی (نما بنده آیت الله خمینی در با دکان نوزه) به نورا باد میاید و عبا مرنا آگاه را علیه معلمین تحریک میکند.

روز شنبه ۸ آذر ۲۵۰۰ نفر از مردم به حمایت از معلمین متعهد و آگاه شهر تظا هرات میکنند و شعارهایی علیه "ظاهری" و "رضوانی" میدهند. ساعت ۱۰/۳۰ صبح هم امروز "رضوانی" مرتجع با جمعیتی در حدود ۱۵۰ نفر همراه با پاسداران مسلح به متابله تظا هرات مردمی شتابند. مردم تهران تا ساعت ۵ بعد از ظهر مقاومت میکنند. پاسداران سرمایه تیراندازی میکنند و کلوله سلسلهای اسرائیلی و آمریکائی مردم را بخون میکشد. ۵ نفر به اسمی برزین امیری (کارگر) منصور عوضی، حمزه قربانی (معلم) به شهادت رسیده و مدها نفر بشدت مجروح میگرددند. مردم فریاد بر-

آموزش و پرورش "بدون اشاره به تیراندازی پاسداران اسم شهید را آورده و اعتراف به زخمی شدن ۱۱۸ نفر مینماید بدولتی عمدا "فراموش میکند. علت این کشتار و کشتار و کشتار "فراموشی" نما بیدولتی است دستگیری ۳۲ نفر "با تظا هرات" "اخلال نظم در آموزش و پرورش" یاد کرده است. مردم خشمگین ممسنی با ادا مه مبارزه به ارتجاع اجاز نخواهند داد که خون شهیدان نشان را لوث نما بید. دستگیری و سرکوب معلمین و جوانان انقلابی نورا باد نخواهد داشت و جنایت عوامل رژیم جمهوری اسلامی را از خاطره ها بزاید. رهبری مبارزات خونین ممسنی، نیروهای کمونیست و از جمله سازمان ما بود.

ادا مه سیاست سرکوب معلمین آگاه و متعهد نخواهد توانست رژیم جمهوری اسلامی را بر روشنائی و آگاهی پیروز نما بید رژیم ارتجاعی حاکم در ادا مه سرکوب فرهنگیان آگاه و مبارزان مذبحا نه دست به اخراج ۵۲ نفر در همدان ۱۳۳۰ نفر در بروجن ۱۵۳۰ نفر در شهرکرد ۲۱۰ نفر در کرمانشاه و... نیز زده است. در تهران هم سه اجتماع معلمین بورش برده و وعده ای از آنان را دستگیر نموده است ولی درخت تنا و آگاه هیی هجنان به رشد خود ادا مه خواهد داد.

خواسته های دانش آموزان و معلمین مبارز ممسنی چیست؟

- ۱- ابارت با رانیه امیرا و دینعلی امیرا و سلسون سورت گسره
- ۲- سهیت ابارت، آموزر و پرورش و امیرا و سلسون و امیرا و سلسون
- ۳- جمع بنادین علاندر امیر ابارت، آموزر و پرورش و امیرا و سلسون
- ۴- جمع بنادین امیرا و سلسون و امیرا امیرا و سلسون بر موده امیرا و سلسون و امیرا امیرا و سلسون
- ۵- تعلیم بنادین امیرا و سلسون و امیرا امیرا و سلسون
- ۶- امیرا و سلسون بر موده امیرا و سلسون

هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ممسنی
۲۰۰۸۸

کارمندان و مستخدمین جز بدتر شد و کارگران جدید به وضعیت طبقاتی خود آگاه شدند و در یک کلام خطوط اصلی مبارزات سیاسی آینده بطور روشن تصویر شدند. شرایط زشدیا بنده ای را که ما ترسیم کردیم، جزئیات سیاسی میهن پرست خلق عراق را به اتخا ذسیاستهای دمکراتیک تنها جمعی هدایت نمود. این اوضاع همچنین باعث شکستن توهم زده زیادی از دمکراتها نسبت به ما هیست اصلی رژیم شده است. توده های خلقی جهت دفاع از حقوق شخصی و آزادیهای دمکراتیک و خواسته های اقتصادی خود شروع به حرکت نمودند. بنا براین ما امروز در حالی که رژیم فاشیست درگیر یک دوره مبارزه درونی شدیست، شاهد گسترش جنبش مبارزاتی توده ها هستیم. کلیه این واقعات وظایف نوینی را بنده حزب ما و کلیه میهن پرستان دمکرات گذارده تا موفق به درک اوضاع نوین گشته و بنویان رهبری جنبش آینده را بدست گیریم. ادا مه دارد.

بجه از صفحه ۱۳ گزارشی ...
میگرد، باعث ایجاد یک وضعیت نوین سیاسی در عراق شد. از حیث و مبل های اقتصادی، و ما هیست انکلی کل طبقه کارم، باعث بریا در فتن ثروت های بیکران در آمدهای جدید نفتی شد، که کسری بودجه بر اهمیت را بوجود آورد. بدنبال این وضع اسفناک، رژیم طرح معروف "برنا مانفجاری" خود را فقط دو سال بعد سوسله یک بودجه صرفه جوئی عوض کرد. سنجکریهای جدید رژیم بطور اجتناب ناپیدر در جهت افزایش بیکاری و زیاد شدن اختلاف طبقاتی، افزایش ناراضیاتی و گسترش رقابت در بین جناحهای هیئت حاکمه برای چپاول ثروتهای کشور که از قبل آغا زده بود، انجام مید. دوران که سیری شبرای روشن شدن ما هیبت اجتماعی واقعی واقعت های جدید در جامعه عراق کافی بود. اختلافات درونی طبقه کارم که بیش از پیش آشکار شد. وضع زندگی

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق



انقلابیون در بند پرچم مبارزه را در زندانهای جمهوری اسلامی برافراشته نگاه داشته اند

دستگیری، شکنجه و اعدام انقلابیون نشانه وحشت رژیم از انقلاب است!

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی جندی پیش
۱۵ تن از هواداران سازمان پیکار در راه آزادی
طبقه کارگر در شیراز را بجرم اقدام به تبلیغات
انقلابی و هواداری از سازمان پیکار دستگیر
کرد و بخیال خام خود میخواست با این عمل خود
جلوی فعالیت ما را سد کند و مانع از کارگاه -
کرانه ما گردد...

با دستگیر شدن ما وحشیانه ترین نحو
رفتا ر میشود. پیش از هر چیز آنها را بشدت ترس
شکل مورد ضرب و شتم قرار میدهند. با زوجی ها
اغلب همراه با کتک و ریکت ترس فحشا است. یکی
از رایجترین شکنجه ها، ترتیب دادن محنه های
اعدام قلابی برای زندانیان است. بدین ترتیب
که چشم زندانی را میبندند و به او میگویند که
محکوم به اعدام شده است. او را به میدان میبرند،
کنار دیوار قرار میدهند و شلیک میکنند. انجام
این محنه سازی که بدتر از هر شکنجه است، برای
بساداران کاری عادی و معمولی شده است. و این
نمونه دیگریست از ما هیت کثیف و ضد خلقی رژیم
جمهوری اسلامی.

مخاکمه دستگیر شدن نیز به هر چیز شبیه
است جز مخاکمه حاکم شرع نه احتیاج به
به تا هدا ردونه به مدرک و دلیلی. از و کسبل
مدافع و شهود نیز خبری نیست. حکم کلا بلا به
دلخواه حاکم شرع است و چه بسا بدون هیچ
دلیل قانع کننده ای، متهم را فقط بخاطر تجارت
انقلابی اش به اعدام محکوم میکنند، که آخرین
نمونه از این نوع اعدام به نغز زرقای ما در
آغا جاری و آبادان است.

با توجه به چنین اوضاعی ما در مورد امنیت
جانی رفقای خود که تنها جرمشان مبارزه در راه
آگاه کردن توده ها است به مردم مبارز شیراز هشدار
میدهم. چنانکه دو هفته پیش یکی از رفقای ما
را فقط بجرم برپا کردن یک چادر برای کمک به
جنگزدگان به ۱۵ سال زندان محکوم کردند.

مردم مبارز شیراز!

تکذاریم زندانهای طولانی و اعدام هواداران
شیروهای انقلابی به امری عادی و روزمره تبدیل شود.
قسمتی از اعلامیه هواداران سازمان پیکار در راه آزادی
طبقه کارگر - شیراز ۵۹/۸/۲۸

رژیم جمهوری اسلامی ایستادگی میکند شکنجه
آنچنان ابعاد وسیعی پیدا کرده که حتی
سردمداران "لشیرال" رژیم برای دست و پا
کردن "وجهه" برای خود و نجات رژیم، زبان به
شکوه "از آن کشوده اند".

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی
زندانیان سترگ دیگری از مبارزان است و
انقلابیون اسیر در برابر بیعدالتی ها، جنایت -
ها و... رژیم ارتجاعی حاکم فریاد خشم بر داده و
مبارزه را با شکل دیگری ادامه میدهند. از جمله،
زندانیان سیاسی زندان اوین برای اعتراض
به شرایط طاقت فرسا و غیر انسانی زندان و
رفتارهای وحشیانه زندانیان که جلادان خود
به آن معترفند، روز سه شنبه ۵۹/۹/۱۱ دست به
اعتصاب غذا زدند. زندانیان سیاسی شیراز که
برای اعتراض به دستگیری، شکنجه، نقیض
عقاید، اعتراض به محاکمات غیر علنی (و از جمله
محاکمه سعادتی) و... اعتصاب غذا کرده بودند.
در روز سوم آذر ما هم پس از این نژده روز اعتصاب غذا
رژیم را مجبور به پذیرفتن برخی از خواسته -
ها بشان نظیر رعایت آئین نام زندان و امکان
استفاده از رادیو و روزنامه نموده و به اعتصاب
غذای خود پایان میدهند.

انقلابیون در بند زندان اوین طی بیانیه
- ای اوضاع جا مع و نیز زندانیان را برای "ملت
قهرمان و مبارز ایران" تشریح کرده و ضمن جلب
بشتریانی توده های زحمتکش و انقلابی خواسته
- های اعتصاب غذایی خود را شرح زیر برسان
کرده اند:

تشکیل بنده مستقل زندانیان سیاسی

- ۱ - ما خواهان جدا شدن عوامل ساواک و
مزدوران رژیم منغور بیلوی میباشیم. زیرا با
یکجا به بند کشیدن زندانیان سیاسی در کنار
آنها میخواهند وجود زندانیان سیاسی را انکار
کنند و موجب شکنجه روحی زندانیان سیاسی شوند
- ۲ - رسیدگی هر چه سریعتر به پرونده های
زندانیان سیاسی و رفع بلاتکلیفی عده کثیری
از آنان و نیز تجدیدنظر در احکام زندانیانی که
بدون حضور در دادگاه به حبس های طویل المدت
محکوم شده اند. میان ما کسانی هستند که ما هم
در انتظار رسیدگی به پرونده شان همچنان
بقیه در صفحه ۱۷

در روزهای اوج جنبش انقلابی توده ها و
آخرین ماههای حکومت نیکین شاه، در هسای
سیاهالهای محمدرضا شاه، بدستان بیرون
توده های انقلابی میهن ما کشوده تدو فرزند
در بند خلق بین از سالها مقاومت و بیداری در
برابر شکنجه گران سفاک ساواک به مقوف توفنده
انقلاب پیوستند. رژیم وابسته به امپریالیسم شاه
با اسیر کردن کمونیست ها و دیگر انقلابیون کمان
میگرد که خواهد توانست تاج و تخت لرزان خود
را حفظ کند. نه کشتار زحمتکشان و نیروهای
انقلابی و نه برکردن زندانیان از مبارزین
قهرمان هیچکدام نتوانست رژیم منغور محمد -
رضا شاه جلاد را نجات دهد. فرزندان انقلابی خلق
سکوت زندانیان را نکستند و آنجا را به "دانشگاه
انقلاب" تبدیل کردند. آزاد شدن زندانیان
سیاسی یکی از دستاوردهای مبارزات خروشان
خلقهای ایران و قیام شکوهمند میهن ما ه بود.
فرزندان انقلابی خلق که با گامهای استوار
سیاهالهای شاه را ترک میکردند، گمان نمی -
کردند که در آینده از همان دالانهای وحشت و
راهروهای خونین گذر نمایند. ولی سوار شدن
بورژوازی متوسط و خرده بورژوازی مرفه سنتی
بر کرده مردم زحمتکش و برقراری رژیم جمهوری
اسلامی بسیار زودتر از آنچه که گمان میرفت
انقلابیون جان برکف میهن را که برخی بهترین
سالهای عمرشان را در سلولها گذرانده و حمله -
های مقاومت آفریده بودند، دوباره به زندانها
کسبل داشت. شما زندانیان سیاسی در مدت
کوتاهی از مدها گذشت و به هزاران رسید.
مزدوران ساواک و مپهره های امپریالیسم رژیم
شاه از زندانیان آزاد شدند و جای آنها را کمونیست
- ها و انقلابیون دموکرات بر کرد و "عدل اسلامی"
شکنجه گران جدیدی را به زندانیان برگرداند و
شکنجه و آزار زندانیان سیاسی به شدت ترس
وجهی در زندانیان رایج شد. "محاکمات چند
ساعته و حتی چند دقیقه ای انقلابیون را بدون
استفاده از حداقل امکانات دفاعی و حتی آنچه
که در "قانون اساسی" ارتجاعی خبرگان آمده
به جوخه های اعدام سپرد.

کمونیستها در زندانیان جمهوری اسلامی
نیز حمله ها آفریدند و نشان دادند که پیگیرترین
و سازشناپذیرترین انقلابیون هستند. موذن -
ها، علوی شونتری ها، شهرها، با مرسلیمی ها
نا هیدها، منوچهر اشرفی ها و... در مقابل "حکام
شرع" و شکنجه گران "اسلامی" در محلهای مقاومت
و استواری، کمونیست ها را دوباره به آزمون
گذاشتند و مرگ سرخ را در راه های زحمتکشان
عاشقا نه پذیرا گشتند.
و امروز چندین هزار زندانی سیاسی در بند -
ترین شرایط بدون ملاقات زیر شکنجه و بی بهره
از کوچکترین امکانات رفاهی، ما هم بلاتکلیف
در زندان بسر برده و در برابر توطئه ها و دسیسه های

درد بر زندانیان انقلابی و مبارزی که در شکنجه گاههای رژیم پرچم مقاومت را همچنان
برافراشته نگاه داشته اند



رفیق م- کوراغلو از تهران

این رفیق سوالات بسیار متعددی را در رابطه با ساخت جامعه بورژوازی متوسط غیر وابسته مقاله استیمال ایدئولوژیک و نحوه برخورد به گروهها را مطرح کرده است. ما میکوشیم محوری ترین سوالات مربوطه را پاسخ دهیم.

۱- در مورد مقالات استیمال ایدئولوژیک رفیق ضمن قدردانی از مطالب مندرجه، پرسیده است چرا برخی مواضع مطرحه ما را نندمرزبندی با بتلها می‌آلبانی در مورد سوسال امپریالیسم و مسائلی نظیر آن توضیح اقلیتی داده نشده و تنها به ذکر موضع اکتفا شده است؟

۲- چرا به رفقای وحدت انقلابی و سازمان چریکهای فدایی خلق (اقلیت) برخورد نمی‌شود؟

۳- نظرا زمان در مورد ساخت جامعه و بورژوازی متوسط غیر وابسته... چیست؟

۴- برنامه ما برای وحدت چیست؟

رفیق بسیاری از سوالاتی که مطرح کرده بودی در پیکار رتئوریک و نوشته‌های توضیحی پاسخ آن را خواهی یافت. اینست که از پاسخ گویی به تک سوالات تو خودداری میکنیم. و اما در مورد مقاله استیمال ایدئولوژیک: با دیدگوشیم برخورد ما نسبت به این مسئله در رابطه با رزمندگان از ضرورت‌های مبارزه طبقاتی نشأت میگرفت. رفقای رزمندگان بسی آنکه دره‌ای تحلیل از مسئله سوسال امپریا- لیسیم ارائه داده باشند، بصورت "آرام" و "تدریجی" انحرافات رویزیونیستی خویش را در برابر این مسئله تعمیق نمودند. سازمان ما و سایر نیروهای جنبش کمونیستی قبل از آنکه به ارائه تحلیل جامع از وضعیت سوسال امپریالیسم شوری در سطح جنبش مبارز د بیدرستی درک نمودند که اشکال اصلی رفقای رزمندگان ضعف معرفتی نیست که انتشار مقالاتی در مورد سوسال امپریالیسم بتواند اشکال آنها را حل نماید، بلکه اشکال رفقا، انحرافی ایدئولوژیک است. بهمین دلیل سازمان انگشت بر روی آن انحرافات گذاشته، آنها را افشا نمود. رفقای رزمندگان نیز بجای برخورد ایدئولوژیک کوشیدند با یک ضدحمله موهوم، انحراف خویش را لاپوشانی کنند. در این شرایط سازمان چسبه میبایست بکند. آیا با بستی ابتدائاً نظارمی - کشیدتا نوشتجات مربوط به سوسال امپریالیسم بتدریج منتشر میشود سپس به برخورد با رزمندگان میپرداخت؟ یا آنکه میبایست با زیبا تا کسد

بر انحراف رزمندگان، برخی ابهامات رازدوده و سرنوشت راهی را که رزمندگان در پیش گرفته است، توضیح میداد؟ بنظر ما، اگر ما میخواستیم شیوه اول را در پیش گیریم، به انحرافی آکادمیستی در میغلطیدیم و نمی توانستیم بر بزنکه هیچ انحرافات اپورتونیستی را گرفته و تاثیر لازم را در دفع هجوم رویزیونیستی رزمندگان و تشدید حمله مارکسیسم بر علیه رویزیونیسم در دفاع از دستاوردها بش را بکار بسته باشیم.

از این رودر قسمت طرح نظرات اشیا تسی آنچه که لازم بود تا جنبش کمونیستی از مواضع سازمان مطلع شود، بصورت مختصر توضیح دادیم و عمدتاً با زیب افشای انحرافات رزمندگان و پاسخ به سوالات آن پرداختیم.

تا شیراتی که انتشار این مقاله در جنبش کمونیستی بجای گذارد، خودگواهی بر صحت شیوه برخورد صولی با انحرافات رزمندگان بود. اما اشتباه خواهد بود اگر ضمن مرزبندی با برخورد آکادمیستی به برخورد محدود و علام موضع دل خوش نما شیم. از اینرو ما ضمن آنکه توضیح و تشریح مواضع مندرج در آن نوشته را صولی نمیدانستیم، اما قصد نداریم که برخورد ما را به این مسئله محدود نگاه داریم. بنظر ما اکنون سرآغاز دوران تازه‌ای از مبارزه بر سرست سوسال امپریالیسم و مرزبندی با درکهای انحرافی نسبت به آن است. ما نیز به سهم خویش کوشیده ایم تا در غنا بخشیدن به این مبارزه سهم با شیم. از اینرو تشریح کلیه مواضع را نسبت به سوسال امپریالیسم در پیکار رتئوریک بصورت متداول و منتشر میکنیم و کلیه رفقا را برای رفع ابهامات و سوالاتشان به پیکار رتئوریک ارجاع میدهیم.

۲- در مورد اینکه چرا به "وحدت انقلابی" و رفقای فدائی (اقلیت) برخورد نکرده ایم، ذکر چند نکته را لازم میدانیم:

اولاً قسمت عمده انتقاد شما وارد است و سازمان ضمن برخورد با این کم کاری در صدد گسترش مبارزه ایدئولوژیک با رفقای "وحدت" و "اقلیت" است. چه در این شرایط هر نوع کم بهائی به امر مبارزه ایدئولوژیک بویژه با کمونیستهای انقلابی می تواند خطرات زیان- باری را ببار آورد و دستکم مروجت جنبش کمونیستی را به تاخیر اندازد.

ثانیاً ما مبارزه ایدئولوژیک با نیروها، لاجرم نمی بایستی در هر موردی نیروی شخصی را خطاب قرار دهد. زمانیکه ما فی المثل بر سر مسئله سوسال امپریالیسم به مبارزه ایدئولوژیک با رزمندگان میپردازیم و یا در مورد جنگ به مبارزه ایدئولوژیک دست میزنیم، بی شک این مبارزه محدود به این یا آن نیرو نبوده و در حقیقت کلیه انحرافات به مشا به آنرا نیز مورد نقد قرار میدهد.

ثالثاً ما در مورد مسئله جنگ به رفقای وحدت انقلابی و "اقلیت" نیز در پیکار رتئوریک برخورد کرده ایم، اگرچه معتقدیم آن برخورد نا کافی

است و باید ما مبارزه ایدئولوژیک با این رفقا را چه در این زمینه وجه درسا بر عرصه ها تعمیق بخشید ۳- در مورد ساخت جامعه و مقوله بورژوازی متوسط غیر وابسته، سازمان معتقد است که ساخت جامعه ایران سرما به داری بوده و تنها با سوسی آتراکا روسما به تشکیل میدهد و در مورد مقوله بورژوازی متوسط غیر وابسته، معتقد است که طرح چنین مقوله‌ای انحرافی بوده و ناشی از شواثب فکری رتئوری رویزیونیستی "نظام وابسته" است. سازمان بزودی نقدی برای این مقولات منتشر خواهد کرد و دیدگاهها پیش را در مورد ساخت جامعه و آرایش طبقات توضیح میدهد.

۴- در مورد برنامه برای وحدت، ما بطور خلاصه در مقدمه اطلاعیه وحدت در پیکار ۲۳ توضیح داده ایم که ماموخرهای اساسی مبارزه ایدئولوژیک را تعیین نموده و برای تامین وحدت حول اصول ایدئولوژیک، منشی و برنامه میکوشیم در قطعنامه کنگره مربوط به جنبش کمونیستی و وحدت در کمان را از صف نیروهای جنبش کمونیستی و راه حل تامین وحدت توضیح داده ایم که بزودی در اختیار رفقا قرار خواهد گرفت.

نوشته‌ای را که در زیر میخوانید: رفقای سازمان دانشجویان و دانش آموزان بیکار برای ما فرستاده اند، ما ضمن درج آن سعی میکنیم پاسخی مختصر به آن بدهیم.

عده‌ای از رفقای دانش آموز، کتابها و نشریات را به خانه یکی دیگر از دانش آموزان میبرند که بدلیل زیاد بودن آنها و کمبود رفیق مذکور مجبور میشوند آنها را به زیر فرش اتاق خود بچینند. روز جمعه پدرش بدنبال ما مولک به اتاق میاید و فرارش را با لای میزند و تمام نشریات و کتب را میبندد و منتظر میشود تا دخترش از کوه برگردد. در این فاصله تمام افراد ما میل را جمع کرده و این موضوع را افشای میکند. رفیق ساعت ۹ به خانه میرسد که با آن منظره روبرو میشود. با خونسردی و گویی که اتفاقی نیافتاده است به اتاق خود میرود و پدرش نیز بدنبال او رفته با کتک او را از اتاق بیرون میکشد و شروع به فحاشی به دختر و سازمان می نماید. البته این مسئله زمینه قبلی هم داشته و چند بار رتکار شده بود. رفیق شروع به فریاد کشیدن میکند و میگویی که شما زندانها تا من هستم من افتخار میکنم که کمونیست هستم شما تمام تا من خاشتن هستم و غیره که پدرش در مقابل این حرکت او موهایش را قیچی میکند سپس کتابها و نشریات را در گودالی ریخته و آتش میزند دخترش را هم در حمام زندانی کرده منبع آب را هم قطع میکند این رفیق دوروز در حمام سرد میخوانده و هر چه سخن از بزرگان میدانسته و شعرا را با صدای بلند بر زبان می رانده، بالاخره پدرش مجبور میشود و او را از حمام خارج کند، البته پدرش عقب می شیند او را به روستایی که در آنجا گویا

وضع زحمتکشان در جنگهای انقلابی و عادلانه

چیز دیگری لازم نیست، چنین دولتی حتی یک لحظه و در یک قدم هم از تعقیب هدف ارتجاعی خود دست بردار نیست، بدین معنی که می - گوید: سرما به دارای را تحکیم، نما به از دست بنیان ما ختنش جلوگیری کند و در امر "تنظیم امور اقتصاد" بطور عمده و تنظیم صرف بطور خاص فقط به اقداماتی اکتفا ورزد که برای تغذیه مردم ضرورت مطلق دارد. بدون اینکه هیچ وجه در فکر تنظیم واقعی صرف باشد یعنی توانگران را تحت کنترل قرار دهد، و بدوش آنها که در زمان صلح دارای موقعیت بهتر و امتیازات گوناگون و شکم سیر و مراء سربودند در زمان جنگ با رنگین تری رانحلیل نماید. (خطر فلاکت و راه مبارزه با آن)

ببینید این سخنان گرانمایه لنین چگونه در مورد سیاست دولت مرتجعی مثل جمهوری اسلامی ایران در مقابل عوارض جنگ صدق میکند: رژیم جمهوری اسلامی صرف مواد غذایی و ارزاق عمومی را جیره بندی کرده است، اما مصرف توانگران و احتکار مواد غذایی توسط آنها را نه تنها کنترل نمیکند، بلکه دست آنها را در احتکار هر چه بیشتر بازمیگذازد و تازه کارگران و زحمتکشان را به "تولید بیشتر" و "مصرف کمتر" نیز دعوت میکند.

در جنگهای عادلانه رهبران انقلابی جنگ، اخبار و دروغ پخش نمیکند و اوضاع خودی و دشمن را به اطلاع زحمتکشان میرسانند تا آنها را در

اگر ما در خیابانها و کوچه ها به اطراف خود نگاه کنیم، صفهای طولی نان، بنزین، سیگار، برنج، روغن و دهها نوع دیگر از مواد مصرفی را خواهیم دید. این صفها را کارگران و زحمتکشان تشکیل میدهند، نه سرما به داران، سرما به داران همانند کارگران، برای یافتن قوت لایموت یک روزه، آنهم به قیمتی "سرما آور" ساغها در مغازه ها و بازارها سرگردان نمیشوند. آنها بویژه بعد از جنگ مواد غذایی را در خانه های خود احتکار کرده اند. شبها گرسنه نمی خوابند، از کمبود مواد غذایی و بیماریهای مختلف رنج نمیبرند سرما به داران در جیبها کشته نمیشوند، آنها همانند زحمتکشان به آوارگی توأم با فشار و گرسنگی و بیماری و مدها مصیبت دیگر محکوم نیستند. این مشکلات کشته نمانی از جنگ ارتجاعی ایران و عراق بوده و مانند هر جنگ ارتجاعی دیگر تنها زحمتکشان و فرزندان آنها را به فلاکت نشانده و بیشتر هم خواهد نشانند.

اما ببینیم در جنگهای انقلابی و عادلانه وضع کارگران و زحمتکشان چگونه است؟ در جنگهای عادلانه و انقلابی - که ما در شماره ۸۱ پیکار انواع آن را بر شمرده ایم - کارگران و زحمتکشان، با اطلاع از مسیر پیرسگلاخ و سختی این جنگها، با جان و دل در آنها شرکت میکنند. در این جنگها طبقه کارگر و نیروهای انقلابی، با یکاگر گرفتن ابتکارات و قدرتهای خلافت زحمتکشان، با هرگونه عارضه فلاکت با جنگ مقابله میکنند.

در این جنگها ارزاق عمومی و ما به محتاج زندگی، به تساوی و زیر کنترل زحمتکشان از طریق شوراها بدست مردم میرسد. مصرف توانگران توسط نهیستان کنترل میشود و همانند جنگهای ارتجاعی، گرسنگی برای کارگران و زحمتکشان و نان و رفا برای سرما به داران نیست. جیره بندی که در زمان جنگ معمولاً دولتهای سرما به داری از جمله دولت جمهوری اسلامی، برای جبران کمبود و افزایش هزینه های مصروف جنگ بر زحمتکشان تحمیل میکنند، در جنگهای انقلابی مفهوم دیگری داشته و برای تقسیم عادلانه ارزاق بین زحمتکشان و جلوگیری از اسراف تنظیم میشود. لنین آموگزار کبیر زحمتکشان در مورد سیاستهای دولتهای سرما به داران، در جنگهای ارتجاعی در مقابل فلاکت ناشی از جنگ و تنظیم مصرف عمومی میگوید:

"برای دولت مرتجع سرما به داری که میترسد ارکان سرما به داری، ارکان بردگسی مزدوری، ارکان سیاست اقتصادی توانگران را متزلزل سازد، میترسد سطح ابتکار کارگران و بطور کلی زحمتکشان را ارتقاء دهد، میترسد آتش توقعات آنها را "برافروزد" برای چنین دولتی جیره بندی نشان (بخوان جیره بندی مواد غذایی - پیکار)

جریان موقعیت جنگ و وضعیت نیروها قرار گیرند. در این جنگها، خدمات عمومی و رفاهی تا حد امکان، کمترین ادا نمیدارد. مراکز درمانی و بهداشتی نه تنها برای رسیدگی میکنند، و احدهای تولیدی برای جلوگیری از نابودی اقتصاد و در جهت تامین نیازمندیهای عمومی کارگران و زحمتکشان بکار خود ادامه میدهند. در این جنگها یک دولت انقلابی بوده های زحمتکش را مسلح میکند و کارگران و زحمتکشان با تمام وجود در چنین جنگهای شرکت میکنند. تا میهن خود را از چنگال سرما به داران و امپریالیستها نجات بخشند.

در جنگهای انقلابی داخلی، کارگران و زحمتکشان در شوراها، مسلح، متشکل شده و کلیه امور مربوط به جنگ و جلوگیری از خطر قحطی و گرسنگی و فلاکت ناشی از جنگ را کنترل و حمل و نقل می نمایند. ارزاق عمومی از طریق معادله انبساطی زحمتکشان، تجار و کارخانه داران و معادله انقلابی ثروتهای سرما به داران - خون - آتام، توسط شوراها، مسلح کارگران و زحمتکشان تهیه میشود. مواد غذایی و ما به محتاج عمومی زیر نظر شوراها و کاملاً عادلانه بین مردم تقسیم می - گردند. در این جنگها کارگران و دیگر مواد مورد نیاز جهت برای همه بوده و گرسنگی، تمامی مردم با بد در تحمل سختیها و مشقات سهیم باشند.

در جنگهای عادلانه و انقلابی زحمتکشان فلاکت و گرسنگی را تحمل میکنند زیرا این جنگها آزادی و آزادی طبقات ستم دیده از قید ستم ملی - طبقاتی را دنبال دارند. کارگران و زحمتکشان در این جنگها قهرمانان شهید میشوند تا فرزندان آنها برای همیشه از قید ستم و استعمار رهایی پیدا کنند. رهائی از بردگی و استعمار، گرانبها ترین ارمان جنگهای عادلانه و انقلابی است، ارمانی که به تمام ممالک و نواحی از جنگ از قبیل مرگ و میر، قحطی و گرسنگی و گران، بیماری و ویرانی... پایان می بخشد.

بقیه از صفحه ۱۵ انقلابیون ...
بلا تکلیف در زندان بسر میبرند و این در حالی است که بخاطر عوارض سرسپرده رژیم سابق در مدت کوتاهی به کارشان رسیدگی شده و آزاد میشوند.
۳ - رعایت حقوق زندانیان سیاسی زن تضییقاتی که در مورد زندانیان سیاسی زن اعمال میشود بمراتب شدیدتر از اعمال فشارهایی است که به زندانیان سیاسی مرد روا داشته اند اخیراً تعدادی از آنان را به علت اعتراض بوضع موجود، بعد از ضرب و شتم و آزارت به زندان قصر تبعید کرده اند. ما خواهان بازگشت فوری آنان و رفع هرگونه رفتار غیر انسانی با زندانیان میباشیم.
۴ - آزادی ورود کتاب و روزنامه - رولون زندان و استرداد کلیه کتابها و روزنامه های که توسط مسئولین زندان توقیف شده است.

نه تنها کتاها بلکه اخبار تعداد زیادی از کتاها باطریق بورشی که به بندها آورده اند توقیف گردیده است.
سازمان ما با اعلام پشتیبانی از خواسته های زندانیان سیاسی شکنجه گاه "اوین"، وظیفه خود و کلیه نیروهای کمونیست و دموکراتهای انقلابی میدانند که با پیروا کار فرمای درستی زندانیان سیاسی در بین توده های زحمتکش، آنها را به جانیات رژیم جمهوری اسلامی در زندان - ها و اوقاف سازند و با افشای سیاستهای ارتجاعی رژیم در مورد نیروهای انقلابی و سازماندهی مبارزات توده هاد پشتیبانی از انقلابیون زندانی، توسطه های رژیم را شکست مواجه سازند.

۵۹/۹/۱۹
★ ★ ★
جنبان اعتراضی بر علیه گرانی، کمیابی و فلاکت زحمتکشان را سازمان دهیم



**امپریالیسم امریکابه
حمایت خود از اسرائیل،
مصر و اردن ادامه میدهد**

اخیرا سانی امریکا مبلغ ۴ میلیارد و ۹۸۰ میلیون دلار جهت حمایت از رژیمهای مرتجع و وابسته به امپریالیسم امریکایی به تصویب رساند. از این مبلغ ۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار به اسرائیل و ۱ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار به مصر اختصاص دارد. کمک به اسرائیل جنایتکار در تداوم سیاستی است که میکوشد همچنان اسرائیل را بعنوان چماق سرکوب امریکا در منطقه نگاه دارد. آنچه مربوط به رژیم مزدور سادات میباشد با یادگفت که امپریالیسم امریکا در ۱۹۷۹ - ۱۹۷۹ بمیزان ۳/۵ میلیارد دلار به مصر کمک کرده و اما اخیرا قسمتی از کمک ۵ میلیارد دلاری می باشد که رژیم سادات از امریکا تقاضا نموده است. بعد از سرنگونی رژیم مزدور شاه امپریالیسم امریکا بیش از پیش کوشید تا مضر را به پایسکاه بزرگی جهت بسط تجار و خود در منطقه تدار دهد. در واقع این کمک هیچ هدف دیگری جز تحکیم موقعیت امپریالیسم امریکا در منطقه و تقویت رژیمهای ارتجاعی در تقابل جنبش توده ها و بویژه جنبش مقاومت فلسطین ندارد.

امپریالیسم امریکا رژیم مزدور ملک حسین را نیز از یاد نبردیده است. اخیرا نخستین محموله از پنج محموله بزرگ تجهیزات نظامی حاذق و لوازم دیدکی و مهمات توسط چهار هواپیمای جت "سی ۱۴۱" از پایگاه هوایی "ویتمن" میسوری امریکا به اردن رسید. درگیری احتمالی اخیر بین سوریه و اردن بهانه ای شد تا جنایتکاران واشنگتن، رژیم ملک حسین را مسلح تر نموده و در مقابل انقلاب فلسطین امکانات سرکوبگرانه بیشتری فراهم سازد. لازم به یاد آوری است که چندی پیش امریکا و امی بمبلغ ۵۵ میلیون دلار نیز به رژیم اردن پرداخت نمود. این اقدامات در کنترسایر حرکات امپریالیسم امریکا اگر از یک سو بیگانگراقت با شوروی است از سوی دیگر ناشی از وحشت امپریالیسم بانکی از فرادای جنبش خلقهای منطقه است.

محاكمه ماوكسيسيم در چین

رفیق ماژور از یاسی از اوضاع چیسن میگفت:

"نما بندگان بورژوازی که در درون حزب، دولت، ارتش و بخشهای مختلف عرصه فرهنگی نفوذ کرده اند، یک دسته رویزیونیست ضد انقلابی میباشند. اگر موقعیتی پیش بیاید آنان قدرت را به چنگ گرفته و دیکتاتوری پرولتاریا را به دیکتاتوری بورژوازی تبدیل میکنند. (هفتاد و یک روز ۷ ژوئن ۷۶) آنچه در چین گذشت، حکم فوق را اثبات کرد رویزیونیستهای مرتد که راه سرمایه داری را تعقیب می نمودند، قدرت را به دست گرفتند، دیکتاتوری پرولتاریا را به دیکتاتوری بورژوازی تبدیل ساخته و در کشور چین سرمایه داری را احیا نمودند. رویزیونیستهای علیه چه کسانی دیکتاتوری اعمال میکنند؟! امروز در چین، طبقه کارگرو سرمایه داران زحمتکش و کمونیستها مورد شدیدترین سرکوبها قرار دارند. به محاکمه کشیده شدن رفقا "چیانگ چینگ" وان - هون وان، "یاون بان"، "چان چونگ - چیا شو" و... نمونه بارزی از سرکوب کمونیستها توسط رویزیونیستها میباشد. در واقع این محاکمه، محاکمه پرولتاریا توسط بورژوازی حاکم برجین میباشد. اما برآستی چرا کمونیستها در چین به محاکمه کشیده شده اند؟

لیوشا شوچی خا شن که میکوشید سرمایه داری را به چین بازگرداند، طی انقلاب فرهنگی و سر پا به مبارزات کمونیستها بطریزی عربیان افشا شده و پس از کنگره هشتم، در اکتبر سال ۱۹۶۸ به عنوان "مرتد، عامل دشمن و خائن به طبقه کارگر افشا شد و از تمامی مقامات حزبی و غیر حزبی معزول گشته و بطور قطعی از حزب کمونیست اخراج میگردد. اما اگرچه انقلاب فرهنگی ضربات مهلکی بر پاندا لیوشا شوچی وارد ساخت، لیکن هرگز نمیتوانست بطور قطعی رویزیونیسم را در خاک کیند، چرا که جا معه سوسیالیستی یک جا معه طبقاتی است. لیوشا شوچی از صحنه بدرشد. اما رویزیونیستها نا بودندند و کسان دیگری بودند که خط مشی بورژوا - رویزیونیستی او را دنبال کنند. دا رودسته ضد انقلابی تنگ سیا شو - پینگ ادا مدهنده راه لیوشا شوچی بودند در زمان انقلاب فرهنگی، تنگ توسط کمونیستها بمناسبت یک رویزیونیست افشا گردید، اما او به اتکانه با به نیرومندی که در حزب داشت دوباره مدارج را طی نمود، لیکن مبارزه جناح انقلابی حزب از جمله مبارزه رفیق ما شوچها رفیق مذکور و را بعنوان عنصری رویزیونیست که در پی احیای سرمایه داری میباشد، در سال ۱۹۷۴ به پایسکین کشید. تنگ پس از این ضربه مبارزه برای کسب قدرت را رها ننمود و در حواله وحوش سال ۱۹۷۶ به مقامات مهمی در حزب و دولت دست یافت. مبارزه جناح انقلابی و از جمله رفیق ما شوچها رفیق

دیگر گسترش پیدا نمود و با لآخره تنگ بعنوان بزرگترین راهرو سرمایه داری افشا شده و توسط کمیته مرکزی حزب در آوریل ۱۹۷۶ از تمامی مقامات خود معزول گردید:

"قطعاً کمیته مرکزی حزب کمونیست چین دربار عزل تنگ سیا شوپینگ از تمامی مقامات در درون و بیرون حزب"

دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین بعد از بحث دربار راه حادثه ضد انقلابی میدان "صلح آسمانی" و رفتن را خبر تنگ سیا شوپینگ برآست که مورد اوما هیبتی دیگر با فته و بسته تضاد آنتا گونیستی تبدیل شده است. برپا به پیشنها در هر بزرگ ما مدرسا شوپا تا شید همگانی دفتر سیاسی تنگ سیا شوپینگ از تمامی مقامات در داخل و خارج حزب معزول گشته، ولی عضویت او در حزب جهت نظارت حفظ میگردد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست چین ۱۷ آوریل ۱۹۷۶ (مندرجه در هفته نامه پکن ۱۲ آوریل ۱۹۷۶)

بدین ترتیب می بینیم که اگرچه کمیته مرکزی بدرستی مورد تنگ را تضاد آشتی - نا پذیر تلقی میکند، اما در عمل با او مصالحه کرده و عضویت او را در حزب ابقا مینماید. انحراف راستروانه حزب کمونیست چین و رفیق ما شو مانع از آن میگردد تا رویزیونیستها و از جمله تنگ مرتد از صفوف حزبی بطور تاطع تصفیه و اخراج گردند. رفیق ما شو بدرستی در مورد تنگ میگفت:

"اهمیتی به مبارزه طبقاتی نمیده و هرگز آنرا بمناسبت محور مطرح نکرده است. گریه سفید، گریه سیاه، فرمول همیشگی اوست. او بین امپریالیسم و ما رکیسیم تضادتی نمی گذارد." (هفتاد و یک روز ۶ ژوئن ۷۶)

لیکن علیرغم این تحلیل صحیح، حزب کمونیست در عمل به سازش طبقاتی در غلظتیده و وجود نما بندگان بورژوازی را در صفوف خود به رسمیت می شناسد و نتایج آن را به قدرت رسیدن بورژوا - رویزیونیستها راهوار میسازد. مرگ رفیق ما شو برای رویزیونیستها موقعیت مناسبی فراهم می آورد. آنان همه جا نهب به تعرض دست زده و با قدرت تمام میکوشند تا هر چه سریعتر دستاوردهای سوسیالیسم را نابود ساخته، ما رکیسیم لنینیسیم را در چین دفن کرده و حاکمین خط مشی انقلابی را از میان بردارند.

رویزیونیستها طی سالیان طولانی در چین مورد ضربت قرار گرفتند. انقلاب فرهنگی چهره زشت آنان را عربیان کرد و آنان با رها از مراکز قدرت به زیر کشیده شدند. چه کسانی علیه رویزیونیستها مبارزه کردند؟ چه کسانی نقاب ما رکیستی آنان را دریدند و ما هیبت ضد انقلابی شان را برملا کردند؟ چه کسانی آنانرا بمناسبت رهروان راه سرمایه داری در پیش پرولتاریا و سایر توده ها رسوا نمودند؟ آری واقعا چه کسانی جز حاکمین مشی انقلابی و از جمله "چیانگ چینگ" بقیه در صفحه ۲۰

هنرمقاومت هنرپرولتری



تبلیغی شرکت فعالانه و در مبارزات سیاسی منحربه این شبکه چندین بار دیگر به بند کشیده شود. از جمله پس از کودتای ۱۳۹۹ و هم همراه دیگر انقلابیون به سیاهالهای رضاخانی گرفتار شد.

فرخی بعزت محبوبیت فراوان در میان توده‌ها، در دوره هفتم مجلس شورای ملی (۹) - ۱۳۰۷ شمسی (از یزد به سمت نمایندگی انتخاب گردید و تنها کسی بود که بلندگوی پارلمان را بدون تزلزل به محل افشاکاری های انقلابی و جسورانه اش تبدیل کرد و بارها بعزت مخالفت های بی دریغی با رژیم رضاشاه، در همان مجلس کتک خورد و بارها محبوس گشت مخفیانه به میهن کارگران، شوروی سوسیالیستی پناهنده شود.

فرخی پس از مدتی برای ادامه مبارزه به ایران بازگشت (سال ۱۳۱۲) و بنا آنکه شاه، فریبکارانه قول داده بود که او را دستگیر نخواهد کرد، طی توطئه ای، به زندان افکنده شد. فرخی در زندان سختی مورد شکنجه و آزار قرار گرفت، بنا آنجا که برای حفظ وفاداری اش به انقلاب اقدام به خودکشی نمود، لیکن از مرگ نجات یافت (نجات یافت؟) و بارها به بنام "اساعاد" به مقام سلطنت محکوم گشت. او مدت ها در سلولهای تاریک و نمور انفرادی در زندانهای "ثبت"، "شهربانی"، "قصر گذران" و لیکن دزخه ای از شور انقلابی اش کاسته نشد و بارها در زخمیان رضاخان که خود را در برابر این قامت شعله ور انقلاب زبون یافته بودند و او را بوسیله آمبول هوا و بدست پزشک مجازیند، قمر به قتل رساندند. فرخی جز سردن اشعار انقلابی به انتشار چندین روزنامه جهت تبلیغ انقلابی دست زد که از جمله طوفان و ویکار و قیام... را میتوان نام برد.

مضامین شعر فرخی

همانگونه که گفتیم اشعار فرخی در چهار - چوب جریان انقلابی شعر مشروطه قرار دارد. شعر او مشحون از دمکراتیک تسمی طبقات تحت ستم و استعمار شده و دوران انقلاب مشروطیت است. او همانگونه که در زندگی، بنا بر زاهد زاهد، در عرصه شعر هم مدافع پیگیر و سرخست انقلاب باقی ماند و برخلاف شاعران لیبرالی چون "ملک - الشعراء" بهار، از موضع زحمتکشان و نه از با یگانه بورژوازی بسوی انقلاب شتافت!



(۱) - این مقاله به معنای سبک ساگر شدت فرخی یزدی تهیه شد، اما با توجه به مسائل حادثه و محدودیت نشریه، امکان چاپ بموقع آن فراهم نیامد.

(۲) - هیاتهای تشریحی مسیحی در کشورهای تحت سلطه متجمله ایران به تاسیس موسسات خیریه، مدارس و بیمارستانها (البته برای منظورهای استعماری خودشان) می پرداختند. اینگونه موسسات بنام "مرسلین" معروف بود.

"فرخی یزدی" نماینده جریان انقلابی در هنر^(۱)

گیری اش بسوی زحمتکشان و طبقه کارگر بجای گذاشت، بنا آنجا که مفاهمی چون استعمار، ستم طبقاتی، در دورنج کارگران و دهقانان، جنگ طبقاتی، کینه و نفرت از سرمایه داری و... مضمون بسیاری از اشعارش را در سراسر عمر سرشار از مبارزه اش تشکیل میداد.

فرخی در جریان شرکت فعالانه در انقلاب، به عضویت حزب دمکرات شاه یزد در آذرماه ۳۰ سال پس از برقراری رژیم مشروطه بدلیل سرگردن شعری افشاکرانه بدستور کامیوز، وحشیانه دهان او با نخ و سوزن دوخته شد و او را به زندان افکندند. و بدینگونه سندی بر اسناد ما هیست مرتجعانه و ضد انقلابی میوه چینان انقلاب مشروطیت افزودند.

فرخی در زندان آرام بست و با سرگردن اشعار انقلابی کوشید همچنان احساسات آتشین و انقلابی زحمتکشان را بیدار نگاه دارد و بیش از آن به آگاه کردنشان بپردازد.



فرخی برای ادامه مبارزه، پس از چندی از زندان گریخت و بویژه با سرگردن اشعار آگاهگرانه در جبهه انقلاب به پیکارش ادامه داد. او چند بار به شوروی سوسیالیستی مسافرت کرد. در دوران جنگ جهانی اول به جهت آنکه مزدوران انگلیس دریغی دستگیری اش برآمدند از ایران گریخت و سپس از بیابانها به ایران بازگشت و به مبارزه اش پیگیرانه ادامه داد. مخالفت های انقلابی او با و شوق الدوله و سردار سپه و دیگر مزدوران امپریالیسم، انتشار اشعار آگاهگرانه

طبقه کارگر و دیگر طبقات انقلابی، برای دستیابی به آرمانهای والای خود نیازمند آندند که مبارزات خویش را در همه عرصه ها، آگاهانه به پیش ببرند، آنان نیازمند آند که برای پیش برد آگاهانه مبارزه خویش، با تجارب گذشته در همه اشکال مبارزه آشنائی پیدا کنند، و سنت های انقلابی دوران پیش را با برخوردی نقادانه و نوین، در جهت مقتضیات نبرد کنونی شان زنده نمایند و بکار گیرند.

هنر، بدون تردید به معنای به جزئی از ایدئولوژی طبقات، عرصه ای از مبارزه طبقاتی است. از این رو پیش از آنکه طبقه کارگر موظفند به سنت ننگین طبقات مرتجع و ضد انقلابی، به سنتی که در همه جوامع کهن کم و بیش رواج داشته است یعنی به جدائی طبقات زحمتکش از فرهنگ وسیع، برنانه مریزی شده و آگاهانه، برای بیدار نگه داشتن روحیات انقلابی در توده ها و بزرگان انگیختن احساسات پرشور و آشنائی نا پذیرشان از بازار هنر سودجویند.

تاریخ خلق ما سرشار از مبارزه درخشان و سرشار از دستاوردهای عظیم هنر انقلابی است. امروز طبقه کارگر و سوسیالیست ما با بدبختی این تاریخ آشنائی باید آنگاه که در دوره های انقلابی، گنجینه ای از این دستاوردها را در خود نهفته دارد. و فرخی یزدی انقلابی، شاعر روزنامه نویسی انقلاب مشروطیت یکی از نمایندگان جریان انقلابی در تاریخ هنر خلق ماست که زنده نگه داشتن فعالیت خلاقانه او و بهره گیری از آموزش انقلابی او، در سبب های فراوانی برای همه فعالین هنری و زحمتکشان در برخواهد داشت.

زندگی شاعر انقلاب

فرخی یزدی، تحصیلات مقدماتی خود را در مدرسه "مرسلین" (۲) بی یزد که بوسیله استعمارگران انگلیسی تاسیس شده بود گذراند، لیکن پیش از پایان تحصیلات به علت داشتن روحیه ای مبارزه جوینده و آزادی خواه که در اشعار او و لایه اش منعکس میشد خراج گشت، او پس از خراج مجبور شد که بعنوان کارگر نساج، کارگر تاش و... به امرار معاش بپردازد. این دوره از زندگی شاعر، تا شیر عمیقی در سمت

ما را از انقلاب سرانته نماند
چون انتخاب ما بجز از انقلاب نیست
(شعری که در رابطه با انتخابات مجلس سروده شد)
اوباکینه ونفرت به میوه چنان انقلاب
مشروطه می نگریست و از همان آغاز میسرود:
در کهن ایران ویران انقلابی تازه باد...
و با: ز انقلابی سخت جاری سیل خون بایدنمود،
وین بنای ست پی را سرنگون بایدنمود،
مسائل گوناگون انقلاب، همواره با صراحت
وروشنی در شعر فرخی انعکاس یافته و از موضعی
انقلابی نقطه نظرات خود را از آن ها بیان داشته
است. فی المثل فرخی برخلاف هنرمندان
لیبرال مشروطه هیچگاه ستایشگر مجلس بطور
کلی نبوده و همواره با رلمان بورژوازی را مورد
سخت ترین حملات قرار داده است:

با بودن مجلس بود آزادی ما محو
چون مرغ که با بسته ولی در قفسی نیست
با: بس که از سر ما به داران مجلس ما گشته پر
اعتبارش هیچ کم زد که صرف نیست
با: میکند تهنید ما را این بنای ارتجاعی
منهدم این کاخ را از صد رتا دروازه باید

سمت گیری بسوی طبقه کارگر و زحمتکشان

پیوندنا گسستن فرخی با زحمتکشان و سمت
گیری اوبسوی طبقه کارگر در شعر، آنچنان

آشکارا انعکاس یافته است که هر خواننده شعر او
میتواند احساسات انقلابی اش را در بر خورده به
توده ها بیا زماید:

انتقام کارگری کاوشش بر فرورد
تا بسوزد سربسارین توده تن پروران را...
با: ز جور کارفرما کارگر آسان بخود لرزد
که گردد و سربو کبک دری بازنگاری را...
با: بهر مشتی سیرتانی یک جهانی گرسنه
انتقام گرسنه از سیر میباید گرفت
با: مسکنت را زدم داس درو با بدکرد
فقرا با چکش کارگران با بدکشت
اشعار فرخی سرشار از این روحیه انقلابی
است. اوصدای توده های زجر کشیده ای است که
اندیشه ای جز ویران کردن نظم کهنه و احساسی
جز کینه به طبقات دشمن و آرمای نهی درخشان
نسبت به آئینده در خود نمی پرورند.

محدودیت های شعر فرخی

اگرچه فرخی یزیدی، به تمام معنی، شاعر عسری
دمکرات و انقلابی است، اگرچه و در اشعار او
مقالاتش همواره عهدی ناگسستن با انقلاب
زحمتکشان را تصویر کرده است، اگرچه اوبسوی
طبقه کارگر مستگیری داشته و حتی در همین سال
جنس انقلاب اکثر شرکت جسته و تا دمانه سروده
است:

در جشن کارگر چو زدم فال انقلاب
دیدم بفال نیک بود حال انقلاب

اگرچه اوبسویال دمکراسی ایران
ارتباطی نزدیک داشته و در روزنامه های پیکار
قیام، طوفان و... مقالاتی بدفاع از انقلاب
سوسیالیستی (انقلاب اکثریت) درج نموده... با
اینهمه ارزیابی از ماهیت سیاسی - ایدئولوژیک
فرخی، بیانگر محدودیت دید او است. از اینروست
که فرخی در انقلابی ترین اشعار تبلیغی خود،
درست آنجا که به نفی استثمار، دفاع از کارگران
و افشای سرما به داران میپردازد، دچار
محدودیت شده و احساسات انقلابی اوبافکار
منافیزیکی درهم می آمیزد:

غنا با فشاری کردا بجا دتهی دستی
خدا ویران نما بدخا نه سرما به داری را
البته محدودیت های شعر فرخی، عرضه های
گوناگونی را در زمینه محتوا و شکل شعر در بر می-
گیرد. عدم انجاس شعرا و، عدم توانایی در ترسیم
کیفیات درونی و گاه ارائه تصاویر معمولی و
سطحی و حتی با سآمیز، در قید و بند اصطلاحات
تشبیهات و نحو و شعر گوئی شعر کهن زندانسی
بودن، برای درست در آوردن اوزان عروضی،
کلمات اضافی حتی مرمع های اضافی و بی ربط
سرودن و... همه و همه مسائلی است که باید در
جای خود مطلقا بدان پرداخت. وجهیه های
کیفی شعر فرخی را در بنشر شرایط مشخص انقلاب
مشروطه ارزیابی کرد.

محکوم به شکست است، مطمئن باش که به پرولتاریا
اورا درگور خوا هدر کرد. امیرالیستهای ریزوینستها
هرگز نخواهند توانست طبقه کارگر و زحمتکشان را
فریب داده و حاکمیت ارتجاعی خود را بسدی
سازند. مبارزه طبقاتی پرولتاریا از شکست و
پیروزی عبور مینماید، اما پیروزی نهائی ازان
مارکسیسم لنینیسم است.

رفیق چپانگ چینگ "در پیدا دگ...
رویزوینستها بعنوان دفاعیه بر روی کاغذ
نوشته بود: "با تمام قدرتی که شما دارید می-
توانید به آسانی مرا به آنچه که دوست دارید،
متمم نمائید. شما به آسانی میتوانید عوامیل
انها مرا بوجود بیاورید، ولی اگر تصور میکنید
میتوانید مردم چین و در سطح وسیعتر دنیا را محول
بزنید سخت در اشتباه هستید."

آری رویزوینستها میتوانند یک کمونیست
را به آنچه دوست دارند متمم نمایند، اما انسان
هرگز نمیتواند حقا نیت آرمای یک کمونیست
رادن کرده و پرولتاریا را فریب دهد. آری
پروژوازی میتواند سرکوب کمونیستها را حشن
گرفته و مزورانه چنین وانمود کند که گویا
کمونیسم محکوم به شکست است، اما هرگز نمیتواند
آرمای کمونیسم را در قلب فیلسوفها توده زحمتکش
خاموش ساخته و از حرکت اجتناب ناپذیرتا ریخ
یعنی برقراری کمونیسم جلوگیری نماید.
کمونیسم حکم تا ریخ مبارزه طبقاتی است.

امروز ما میرالیستها، بورژوازی جهانی
و همه مرتجعین برای "تنگ سیانوپیک" بعنوان
نماینده برجسته بورژوازی چین کف میزنند و
هورا میکشند. امروز "پراودا" ارگان امیرالیسم
شوروی از "محاکمه ما ثوئیسیم در چین" ابسراز
شادمانی میکند، امروز ادیو صدای آمریکا
از محاکمه جنایتکاران زمان انقلاب فرهنگی
صحت میکند و تلوزیون سی بی اس آمریکا
حق یحس جریان محاکمات را به مبلغ ۴۰ هزار
دلار از چین خریداری میکند. امروز بورژواهای
جهان از "سزان و افغ بین" چین و محاکمه
"چپروهای انقلاب فرهنگی سخن میگویند، آری
امروز دشمنان کمونیسم از محاکمه کمونیستها در
چین قهقهه میزنند. بورژوازی همه کشورهای
جهان در برابر پرولتاریای جهانی منافع
مشترکی دارند، آنان پاسداران نظام فرسوده
و ارتجاعی سرما به میباشند و به همین خاطر سرکوب
کمونیستها، این دشمنان سرما به داری و امیرا
- لیسم، نمیتواند موجب خشنودی آنان نگردد.
اما بدانیم که این قهقهه ها، تهقیقه مریک
است. بورژوازی و امیرالیسم محکوم به مریک
میشا شد. تا ریخ حکم بر آن داده که پیروزی ازان
پرولتاریا و کمونیستها است. اگر امروز بورژوازی
جهانی، سرکوب کمونیستها در چین را جشن
گرفته است و در سرا سر چین برای فریب توده های
زحمتکش، چنین وانمود میا زده که گویا کمونیسم

بقیه از صفحه ۱۸
محاکمه...
"وان هون وان"، "یاون یان"، "چان چونگ -
چیا شو" افشاگر این خاشنین به طبقه کارگر
بودند؟

بی سبب نیست که رویزوینستها رفیق مائو
را پس از مرگش به محاکمه کشیده و او را "عامل
اصلی جنایات دوران انقلاب فرهنگی" معرفی
میکند. بی سبب نیست که رویزوینستها چهار
رفیق فوق را "به جرم توطئه برای جلوگیری از
روی کار آمدن تنگ" محاکمه کرده و چه بسا آنها را
به جوخه اعدام سپارند. آری امروز در چین در
دادگاه ضد انقلابی رویزوینسیم، کمونیستهای
راستین محاکمه میشوند، زیرا آنان پرچمداران
مارکسیسم لنینیسم، رهروان طبقه کارگر و
دشمنان بورژوازی و رویزوینست میباشند.
تعجب آور نیست اگر امروز کمونیستها توسط
کسانی محاکمه میگردند که "بین امیرالیسم و
مارکسیسم" تفاوتی قائل نیستند. بورژوا -
رویزوینستهای مرتجعی چون "تنگ و هوا"
بر اساس منطق طبقاتی خود عمل میکنند. در سراسر
جهان کمونیستها همواره مورد سرکوب و حشانه
بورژوازی و دولت طبقاتی آن قرار داشته اند و
بیرواض است که ضد انقلابیون حاکم بر چین، بر
اساس ماهیت طبقاتی خود به سرکوب کمونیستها
اقدام مینمایند.

آب که بالا می‌رود قورباغه ابو عطا می‌خواند!

خلخال کی یکی از "مردان جمه" - وری
اسلامی است و عنوان "میرغضب رزم" و "جلاد"،
زیسته او می‌باشد. در هفته گذشته با ملاحظه
دعای از اقدامات خود برداخت و خیلی "منم"
زد می‌باید آنکه هزارا میل را در این کشور او
ارزین برده است! این ادعا آدم را بیاد ضرب -
المثل "آب که بالا می‌رود، قورباغه" ابو عطا
می‌خواند "میاندازد".

طوفان انقلاب بوده‌ها پس از دهها سال
استقامت روح و یکنجه اعداوم مبارزه خستیم.
نا بدیر، میرفت که سلطه میریالیسم و عمل اش
منجمله با صلاح "هزارا میل" را در ایران ریشه
کن کند و رژیم که آقای خلخال جزئی از آن است
مانع از آن شده انقلاب کارش را به سرانجام
برساند. آقای خلخال چون "زنگی مست" شمیر
بدستش افتاده‌ای از دشمنان خلق و عمال
سرپرده میریالیسم را کشت و با این عمل، تضاد
طبقه خویش با رژیم وابسته به میریالیسم را
بمنفع رژیم جدید که ایضا خلقی است حل کرد و
با استقرار نسبی رژیم جدید شمیر مردم طبقه
خود را برای نابودی نیروهای انتظامی بیکار
برای کمونیستها و خلقهای بی‌خاسته ایران تیز
کرد. در کردستان و ترکمن صحرا و خوزستان همیشه
سبح او برای سرکوب کمونیستها تیز بوده است و
جه خونیا که بدست او ریخته شده است! از دکنسر
رئیس سردار ربا و کرجی سیاسی ها بکیرا بیکار
- کران شهید ما اشرقی و سیک اندام او دانشار
در خوزستان. خلخال می‌خواهد توده‌های ما
اعدام عدای از جنا بکاران ساواک که جسر
کوچکی از خواستشان بوده ببینند ولی باز -
ساز نظام وابسته به میریالیسم، سازش با
آمریکا و اعداوم نیروهای کمونیستی و انقلابی
را نبینند. در صورتیکه کارگران و زحمتکشان ما
در زیر عنای خلخال حاج ما شاء الله قصاب
رئیس کمیته سفارت آمریکا را هم می‌بندد که
حالا بعنوان "وردست" خلخال به ترکنازی در
جنوب شهر مشغول است. مردم ما بسیار زهوشارتر
از پیش اند. آقای خلخال بی‌خود ابو عطا می‌خواند!

بقیه رصحه ۴ تبلیغ...
پخش کرد و تعداد شعراهای تبلیغی برود دیوار
شهر را افزایش داد. مشخصه خیر تبلیغ بسیار
نژاد اهمیت است، بخصوص آنکه رعایت آن تنها
مثلا به مرکزیت سازمان و نویسندگان مقالات
تبلیغی بر نمی‌گردد، بلکه وظیفه‌ای است
سنگین بردوش تک اعضاء و هواداران
سازمانهای کمونیستی که در هر چه گسترده‌تر
کردن تبلیغ کونا باشند.
ادامه دارد

آشنی نا بدیر و فیروز (با زور و دعوا) در آوردن
است، برخوردار رفیق دانش آموزها را اگر چه
با بداری اش را نسبت به آزمان نشان می‌دهد و
این نحسین آمیز است، اما بی‌پرده در کسری را
اینجنین حامی میکند. این رفیق می‌توانست
با تعمیق بیشتر و با در نظر گرفتن جوانان و ده
بندریج و با حرکت صبورانه، به مبارزه با عقاید
با درست پدرش برخوردار اصلاح کند.
پیروز با شیدا!

رفیق - ط - ا

این رفیق اشتباه کرده است که چرا تعارهای
سازمان برود دیوار کم است و از ما خواسته است
که به رفقا بگوئیم در مورد شعرا نویسی بیشتر
کوشش کنند.
بنظر ما انتقاد رفیق وارد است و در این
مورد با بدلتان بیشتری نمود. رفقا! در شرایط
حاضر که بدلیل حفران و محدودیت‌ها کیسه
رژیم برای ما کمونیستها بوجود آورده است،
دامنه تبلیغات ما محدود شده و بسیاری از امکانات
تبلیغی غلنی از زمین رفته است. در این شرایط
اگر چه کلیه رفقای هوا دار با دیدگوشدن در
تکنیک و بیخ نشیبات، اعلامیه‌ها و تراکت‌های
سازمان هر چه بیشتر بکوشند (فی‌المثال هر
نشریه را حداقل به ۵ نفر بدهند که خواننده شود).
و از این طریق تا حدودی کمبودهای موجود را
جبران کنند، اما هیچ نوع تبلیغاتی نمیتواند
جان نشین شعرا نویسی کرده، چه شعرا نویسی
(بویژه شعراهای زیربیکار و مربوط به جنگ)
در دسترس و با بدیر آورده و توده‌های بسیار وسیعی
آرامی خوانند. از نظر صرفه‌آرزوی نیز بسیار
اشرفی کمتری صرف میشود اما بازده فراوانی دارد.
از این رو به کلیه رفقا توصیه میکنیم در امر
شعرا نویسی بویژه در این شرایط، کوشش بیشتری
نموده و کلیه شعراهای مربوط به افتخار لیبرالها
حزب جمهوری اسلامی، جنگ، آوارگان، کرانسی
و... را با خطی درشت برود دیوار شهر و...
بنویسند.
نامه‌های زیبای بدستمان رسیده است.
پیشنهادات و تذکرات رفقا مورد توجه قرار گرفته
و به سوالات آن در مقالات بیکار رتئوریک پاسخ
داده خواهد شد. بدلیل محدودیت صفحه از برخورد
با تک تک آنها معذوریم و تنها به ذکر نام نویسنده
بسته میکنیم.
رفقای M - ن، از لاهیجان - مسئول
سازمان دانشجویان و دانش‌آموزان بیکار، شرق
تهران - س، ن، از لاهیجان - م، ج - ج، مسعود
- س، م، ف، ن، از آبادان - الف، ش، از آبادان
- ک، س، از آبادان - پ، م، ر - مادر مبارز،
اقدس، ن، م، ش، ل - ج، ج، از همدان - دانشجویان
بان و دانش‌آموزان غرب تهران - ه، ط، ن -
علی از اصفهان - غ، غ، از شیراز - ه، پ، از
بروجرد - ف، ش، از تبریز - س، م، ۸۲ - ع، ت
- ب، ز -

بسته رصحه ۲۵ پاسخ به...
زمینی داشته اند می‌باید در رفیق در آنجا دست به
افشاکری میرید و بدین که ادعا را بدست می -
بیمند به جهت حفظ آبرو خود و راه به تهران -
میگرداند و میگوید هر کدام را دوستانت به اینجا
بیا بند تا جواب کمیتشان میدهم.
رفقا! این اولین باری نیست که گزارشاتی
از "شکوابندن" میان همین رفقای جوان هوادار
با خانوادها نشان بدست ما میرسد، این
گزارشات مماثل کونا کونی را نشان میدهد.
یکی بدلیل رعایت نکردن نکات اساسی و انبار
کردن مدارک سیاسی در خانه‌اش، با خانوادده
- گنبر میشود، دیگری تنها به مطالعه و فعالیت
سیاسی خویش فکر میکند و در صد کمک به خانواده
در جهت رفع نیازهای آنان نیست. و خانوادده -
ها این فرزندان را "سربار" خویش احساس می -
کنند و عده‌ای دیگر کار را به در کسری و کتک کاری
با خانوادها نشان میکنند خانوادهائی که
اکثرا هم زحمتکش هستند...
رفقا! بسیاری از خانوادها از زحمتکش
شما بدلیل توهماتشان و بدلیل فرهنگی که
ناشی از جامعه سرمایه داری و عقب ماندگی
فرهنگی موجود در جامعه است، نمی‌توانند
سراغی افکار، حرکات و رفتارهای شما را درک
کنند و پیگیری شوند و طبیعا به مخالفت با آن سر -
بپیچزند، اما راه حل چیست و رفقا چگونه با پیدا
این مسئله برخورد کنند؟
آیا با بدست تسلیم خواست خانوادده، خویش
پشونود؟ یا با بدید در کسری با آنان بپردازند؟
هیچکدام رفقا! نه با بدست تسلیم خواستهای
نا درست نابجای خانوادده شونده آنکه به روحیات
فرهنگ و خواستهای آنان بی توجه ماند. رفقا
با بدید کوشش در فشاری بیرونی اعتقاد نشان
بافتاری متین، کمونیستی، با برخوردی صبور -
انه و پرحوصله سعی کنند عقایدشان را به خانواده
- های زحمتکش خود توضیح دهند و بدریج آنان
را نسبت به سازمان و آرمان طبقه کارگر آشنا
سازند. چنین برخوردی که از جانب بسیاری از
رفقا صورت گرفته نه تنها فعالیت آنها را متوقف
نکرده و آنها تسلیم خواستهای نابجای و نا درست
خانوادها نشان شده اند، بلکه با برخوردی انقلابی
و کمونیستی، نشان داده اند که نمونه یک انسان
واقعی هستند و بدریج بسیاری از افراد خانوادده
خویش را نسبت به عقایدشان و سازمان آشنا
ساخته اند و توجه آنان را جلب کرده اند. نفوذ
نسبتا گسترده‌ای که سازمان در خانوادها
زحمتکش و بویژه مادران بدست آورده است،
ناشی از این رفتار انقلابی و فدا است. بیکار
گرفتن چنین رفتاری بویژه در خانوادها
کارگری بسیار مهمتر است.
در رابطه با آنچه گفتیم نگاه بی‌این نوع
برخورد بسیار نا سالم بدریج و عکس العمل وی
که بدیر دشمن حساب کرده و گویا در رژیم جمهوری
اسلامی زندانی شده، شروع به سرود خوانی و...
میکنند، تضادهای درون خلقی را بی‌پرده بصورت

حقایق درون ارتش و ادعاهای رژیم

کارگران، زحمتکشان، هموطنان مبارز!
خبرهای موثق زیر را که احتیاجی به تفسیر و توضیح ندارد بخوانید تا وقت تدبیر خواهی کرد که تفاوت بین این حقایق با ادعاهای رژیم جمهوری اسلامی نسبت به ارتش از زمین تا آسمان است!

خبر اول:
در کمیسیونی که در اوایل آذر ماه جاری با شرکت "نیسان رفکوری" وزیر دفاع و فرمانده نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران تشکیل شده نمیمیاتی گرفته اند و به فرماندهان و سرپرستان فنی کلیه قسمتهای مختلف نیروی هوایی دستور داده شده که هر چه زودتر کمیسیونها و نواقص دستگاهها و مشکلات آموزشی خود را بررسی و مشخص کنند تا بابت برقراری روابط با آمریکا جداگانه استفا داده شود. وزیر دفاع معتقد است که این روابط بزودی "عادی" میشود.

خبر دوم:
اوایل آذر ماه جاری ۶ الی ۷ کشتی که محموله آنها قطعات یدکی و وسایل نظامی آمریکا می بوده مستقیماً از آمریکا رسیده و در بنا در جنوب لنگر انداخته اند.
این کشتی ها بدنبال رسیدن یک کشتی حامل تجهیزات نظامی که قبلاً در آبان ماه ۵۹ مستقیماً از آمریکا به بندر بوشهر وارد شد، به بنا در جنوب رسیده اند. کشتی قبلی که در آبان به ایران رسید بمنظور تسریع در تخلیه محموله آن، از پایگاههای مختلف نیروی هوایی متخصصین قسمت های مختلف به بوشهر اعزام شدند تا هر یک محموله مربوط به قسمت خود را فوراً تحویل بگیرند.

خبر سوم:
هواپیما های جا مبوحت نظامی نیروی

هوایی که مخصوص محموله های نظامی است را آم ۵۵ "هواپیما ملی ایران - هما" که مخصوص حمل مسافران زنده اندودستی است این هواپیما های نظامی را مسافربری از کره جنوبی لوازم و قطعات یدکی نظامی وارد میکند. قیمت این محموله های نظامی که بطور غیر مستقیم (از طریق کره جنوبی) از آمریکا خریداری میشود گاه به ۸۰۰ درصد قیمت معمولی میرسد.

البته هواپیما های ملی ایران - هما نیز تعدادی هواپیما جا مبوحت (بوئینگ ۷۴۷) در اختیار دارد و دولتی رژیم جمهوری اسلامی با تغییر آرم هواپیما های نظامی خود روابط با آمریکا و خرید سلاح از آن را برده پوشی مینماید. این اخبار موثق گوشه ای از واقعیات دورن ارتش شما خسته و یکنواخت "مسلحان و مکتبی شده" را فاش می نماید و نشان میدهد که ارتش ابزار سرکوب و چماقی است که بوسیله رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی علیه کارگران و زحمتکشان بکار میرود.

وفاداری ارتش به امپریالیسم آمریکا از ذات آن نشأت میگیرد. اینجا است که صحت نظریه نیروهای راستین کمونیستی و انقلابی زمانیکه میگفتند این ارتش آمریکا می باشد منحل شود و بجای آن ارتش خلقی قرار گیرد یکبار دیگر ثابت میشود. اینجا است که صحت نظر کمونیستهای راستین زمانیکه میگویند رژیم شما کم هرگز نمی تواند ضد امپریالیست باشد یکبار دیگر ثابت میگردد.

مرگ بر امپریالیسم آمریکا و ارتجاع داخلی! مرگ بر ارتش آمریکا! برقرار باد جمهوری دیکراتیک خلق! سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر
۵۹/۹/۲۲



ملاحظات کوتاه

کی بود کی بود؟ من نبودم!

"شکجه در زندان هست یا نه؟" اینهمه بسک. بازی تازه است. نه فقط رژیم جمهوری اسلامی بلکه هیچ رژیم ضد خلقی هر اندازه هم رسوا باشد، "راستا حسینی" نمی آید بگویند شکجه گرهستم! مگر شاه با آن ناخن کشیدنش و شلاقها و آبولوها و... چنان اعتراضی میکرد؟
از فردای شام هر عنصر انقلابی کوچک یا بزرگ، دختر یا پسر که گرفته اند و فهمیده اند که سرمایه داری را زیر سوال میبرد و برای ادامه کاری انقلاب دموکراتیک خدا میربا لیستی خلقهای ایران میرزمد و او را تحت فشار قرار داده اند.

گیرم در جمهوری اسلامی، با ساداران و زندان - سنانان مکتبی فحش میدهند (آنها زرقبکترین و شرم آورترینش) بعد امتحان را می گذارند نصیحت و ارشاد! شلاق (همان کابل) میزنند البته با اجازت کم شرع و بنا مد شرعی! ماهها زندانی سیاسی انقلابی و کمونیست را در سلول های انفرادی "شما خسته" میاندازند تا پوست بپازند (نمونه اش رفیق شهرام و بسیاری از کارگران و انقلابیون کرد) بعد امتحان را می گذارند "تادیب"! با پوتین به چانه یک دختر مجاهد کوفته اند، گاه برای رفتن ماه "حرم" فروش بیکار چند بار رحمتا عدا منمائی ترتیب داده اند و نمونه های فراوان که ندکی از بسیاری آنرا کمونیستها و نیروهای انقلابی افشا کرده اند.

بنی صدر، این رویاها مکار سوز و آل لیبیرال زمانی که شکجه زد. بان انقلابی و محاکمه های چند ساعتی و چند دقیقه ای! آنان فحاشی نظیر قتل توماچ ها و مسعود مالچی ها و اعدام نیک - اندام ها را بپا دمیاد و در حرفی نداشت و تا بیدم میگردولی حالا که "میثاق وحدت" با همکامه های حزبی اش در نتیجه مبارزات توده ها شکاف برداشته همان قضیه شکجه را بر سر حریف میکوبد و آیت الله خمینی که زاول هما تصور که خودش تا کید میکرد از همه زیروم موراطلاع داشت، حالا هیات تحقیق (که وابستگی به هیچ گروهی نداشته باشد!) را روانه میکند که بررسی نمایند آیا این تکرار همان قضیه "ما اطلاع نداشتیم" و به "کوچه علی چپ زدن" های در دوره رژیم گذشته نیست؟ آیا این تکرار همان داستان قدیم که "اطرافیان" بدست دهنمی گذارند کارها را و صورت بگیرد نیست؟

توده های آگاه ما خرابی اوضاع رانه از بداندیشی "اطرافیان" بلکه تراناشی از ما هست رژیم ورهبری کشور می دانند. توده های خلق ما که تجربه ما لها مبارزه را پشت سر دارند

جنگ واکدرت گیری خوانین غرب

بر طبق اخبار رسیده "دکتر سنجابی" که به سفارش بنی صدر و از سوی آیت الله خمینی در راه "سیخ عشاری" قرار گرفته بود با مکاناتی که ارتش در تسلیم عشاری و سازمانش با ایمل قلعانی برای خوانین غرب کشور (در اکثرکترین جنگ ارتجاعی کنونی) بوجود آورده که منجر به تضعیف با ندجلال بولکی (رئیس قبلی سپاه پاسدار - ان کرمانشاه و از سران گروه "شیت") و حزب جمهوری اسلامی و افراد مسلح مادی خلخالسی گشته است. با پشتیبانی ارتش و لیبرالهادامنه فعالیت خود را وسیعتر می نماید. دکتر سنجابی پس از نزدیک کردن خوانین و تشکیل و گسترش "سندسیخ عشاری" اقدام به تشکیل "اتحادیه عشاری و در حقیقت "اتحادیه خوانین غرب کرده است تا بتواند قدرت خود را در غرب کشور

گسترش دهد و در توازن نیروها نقش تعیین کننده داشته باشد. دکتر سنجابی که قبلاً از جنگ به تعبیر آیت الله خمینی می بایست "گورش را کم میکرد" (اشاره به سخنان تبراه آیت الله) اینک با دستور خود آیت الله، به قدرت خوانین و فئودالهای غرب کشور توسعه میدهد و در مسدد تشکیل "اتحادیه" بر علیه دهقانان و زحمتکشان روستایی غرب کشور می نماید. آیا با زهم یاد تردید داشت که این سرمایه داران زمین داران و خوانین هستند که از این جنگ ارتجاعی و تحمیلی سود میبرند. نیروهای انقلابی با تشکیل این اتحادیه ارتجاعی و وظیفه پس سنگین - تری در ارتباط با آگاه کردن عشاری و دهقانان زحمتکش غرب برای مقابله با توطئه های متحدانه خوانین و فئودالهای غرب دارند. وظیفه ای که جنگ کنونی بمبارت سنگینتر کرده است.
"با استفا ده از اعلامیه سازمان دانشجویان و دانش آموزان بیکار - کرمانشاه - ۵۹/۹/۷"

بقیه از صفحه ۲۸ **جواب**

آن رویزیونیستهاست. حال این سؤال مطرح میشود که چرا نشریات رویزیونیستها ممنوع الانشار نمی باشد؟ علت اینست که رویزیونیستها نوکر بورژوازی می باشند. رویزیونیستها به طبقه کارگر کاملاً خیانت کرده و مدافع طبقه سرمایه داری می باشند. جریانات رویزیونیستی ظاهراً مخالف سرمایه داری میباشند، ولی مدافع دولتی میباشند که حافظ و پاسدار همین سرمایه داری است. رویزیونیستها برای آنکه نوکری خود را خوب انجام دهند به جنبش توده ها و کمونیستها و انقلابیون می نازند و همه جناحیات رژیم حاکم را توجیه کرده و موجه جلوه میدهند. وقتی حزب توده و حزب رنجبران و چریکهای فدائی (اکثریست) جناحیات ارتش آمریکا طی اسلام آورده رادیکال شدند و ترکمن محروم... تا شاید میکشند، وقتی آنسان برای قتل عام توده های زحمتکش توسط پاسدار و جاش و ارتشی در "ایندرقاش" و "صوفیان"... کف میزنند و هورا میکنند، وقتی آنان اعدام کمونیستها توسط جلادان رژیم را مورد تحسین و تائید قرار میدهند، وقتی آنان از هیأت حاکمه ارتجاعی حمایت فعال کرده و از سرمایه داری وابسته ها مدافع میکنند، آری وقتی رویزیونیستها تمام این خیانتها را به اوج میرسانند چرا و چه دلیل بورژوازی حاکم به آنها امتیاز ندهد؟ رژیم نفرت انگیز جمهوری اسلامی مانند هر رژیم ارتجاعی دیگر "حق خوش خدمتی ها و نوکری مفتی های رویزیونیستها را نباید بپردازد؟ اگر رژیم حاکم به روزنامه "مردم" (حسرت بوده) و "رنجبر" (حزب رنجبران) اجازه انتشار میدهد دقیقاً در همین رابطه قرار میگردد. البته "کار" اکثریت اگرچه بعد از بدیدار رهپشتی منفور و سران رویزیونیست این سازمان، بطور ضمنی اجازه انتشار پیدا کرد، اما برای اینکه مانند سایر نشریات رویزیونیستی اجازه پیش و سیع یا بدینا به خواست بورژوازی، رویزیونیستها یا اکثریتی نوکرمفتی بیشتر با بدبختی دهند بنا بر این روشن است که دولت سرمایه داران در مقابل نوکری رویزیونیستها به آنان بسا دانه میدهند و نشریات ضد انقلابی آنها را ممنوع - الانشار نمی سازد. در همین مورد لنین میگوید: "دولت ها که با واگذاری پست های وزارت... به پیشوایان سوسیال شوونیست و گاه با دادن انحصار فعالیت علمی و بلا مانع به آنان... آنها را مورد پاداش قرار می دهند" (ا بورتونیسیم و ورشکستگی انترنا - سیونال دوم)

آری دولت سرمایه داران در همان زمان که ظالمانه ترین سیاستها را در قبال کمونیست های راستین در پیش میگردد، دوستانه ترین سیاستها را در مورد رویزیونیستها به اجرا در می آورند. و این به خاطر آنست که کمونیستها وفادار به انقلاب و طبقه کارگر هستند، حال آنکه رویزیونیستها یا خاش نوکران بی مقدار سرمایه داران و کلیه مرتجعین میباشند.

بقیه از صفحه ۶ **اخبار...**

روستا نیز از سخنان آنان استقبال نموده و از پیشمرگان خواستند که آنها را ترک نکنند و در میانشان بمانند.
(بمنقل از خبرنا مه ۹۵ کومله)

۳۰ ارتشی و پاسدار توسط

پیشمرگان کشته و زخمی شدند

بانه ۵۹/۸/۲۶

سرکارها این روز ستونی مرکب از یک تانک و چند نفر سرباز، ۷۰ زیل، یک جیب و یک آمبولانس حامل ارتشی و پاسدار که از حمله ارتش سلاحهای یادگان و سایر بیگانه های اطراف شهر برخوردار بود، بطرف روستای "بوئین سفلی" براه افتاد. عده ای از افراد نیروهای سرکوبگر که قبلاً وارد آبادی شده بودند، به منازل مسکونی و مغازه های روستا حمله برده و بیگانه ها را سوال مردم برداشتند. اهالی آنجا که قبلاً از نقشه پلید دشمن با خبر شده بودند، روستا را ترک کردند. ستون پس از آن در نزدیکی آبادی به کمپین پیشمرگان کومله، دمکرات و چریکهای فدائی (جانبداران) افتاد و مورد حمله ارتش خمپاره انداز و آرمی جی و سلاحهای سنگین قرار گرفت.

این حمله غافلگیرانه پیشمرگان دشمن را سراسیمه کرده بطوری که پس از چند ساعت نیروهای خود را جمع و بطرف شهر عقب نشینی کرد. پیشمرگان در حالیکه با روحیه عالی ابتکار عملیات را در دست داشتند ستون را تا چهار کیلومتری شهردنبال کرده و مرتب آن را مورد حمله قرار دادند. بطوریکه یک آمبولانس و یک نفر سرباز کشته افتاد. همچنین بر طبق آخرین اخبار رسیده ۳۰ نفر از افراد دشمن کشته و زخمی شدند.

در این یورش تنها یک نفر از اهالی روستا زخمی میشود. پیشمرگان بدون هیچگونه تلفاتی به پایگاههای خود مراجع نموده و مورد استقبال گرم روستائیان قرار گرفتند.

این پنجمین باری است که نیروهای سرکوبگر بطرف روستای "بوئین سفلی" یورش برده و با شکست روبرو میشوند. آنان در دفعات قبیل نیز متحمل تلفات سنگین شده و شکست خورده به شهر بازمیگردند.

پشتیبانی بی دریغ زحمتکشان روستاهای اطراف محل درگیری در رساندن غذا به سنگرهای پیشمرگان قابل توجه بود. این پشتیبانی همواره باعث بالا رفتن روحیه پیشمرگان و اعتلا بخشیدن به جنبش مقاومت خلق گرد شده است. پشتیبانی بی دریغ روستائیان از پیشمرگان نشان میدهد که جناحیات رژیم جمهوری اسلامی در "ایندرقاش"، "سوف کند"، "صوفیان" و "سروکان" خللی در اراده خلق زنده نگردد و در ادامه مقاومت عادلانه اش بوجود نمیآورد، بلکه آماده تراز همیشه به مبارزات خود ادامه میدهد.
(بمنقل از خبرنا مه ۹۴ کومله)

ملاحظات کوتاه

از بازی "کی بودگی بود؟ من نبودم" که رژیم در زمینه های مختلف منجمله در مسئله شکنجه راه انداخته گول نخواهد خورد. آنها هم جرم را بخوبی می شناسند هم جرم را که همان کل رژیم یعنی رژیم جمهوری اسلامی می باشد. ★★

گاو ما شیر نمیده ماشاله... ش!

حجت الاسلام فردوسی پور "نماینده طبعی" در مجلس پیشنهاد داده است که:
"اگر میخواهید جمهوری اسلامی تثبیت شود و شیطان ریشه کن، دولت باید ما زمان تحقیقاتی در سرا سر کشور برقرار کند. بدون یک سازمان تحقیقاتی به جای سازمان امنیت، رژیم جمهوری اسلامی تثبیت نمیشود".
این اولین بار نیست که برای تثبیت رژیم جمهوری اسلامی به پلیس مخفی، سازمانهای امنیتی و جاسوسی متوسل میشوند، بشماریم:
(۱) بلافاصله بعد از قیام "سا و ما" (سازمان اطلاعات و امنیت ملی ایران) براه انداختند و از کارشناسان سا و اک و شیوه ها و پرونده های آن کمک گرفته شد.
(۲) تفتیش عقاید در کارخانه ها، مدارس، ادارات همه جا و همه جا حتی درون مساجد و حوزه علمیه قم "علیه طلاب جوان و انقلابی براه افتاد"
(۳) حزب جمهوری اسلامی کمیته های زرهی سازمانها و احزاب سیاسی تشکیل داد
(۴) سپاه پاسداران و کمیته ها در محلات شهرها را اعلامیه دادند که هر خبری از نیروهای انقلابی و بویژه کمونیستها را بیدار اطلاع دهید.
(۵) کمیته های با صلاحیت با کسب هم البته از قافله عقب نماندند و کاری کردند که رژیم تویش درمانده می خواهد بسیاری از اراکین را - اگر کمونیست و مجاهد نباشند - بکارت بگیرد! حالا از تبلیغات و تحریکات علیه نیروهای انقلابی جمعه و مجالس روضه خوانی علیه نیروهای انقلابی میشود مردم نا آگاه را به جاسوسی و فعالیت پلیسی و میدارد فعلاً حرف نمی زنیم.
.....
باری با همه این ها که جزئی از ابزار سرکوب توده ها بدست رژیم بوده است کاری بر نیامده و انقلابی هر روز اوج تازه ای می گیرد. ۱۰۰ ما طبقات ارتجاعی که از دست مبارزات توده ها کلافه شده اند که راهای نداشتند با هم با بدبختی همان ابزارهای قدیمی یعنی سرکوب و پلیس و قریب متوسل شوند. رژیم جمهوری اسلامی از حل مشکلات مردم اجزاست، ماشالله به مشکل آفرینها پیش!

کمکهای مالی دریافت شده

الف - خلق ۵۰۰ ریال
خانه دار ۵۰۰ ریال
دبیلیمبیکار ۷۰۰ ریال
دانش آموز سوم دبستان ۱۵۰ ریال
کارمند توانیر ۱۵۰۰ ریال
مادر پسر اکبر ۲۰۰ ریال
س (مادر) ۱۰۰۰ ریال
مهندس هوادار ۱۰۰۰ ریال

مسجد سلیمان:
نفتون ۸۰ - ۴۰۰۰ ریال
نفتون ۸۰ - ۲۴۰۰ ریال
سرگوره ها - ۸۱ ۱۸۶۰ ریال
دوراهی - ۸۳ ۲۴۰۰ ریال
چاه نفتی - ۵۲۰ ۲۰۰۰ ریال
خ - ه ۱۰۰۰ ریال
اندریکا ۵۰۰۰ ریال

کرج:
د - د - کرج ۷۰۰ ریال
دکه داران ۱۲۲۰۰ ریال
کارگر و آریاد ۱۰۰۰ ریال
دانش آموز ابتدائی ۱۰۰۰ ریال
معلم هوادار ۱۵۰۰ ریال
۵ - ک فوق دبیلیمه ۳۰۰۰ ریال

سقز:
رفقای سقز ۱۰۰۰۰ ریال
روستای ط | کمک جنسی دریافت شد.
هواداران جنبش مقاومت ۲۰۰۰ ریال
هوشنگ از کردستان ۱۰۰۰ ریال
مادر ن ۲ کیلویشم برای جوراب پیشمرگان و
۱۰۰۰۰ ریال
ک خانه دار کمک جنسی ۳۷۰۰ ریال
زبان خانه دار سقز کمکهای مالی و هدیه تان رسید.

آغا جاری:
ح ۱۰۰۰۰ ریال
مصطفی ۱۵۰۰۰ ریال
د - ن ۱۵۰۰۰ ریال
ط دانش آموز ۱۰۰۰ ریال
رفقای علی آباد ۱۰۰۰ ریال

همدان:
ف - ع (آباد) ۱۰۰۰ ریال
رفقای کارمند ۱۰۵۰۰ ریال
رفقای دانش آموز ۵۰۰۰ ریال

رشت:
شریف ۱۰۰۰۰ ریال
کارگر جرقیل م - ع ۱۷۰۰ ریال
فاطمی سوم دبیرستان ۲۰۰ ریال

انزلی:
فخر ۱۰۰۰ ریال
وحدت ۱۰۰۰ ریال
هسته اکرم صدقیور ۱۵۹۰۰ ریال
ولی آباد - مادر مبارز ۱۰۰۰۰ ریال
میان پشته - رفیق خانه دار ۱۰۰۰۰ ریال

آبادان:
ر ۱۶۲۲۰ ریال
رمعلم ۵۰۰۰ ریال
م - معلم ۵۰۰۰ ریال
عادل ۵۰۰۰ ریال

نور:
دهقانان مبارز یک روستا ۱۰۰۰ ریال
کارگر روستائی ۵۰۰ ریال

رامسر:
س - پ ۷۰۰۰ ریال
دانش آموزان هوادار ۳۵۰۰ ریال
رفقای سخت سرهدیه تان رسید.

رودسر:
س - پ ۹۰۰۰ ریال
ب دانش آموز ۳۰۰ ریال

سپاهکل:
ج - پ ۵۰۰ ریال
رفقای دکه ۵۰۰۰ ریال
رفقای هوادار ۱۱۵۰۰۰ ریال

و - س ۱۰۰۰ ریال
ن - ج ۲۰۰۰ ریال
ث - ش ۱۵۰۰۰ ریال
س - ت ۵۰۰۰۰ ریال
ح - ش ۳۷۰۰۰ ریال
ث - ق - کارمند ۵۰۰ ریال
کارمند اخراجی ۱۰۰۰ ریال
مادر سه هوادار ۱۰۰۰۰ ریال
کفایت مبارز ۱۰۰۰۰ ریال
محمی جوانیه ۵۰۰ ریال
م کارگر ۱۰۰۰ ریال
خ کارگر ۵۰۰ ریال
ع کارگر ۵۰۰ ریال

الف کارمند ۱۰۰۰۰ ریال
ر - ش خانه دار ۲۰۰۰۰ ریال
م - لباس برای پیشمرگان
م - سرباز ۱۰۰۰۰ ریال
ع - برادر پیشمرگان ۸۵۰۰ ریال
تاسرومنصور ۲۷۰۰۰ ریال
سرباز منتقزی ۵۶ ۵۰۰۰ ریال
س - پرستار ۱۰۰۰۰ ریال
محللات شرق ۷۰۰۰ ریال
دانشجوی نجان ۹۵۰۰۰ ریال
دانش آموزان جنوب ۲۵۰۰۰ ریال
رفقای پارک شهر ۲۳۰۰۰ ریال
مادرش معلم ۱۰۰۰۰ ریال
مریم ۷۰۰۰ ریال
ر - ش کارگر سیلو ۱۰۰۰۰ ریال
فربا دزحمتکشان اسلامشهر برای
بیکار و تشویریک ۴۰۰۰ ریال
اقدس - ن همراه با لباس برای پیشمرگان ۲۰۰۰۰ ریال
ر - ۷ روغن و لباس رسید.
رفیق کارمند ۳۷ - ۱۰۰۰۰۰ ریال کمک
مالیتان رسید.
رفیق ثنا تر ۱۰۰۰۰۰ ریال
رفقای کمیته هنری ۲۰۰۰ ریال
کمیته هنری ۲۰۰۰۰ ریال
رفیق کاف هدیه تان رسید.

لاهیجان:
ب ۶۱۴۰ ریال
مادرش ۵۰۰ ریال
ر - ر ۵۰۰ ریال
مادر ۱۰۰۰ ریال
رفیق بیک ۶۵۰۰ ریال
رفقای هوادار ۴۵۰۰۰ ریال
رفقای دبیلیمه ۱۲۰۰۰ ریال
هسته دانش آموزی دختر ۱۵۰۰۰ ریال
هسته دانش آموزی پسر ۱۰۰۰۰۰ ریال
هسته دانش آموزی هدیه تان رسید.
رفقای لاهیجان: کوشش شما در امور
مالی زاجج میگذاریم (تداکات گلستان)

شیراز:
دانش آموزان هوادار ۲۵۰۰۰ ریال
" " " ۲۲۰۰۰
" " " ۳۱۹۵۰
سرباز هوادار ۵۰۰ ریال
دبیلیمه های بیکار هوادار ۳۵۰۰ ریال
ا - م هدیه تان همراه با ماه پیرشورت رسید.

آمل:
ح - ۳۵۰۰۰ ریال
م ۲۹۵۰۰ ریال
الف - ب ۱۰۰۰۰۰ ریال
الف وم ۳۶۰۰۰ ریال
ق - ق ۱۰۰۰۰ ریال
ط - ش ۴۰۰۰۰ ریال
خانواده ع ۳۲۰ ریال
خانواده ف ۲۰۰۰ ریال
از روستای سنی کلاهیک رفیق ۵۰۰۰ ریال

تبریز:
ف ۳۰۰ ریال
ر - پ ۳۱۸۰۰ ریال
د - ب - م ۱۲۰۰۰ ریال

تهران:	ی	الف د.	ر
آ ۱۷۰۰	۴۰۰۰	۳۰۰۰	۲۱۰۰۰
الف ۶۰۰۰	۵۴۰۰	۴۰۰	۳۷۰۰۰
ب ۲۰۲۲۰۰	۵۰۰۰	۴۰۰	۲۷۰۰۰
پ ۶۳۰۰	۹۱۴۰	۲۵۰۰	۴۹۰۰۰
ت ۱۴۰۰۰	الف-س	دبیرستان	۳۹۰۰۰
ث ۶۰۲۰	۸۲۰۰	حوریه -	۴۲۰۰۰
ج ۴۰۰۰	پدر	بازرگان	مسجد -
د ۶۰۰۰	۷۰۰	س ۳۰۰	سلیمان:
ه ۱۹۹۰۰	زلف	خ ۲۰۰۰	خ
و ۸۴۰۰	۲۵۰۰	ث ۳۰۰	۳۰۰۰
ز ۲۱۰۰	رست	م ۴۵۰	ز
ح ۲۱۰۰	۳۱۰۰	شیراز:	۶۰۰۰
د ۵۱۵۰	ب-الف	ب	۷۴۰۰
ر ۲۶۰۰	ک-ک	پ	ع
س ۹۰۰۰	۳۰۰۰	ط - ع	۳۳۰۰
ت ۷۰۰۰	۱۲۰۰۰	ن - ف	م
ث ۸۰۰۰	۵۰۰۰	۳۶۰۰	ک
ج ۵۸۰۰	۲۰۰۰	ع ۲۴۰۰	ع
د ۵۵۵۰	امیر	همراه با	ع
ه ۲۵۰۰	۴۵۰۰	نامه	ع
و ۵۰۰۰	N	محللات شرق	ع
ز ۷۱۰۰	۱۲۲۰۰	دانشجوی نجان	ع
ح ۳۲۰۰	۱۱۰۰۰	دانش آموزان جنوب	ع
د ۱۲۲۰۰	تبریز:	رفقای پارک شهر	ع
ر ۱۲۲۰۰	الف	مادرش معلم	ع
ث ۴۰۰۰	۲۵۰۰	مریم	ع
ج ۷۲۰۰	ب	ر - ش کارگر سیلو	ع
د ۶۲۲۰	۱۲۰۰	فربا دزحمتکشان	ع
ه ۷۰۰۰	و	بیکار و تشویریک	ع
و ۲۶۰۰	۵۰۰۰	اقدس - ن همراه با لباس	ع
ز ۷۵۶۰	خ	روغن و لباس رسید	ع
ح ۱۰۰۰۰	ک	رفیق کارمند	ع
د ۱۰۵۵۰	د	مالیتان رسید	ع
ر ۲۱۰۰	۱۲۰۰۰	رفیق ثنا تر	ع
ث ۱۰۰۰۰	۲۴۵۶۰	رفقای کمیته هنری	ع
ج ۲۷۰۰	م	کمیته هنری	ع
د ۶۲۲۰	ر	رفیق کاف هدیه تان رسید	ع
ه ۷۰۰۰	ت	لاهیجان:	ع
و ۲۶۰۰	ث	ب ۶۱۴۰	ع
ز ۷۵۶۰	ج	مادرش ۵۰۰	ع
ح ۱۰۰۰۰	د	ر - ر ۵۰۰	ع
د ۱۰۵۵۰	ر	مادر ۱۰۰۰	ع
ر ۲۱۰۰	ت	رفیق بیک ۶۵۰۰	ع
ث ۱۰۰۰۰	ث	رفقای هوادار ۴۵۰۰۰	ع
ج ۲۷۰۰	ج	رفقای دبیلیمه ۱۲۰۰۰	ع
د ۶۲۲۰	د	هسته دانش آموزی دختر ۱۵۰۰۰	ع
ه ۷۰۰۰	ر	هسته دانش آموزی پسر ۱۰۰۰۰۰	ع
و ۲۶۰۰	ش	هسته دانش آموزی هدیه تان رسید	ع
ز ۷۵۶۰	پ	رفقای لاهیجان: کوشش شما در امور	ع
ح ۱۰۰۰۰	ب	مالی زاجج میگذاریم (تداکات گلستان)	ع
د ۱۰۵۵۰	ج	شیراز:	ع
ر ۲۱۰۰	د	دانش آموزان هوادار ۲۵۰۰۰	ع
ث ۱۰۰۰۰	ع	" " " ۲۲۰۰۰	ع
ج ۲۷۰۰	ف	" " " ۳۱۹۵۰	ع
د ۶۲۲۰	م	سرباز هوادار ۵۰۰	ع
ه ۷۰۰۰	ن	دبیلیمه های بیکار هوادار ۳۵۰۰	ع
و ۲۶۰۰	ر	ا - م هدیه تان همراه با ماه پیرشورت رسید	ع
ز ۷۵۶۰	ت	آمل:	ع
ح ۱۰۰۰۰	ث	ح - ۳۵۰۰۰	ع
د ۱۰۵۵۰	ج	م ۲۹۵۰۰	ع
ر ۲۱۰۰	د	الف - ب ۱۰۰۰۰۰	ع
ث ۱۰۰۰۰	ر	الف وم ۳۶۰۰۰	ع
ج ۲۷۰۰	ش	ق - ق ۱۰۰۰۰	ع
د ۶۲۲۰	پ	ط - ش ۴۰۰۰۰	ع
ه ۷۰۰۰	ب	خانواده ع ۳۲۰	ع
و ۲۶۰۰	ج	خانواده ف ۲۰۰۰	ع
ز ۷۵۶۰	د	از روستای سنی کلاهیک رفیق ۵۰۰۰	ع
ح ۱۰۰۰۰	ه	تبریز:	ع
د ۱۰۵۵۰	و	ف ۳۰۰	ع
ر ۲۱۰۰	ز	ر - پ ۳۱۸۰۰	ع
ث ۱۰۰۰۰	ح	د - ب - م ۱۲۰۰۰	ع
ج ۲۷۰۰	د	تهران:	ع
د ۶۲۲۰	ر	الف - الف ۲۰۰۰	ع
ه ۷۰۰۰	ث	ب - ش ۱۰۰۰	ع
و ۲۶۰۰	ج	ک م ۱۲۰۰۰	ع
ز ۷۵۶۰	د	الف - ب ۶۰۰۰	ع

بقیه از صفحه ۲۸ **شکجه...**

و بعنوان مجریان عدالت "خواهان مجازات شکجه گران میشوند" منتها اگر چنین شکجه - گرانی باشد! معمولا که، سیونهای تحقیق تنها موارد معدودی ضرب و شتم را که بهیچوجه شکجه محسوب نمیشود را گزارش میکند امثال میخواهید؟ خوب میتوان مثال شخص شکجه در زمان شاه خاں را آورد. شاه مزدورتا زمانیکه جنبش توده ها اوج نگرفته بود، منگرو وجود هرگونه شکجه ای در قتل - گاهای کمیته و اوین میشد تا آنتهنگا مازورو د صلیب سرخ و سازمان عفوبین الملل و سازمانهای بین المللی مربوط به این مسئله جلوگیری می کرد، اما وقتی جنبش توده ها اوج گرفت، کمیسیون ویژه ایجاد کرد و به برخی "برخوردهای نادرست" نسبت به زندانیان نیز اعتراف نمود و عروسکهای خیمه شب بازی در مجلس مسخره نا هتاهی به استیضاح ساواک مشغول شدند تا تا بدرواشی شکجه ها و کشتارهای وحشیانه رژیم را بپوشانند. اما لیبرالها چه میکردند؟ آنها تا وقتی جنبش توده ای مطرح نبود، خفقان گرفته بودند، اما تا نسیم انقلاب وزید، بیکیاره به یاد شکجه و زندان و ساواک افتادند، تا به - پراکنی به علیحضرت "در اعتراض به شکجه شروع شد و بلافاصله کمیسیونهای دفاع از زندانیان سیاسی از سوی لیبرالها تاسیس شد، تا شاید توده ها را بفریبند و خود را "آزادخواه و انقلابی جا بزنند و از این طریق جنبش توده ها را فروکش دهند و به نان و نمائی برسند. حکایت اکنون نیز با ردیگر تکرار شده است رژیم جمهوری اسلامی به بازاریسیست سرما به داری وابسته و سرکوب انقلاب مشغول است، انقلابیون با امپریالیسم و ارتجاع می ستیزند، ارتجاع حاکم انقلابیون را به بند می کشد و وحشیانه ترین و قرون وسطایی ترین شکجه ها را در مورد آنان بکار میبرد (که ما در جای دیگر به آن خواهیم پرداخت)، لیبرالهای مرتجع نیز که جنبش توده ها را می بینند، برای سوار شدن بر جنبش و بدست آوردن مواضع قدرت رقیب، از شکجه سخن میگویند و حزب جمهوری اسلامی و آیت الله خمینی که تا اکنون در جمهوری عدل اسلامیان "بهشت" ساخته بودند...! و "استفغرا لله" شکجه و زندان نداشتند! حال که بیش از پیش رسوا شده اند، سخن از کمیسیون ویژه برای تحقیق شکجه میگویند. ما کاری به این نداریم که نتیجه این کمیسیون تحقیق رژیم رسوا و نتگین جمهوری اسلامی را در خطر قرار ندهد! اما هدف دنتجه تحقیق از همین حال معلوم است! بهر حال سخنان آیت الله خمینی در مورد شکجه (مطبوعات ۱۹ آذر) حاوی این واقعات است:

۱ - خفقان و سرکوب شدن انقلاب و زندانیان و شکجه را بعنوان عواملی برای پشاه جمهوری اسلامی این رژیم سرما به داری حافظ منافع امپریالیسم، حتمی و ضروری ساخته است.

۲ - جنبش توده ها، چهره کربه رژیم را بیش از پیش به توده ها نمایانده و تنی نمایانند.

۳ - لیبرالها در این میان در پی فریب توده ها و سوار شدن بر جنبش هستند و چنین است که کسانی که خود در کشتار رهبران خلق ترکمن و سر - کوبگران خلق کرد و کشتار کمونیستها (بنی - صدر، بازرگان و...) با رقیبشان همدست بوده - اند، دم از شکجه مردم توسط جناح رقیب میزنند

۴ - در چنین شرایطی است که حزب جمهوری اسلامی و "حامی" اش، آیت الله خمینی محبوس به یک عقب نشینی میشوند و ناگهان بفکر تحقیق می افتند. صدها لاله زخون شهیدان انقلابی در شکجه گاهها و میدانهای تیروگردستان قهرمان و ترکمن صحرا و... روئیده، تهاوز، کورکردن، شلاق - زدن نقض عضو انواع شکجه های دیگری به شدیدترین وجه توسط رژیم انجام گرفته و میگیرد اما حالا که رژیم رسوا شده است بفکر تحقیق افتاده است! اما سخنان آیت الله خمینی چه کسی را می - تواند فریب دهد. مگر همین آیت الله خمینی نبود که گفت در میدانها برای انقلابیون جوبه - های دار برپا خواهد داشت (مرداد ۵۸) و مگر همین آیت الله خمینی فرمان شدت عمل را با کمونیست ها و مجاهدین ما در تکرده است؟ حزب جمهوری اسلامی، لیبرالها و آیت الله خمینی و هرنیروی دیگری مانند آنها برای نجات حکومتی که حافظ منافع سرما به داریان و امپریالیسم است، ناچار به شکجه انقلابیون هستند. منتها اگر شاه - سا شکجه توانست حکومتش را ادامه دهد، اینان نیز بواهند توانست

۵ - دستور آیت الله خمینی و بدنهال آن نامه ۱۱۵ نماینده حزب جمهوری اسلامی یا متماثل حزب در این مورد نشان میدهد که سخنان آیت الله نه بخاطر مخالفت ایشان با شکجه و شکجه گران بلکه برای جلوگیری از رسواشی بیشتر در زندان توده ها و نیز خلع سلاح جناح رقیب که میگوید، با استفاده از نقاط رسوای جناح حزب رقیب... تحکیم بخشد میباید. این بخشی از نامه نمایندگان حزبی به آیت الله خمینی به اندازه کافی گویاست.

۶ - در صورت ناچیز بودن موارد تخلف ضمن رسیدگی به آنها (منظور شکجه است) متخلف تشبه و عنا مری را که اینگونه ضعف را در جدی بزرگ مینماید بلکه موجبات تضعیف دولت جمهوری اسلامی نوپا را فراهم می آورد نشان ساشی و به ملت مسلمان و انقلابی ایران معرفی نمایند" (جمهوری اسلامی، ۲۰ آذر)

بدین ترتیب از یکسو نمایندگان حزبی به لاپوشانی قضیه "کی بود، کی نبود، من نبودم" افتاد، و از سوی دیگر به جناح دیگر یعنی لیبرالها نیز حمله و میزنند. نتگنان با دکه شکجه - انقلابیون و زحمتگشان نیز از سوء استفاده در جنگ قدرتتان دور نمی مانند! ★★★

بقیه از صفحه ۲۸ **پیماناسبت...**

شاه در اختیار انقلابیون اسیر قرار داشت، اکنون توسط رژیم جمهوری اسلامی از زندانیها جمع آوری میشود. انقلابیون و کمونیستهای اسیر در کنار مزدوران رژیم پهلوی قرار دارند و بدین ترتیب تحت شکجه روحی قرار میگیرند. به انقلابیون و کمونیستها مدام شلاق زده می - شود و تا این شکجه قرون وسطایی را رژیم حدود و تعذیرات گذاشته است، خلخال، بهشتی و... هم از این حدود اسلامی سخن میگویند و حاکم شرع جلاد "ری شهری"، شلاق زندانیان را مطابق دستور اسلام الزامی میدانند. او میگوید: "اگر مقصود از شکجه تشبیه ها می است که اسلام بعنوان حدود و تعذیرات مطرح میکند، اگر مقصود اینست ما منکر نیستیم زیرا دستور اسلام است." (کیهان - ۱۳ آذر)

آری با ردیگر نعره های سرشار از درد امیران در زندانها بلند شده است. این بار بجای حبسینی و عضدی و رسولی، ما شاله قضایاها و خلخالها و کجوشیها و دهه های امین جا کوشش فاسد بنام رسوای کمیته ها و سپاه سازان قرار دارند. بار دیگر فریادهای پرغرور زندانیان در بندند که زیر شکجه ها از دادن اسرار سازمانی اما میکنند درس مقاومت و پایداری میدهد و بانک اعتماد غذای پرغرور زندانیان سیاسی، حکایت از گذشته شدن جبهه ای دیگر از مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم میدهد. باران در بند، از پشت میله - ها دستانتان را بگری میفشانم، برزخهای شکجه تان بوسه میزنم و با شما می خروشم تا خلعمان آزاد گردد.

مسئله جالب در مبارزات هفته گذشته زندانیان سیاسی، خیانت رویزیونیستهای فدائی (اکثریت) است آنها در زندان رژیم نیز از تکرار جمهوری اسلامی دست برنمی دارند، شلاق میخورند، اما برای جلادانشان آرزوی موفقیت میکنند! چنین است، وقتی که رفقای بیگانه و گردیدگرنیروهای کمونیست متحد با دوستان ما همدست به اعتبار غذا می زنند، رویزیونیستها آن را تحریم میکنند، چرا که نمی - خواهند بورژوازی ارتجاعی و شکجه گرتضعیف شود. اما خلق ما علیرغم خیانت رویزیونیستهای حقیر با ردیگر برخواهد خواست و با شعار زندانی سیاسی انقلابی به همت توده ها آزاد باید گردد. قفسهای تنگ دژخیمان را درهم خواهد کوبید و فرزندان خلف قهرمانش را آزاد خواهد کرد، تا همچنان بذراگامی و انقلاب بکارند.

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی رژیم شکجه گرو جلاد را رسوا نمیکند. همانطور که در زمان شاه اینچنین شد. شما زندانی سیاسی انقلابی به همت توده ها آزاد باید گردد. را با ردیگر میباید توده ها بریریم همانگونه که در زمان شاه شن بردیم. ★★★

نگ و نفرت بر شکجه گران و زندانبانان رژیم جمهوری اسلامی

رهنمود به هواداران داخل و خارج کشور در مورد مبارزه در جهت آزادی زندانیان سیاسی انقلابی

رفقا!

همانگونه که اطلاع دارید، رژیم در جهت باز سازی سیستم سرما به داری وابسته و سرکوب انقلاب، خفگان، سرکوب و کشتار و راکتگرش بیشتری داده است. در این میان، یورش به کمونیستها و دیگر انقلابیون و زندان شکنجه و تیرباران آنان بیش از پیش افزایش یافته است. در شرایط کنونی چند هزار زندانی سیاسی انقلابی در سبزه‌های رژیم در بدترین شرایط و تحت شکنجه جسمی و روانی، اما همچنان به آرزوی انقلابیانشان وفادارند، مبارزه در جهت رهایی این یاران در بند، جز جدایی ناپذیر نیست. برای نابودی امپریالیسم و ارتجاع داخلی است. به همین منظور:

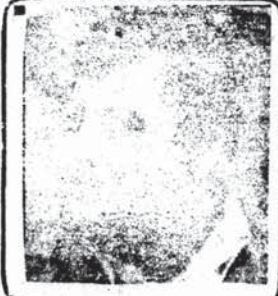
- ۱ - زرقای دانشجویی خارج از کشور موظفند، دست به تظاهرات، راهپیماییها و اعتصاب غذا بمنظور پشتیبانی از زندانیان سیاسی دربند بزنند.
- ۲ - رفقای دانشجویی خارج از کشور موظفند با تبلیغات گسترده، توجه نیروهای ترقیخواه بین المللی را به آنچه اکنون در زندانهای رژیم میگذرد جلب کرده تا این نیروها و سازمانها که در زمان شاه خائن نیز در جهت بهبود وضع زندانها و افشای رژیم حرکت نمودند، رژیم جمهوری اسلامی را برای باز دید وضع زندانها تحت فشار بگذارند و هر چه بیشتر رژیم را کمرا رسوا

نمایند

۳ - هم اکنون مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، تبدیل به یکی از شعارهای مبارزاتی ما گشته است. بدین ترتیب تمامی رفقا موظفند به افشای جنایات رژیم در زندانها و به خصوص نزد کارکنان و زندگاران و زحمتکشان بپردازند. نشریات محلی و فابریک، شعارهای روی دیوار و تبلیغات شفاهی در میان زحمتکشان علاوه بر محورهای اصلی چون افشای جنگ، آوارگان و... بایستی مسئله زندانیان سیاسی را نیز در بر بگیرد.

۴ - کلیه رفقا موظفند با ارائه نمونهها و فاکت های مشخص از شکنجه های رژیم جمهوری اسلامی نسبت به زندانیان سیاسی انقلابی و مقایسه آن با شکنجه های رژیم آریا مهری، به افشای جنایات رژیم در زندانها بپردازند و ما هیت ارتجاعی و ضد خلقی بودن آنرا بر ملا بزنند.

رفیق حسنعلی شهبازی نقنگر انقلابی آزاد باید گردد!



دلآوری که قهرمانان را به اعتبارات شرکت نفت را بر علیه شاه خائن سازماندهی و رهبری میکرد انقلابی ای که فعلا نه در سربانی شوراهای کارگری پس از تاقیاب همین میکوشد، رفیقی که دلورانه با شاه مزدور، امپریالیسم و ارتجاع شیرد میگرد، اکنون در بند جمهوری اسلامی است. رفیق شهبازی کاندیدی مورد حمایت سازمان در آغا جاری که زحمتکشان آغا جاری همواره مبارزاتش را با یاد داشته و خواهند داشت. بد اتفاق رفقای شهید متوجه چهره نیک اندام و محمد اشرفی دستگیر و تحت شکنجه قرار گرفت. تنها جرم این رفیقان عشق به زحمتکشان بود. رفقای قهرمان شهبازی، اشرفی و نیک اندام در پی دادگاههای جمهوری اسلامی دلورانه از آریاسان دفاع کردند. دو رفیق اخیر در سبزه‌های سجون و کیل مدافع و فقط در عرض چند دقیقه محاکمه و سپس تیرباران میشوند و رفیق شهبازی سناظر معروفیتش در زندانها، به ۱۵ سال زندان محکوم گردید. خلفهای قهرمان ما خواهان آزادی این انقلابی وفادار به زحمتکشان هستند. رژیم اگر جرئت دارد از آگاهی توده ها نمی برد. دادگاههای علنی برای رفیق شهبازی برپا دارد تا خلق دریا بد که چه کسی یا کسانی تا بد می کند شوند و چه کسانی خائن به خلق و باغی هستند. مبارزات خود را برای آزادی همدرستان زندانیان انقلابی دربند، از جمله رفیق شهبازی، بکنند. بختم.

زندانی سیاسی انقلابی به همت توده ها آزاد باید گردد! ننگ و نفرت بر شکنجه گران و زندانیان رژیم جمهوری اسلامی! درود بر زندانیان انقلابی مبارزی که در شکنجه گاه های رژیم پر جرمقا و مسترا همچنان برافراشته نگاه داشته اند! سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ۵۹/۹/۲۰

بقیه از صفحه ۷ زاهدان...

۴ - ایجا دو تنظیم فعالیتها فرهنگی و هنری و فوق برنامهمزین نظر شورای دانش آموزان .

روزیکشنبه ۹/۱۶ / "نظامی" نماینده مدیرکل آموزش و پرورش به محل تحصن آمده و مثل سایر همپرده های رژیم با توسل به چماق "حک با عراق" و اینکه عمل دانش آموزان ضد انقلابی است، دانش آموزان انقلابی را تهدید کرد. اما دانش آموزان انقلابی به مدیرکل پاسخ دندان شکنی داده و او گفتند: "ایجا دشوار در دبیرستان هیچ ربطی به حجت ندارد و تازه اگر مسئله، انقلاب است، ایجا دشوار و بیباید کیفیت درسیا حسود، کامیای بزرگی در راه انقلاب هستند. "نماینده مدیرکل که در مقابل پاسخ گوینده دانش آموزان خوار گشته بود ایضا رهی شرمناکه میگوید: "بمعنای یک برادر بزرگتر شما میخواهم بر - کلاس بروید و در این مومنت اگر شما تلوغ بکنید دبیرستانهای دیگر نیز تلوغ میکنند و اگر ما به خراسته های شما پاسخ مثبت بدهیم فردا کلاس ها و دبیرستانهای دیگر نیز خمی خواهند را

مطرح خواهند کرد. دانش آموزان انقلابی در جواب با ایمن اظهارات بی شرمانه گفتند: "اگر ربکی در کفشان نیست چرا از اجرای این خواسته های ترسید و در زمان شاه نیز به ما می گفتند که درس بخوانید تلوغ نکنید و ما را به تعطیل و انحلال مدرسه تهدید میکردند پس فرق شما با آنها چیست؟" با این سخنان، "نظامی" نماینده مدیرکل که پیش از پیش مفتضح شده بود با نا راحتی محل تحصن را ترک کرد. آنکا مسئولین دبیرستان خواستند از طریق والدین دانش آموزان تحصن را بکنند بکشانند. اما ما با مقاومت و افشاگریهای دانش آموزان انقلابی سرانجام مسئولین تسلیم خواستند دانش آموزان انقلابی شده و توافقنامه ای شرح زیر نوشتند یکی از والدین به امضای دبیر دبیرستان و دبیر مدرسه گورست:

- ۱ - شورای دانش آموزان بعنوان نماینده بالادستی مرجع تصمیم گیری در دبیرستان تشکیل شود.
- ۲ - اجتماعات تربیت اول بین اردوستان در حد اعتبار قرار گیرد.

- ۳ - اگر تلومجی "دبیر مدرسه" سرانجام تسلیم ندرین کند خود را کنار رود.
 - ۴ - اگر دبیر مدرسه گور خوار شد کار را بکنند.
- دانش آموزان دیوار تحصن خواهند کرد. بدین ترتیب دانش آموزان انقلابی با هم و با ویت انقلابی خود، خبرچرانان و ارتجاع دبیرستان را به حساب می وادارند و بکنند.

زندانی سیاسی انقلابی به همت توده آزاد باید گردد

**شکنجه تست رسوائی
رژیم ازبامها افتاده است
چرا آیت الله خمینی کمیسیون
تحقیق تشکیل می دهد؟**

بگذارید حکایتی که همه جا و همیشه در کشور - های تحت سلطه تکرار میشود ابرایتان بازگو کنیم - است شما روحشانه کارگران و دیگر طبقات و اقشار خلقی که بسیار شدیدتر از کشورهای امپریالیستی انجام میگیرد، لزوم سرکوب غشمن زحمتکشان را مطرح میکند. است شما روسکوب توده ها آنقدر شدید است که لیبیرالیزم منحصط بورژوازی نیز از سوی این رژیمها مراعات نمی - گردد. مبارزات توده ها شدید، سرکوب و کشتار زندان و تیرباران و شکنجه امری طبیعی است . - در زندانها، انقلابیون بحدت شکنجه میشوند اما رژیمهای حاکم وجود شکنجه و زندان بنیان سیاسی در کشور خود را تکذیب میکنند. تا وقتی که جنبش

یادداشتهای سیاسی هفتگی

توده ها اوج میگيرد .
- با او جگر جیش لیبیرالها برای فریب توده ها پایه میدان میگذازند و کسانی که تا کنون با دیگر نیروهای ارتجاعی دما زبده اند "انسان دوست و آزادیخواه" میشوند و به وجود شکنجه و زندانی سیاسی که دیگر واقعیت آشکار و مسلم است اعتراض میکنند تا نا بد خود را بر امواج جنبش توده ها سوار کنند .
- در این هنگام است که رژیمهای شکنجه گر ناگهان به این فکر می افتند که برای فریب توده ها، واقعیت رسوائی شکنجه، زندان و تیرباران انقلابیون را به نوعی توجیه کنند، کمیسیون های تحقیق، بازرسی و ویژه و... را به زندانها میفرستند، در درد شکنجه سخن میگویند!

صدویکمین سالگرد تولد استالین رهبر پرولتاریای جهان گرامی باد!



مقاله گرامیداشت رفیق استالین بعلت تراکم مطالب در شماره آینده چاپ خواهد شد

بمناسبت اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در هفته گذشته یاران انقلابی در بند را بلردیگر باید خلقهای ایران آزاد کنند!

هفته گذشته مدتها تن از زندانیان سیاسی قهرمان در تهران و شیراز دست به اعتصاب غذا زدند این اقدام انقلابی اعتراضی است به جنایات و وحشیگریهای رژیم جمهوری اسلامی "زندانی سیاسی" چه باار انقلابی دارا یا بن کلام برای خلقها یمان ! این کلام دیری است برای زحمتکشان آشناست. دلاورانی که برای نابودی امپریالیسم و ارتجاع از جان نشان می - گذرند، در کارخانه، مزرعه، دانشگاه و مدرسه و... بذر آگاهی میکارند، بجرم پیش اعلامیه، فروش نشریه، بحث آگاهانه و افشای دشمنان توده - ها و با لاترازمه بخاطر عقابشان، که چیزی جز عقیده برای رهائی توده ها از قید امپریالیسم نیست، به شکنجه گاهها برده میشوند و مشتقی مزدورجانی با شلاق بیکرشان را خونین میکنند چندین جلابا مشت و لگد به جانشان می افتند به آنها تاجا وز میکنند، در سرما و سیاهای محبوس شان میمانند و... چرا که رژیم از انقلاب و انقلابیون وحشت دارد. اما آنچه که امروز رژیم جمهوری اسلامی بر سر چند هزار نفر زندانی سیاسی انقلابی میآورد، حدیثی تازه نیست . رژیم شاه نیز چنین میکرد و جمهوری اسلامی بخوبی نشان داده است که جای پای ساواک و شکنجه گران معروفش گذاشته است .

سرحدی زاده، یکی از دژخیمان زندانهای قرون وسطایی رژیم جمهوری اسلامی میگوید :
"اینکه وضع زندانها چیزی نیست، مسا بهای، نوع زندان، نوع گورستان (برای انقلابیون) خواهی ساخت، "دژخیمان جمهوری اسلامی به آنچه سرحدی زاده گفته است، تاکنون بخوبی عمل کرده اند .
در سیاهای مخوف رژیم، انقلابیون بسیاری تاکنون سربسته شده اند. چگونگی محاکمه رفقای انقلابی شهید نیک اندام و شرفی را (در بیکار ۸۵) دیدیم، رفقا توماج، واحدی، سمودمالهی راد و طیب نجم الدینی نیز پس از دستگیری در همین زندانها بشهادت میرسند و اجسادشان را به بیابانها می برند، تا اجنایاتشان را بیوشانند آن رفیقانی نیز که تیرباران شده - اند در بدترین شرایط زندگی قرار دارند .
وضع غذاها فوق العاده بد و مسموم کننده است ؛ انقلابیون زن شدیداً مضروب و مورد آزار هستند قرار میگیرند، را دیوکتا به که در زمان رژیم

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست



چرا نشریات رونیونیستی ممنوع الاتشار نمی باشند؟

تا باید افرادی باشند و از خود بپرسند که چگونه نشریات کمونیستی مانند "پیکار"، "رزمندگان" انقلاب "... اما از انتشار دارند، اما نشریاتی مانند "مردم"، "رنجبر" و... از انتشار دارند و بطور علنی و گسترده در ساط روزنامه فروشیها به فروش میرسد ؟
حقیقت آنست که نشریات دسته اول متعلق به کمونیستهاست حال آنکه نشریات دسته دوم از